پدافند غیرعامل و تهدیدات نوین

(تهدید ها ، مدل کلی دفاع همه جانبه از کشور ، تقسیم بندی حوزه های پدافند و ...)

دکتر غلام رضا جلالی

از مجموعه سخنرانی ها و دیدگاه هایریاست سازمان پدافند غیرعامل کشور

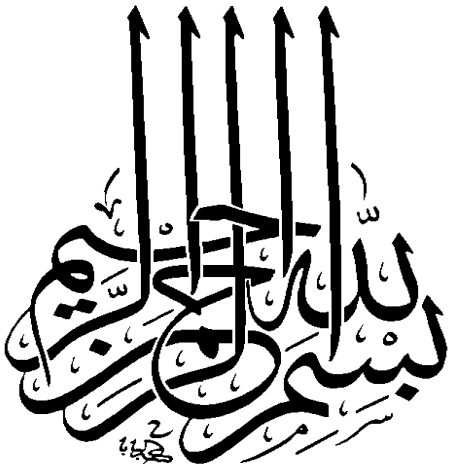
بسم الله الرحمن الرحيم

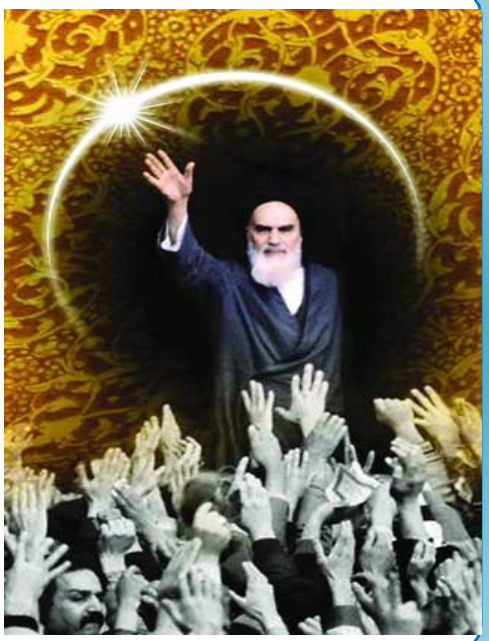

« در هر شرایطی باید بنیه‌ی دفاعی کشور

در بهترین شرایط باشد»

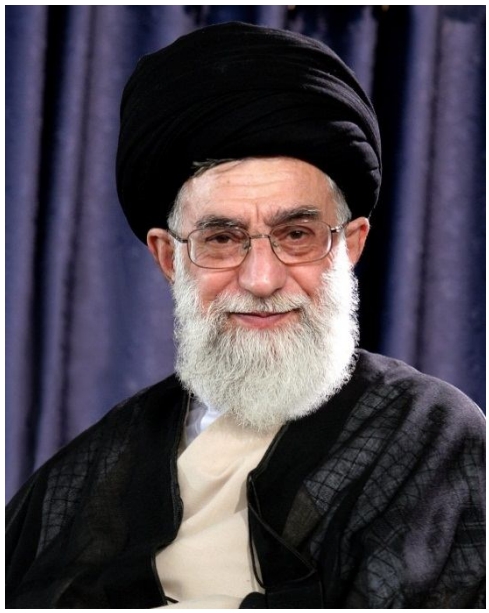

«یک ملت باید دشمن را بشناسد،

نقشه دشمن را بداند و خود را در مقابل آن تجهیز کند.

پدافند غیرعامل
و
تهدیدات نوین

تدوین و ارائه دهنده :

دکتر غلام رضا جلالی

سرشناسه	: جلالی فراهانی، غلامرضا، 1337 -
عنوان و نام پدیدآور	: پدافند غیرعامل و تهدیدات نوین/ تدوین و ارائه‌دهنده غلامرضا جلالی‌فراهانی.
مشخصات نشر	: تهران: بوستان حمید، 1390.
مشخصات ظاهری	: 104ص.: مصور.
شابک	: 978-600-6412-13-9
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: دفاع از غیرنظامیان -- ایران-- مقاله‌ها و خطابه‌ها
رده بندی کنگره	: 1390 4پ8ج /U926
رده بندی دیویی	: 363/350955
شماره کتابشناسی ملی	: 2641514

انتشارات با همکاری و پیشنهاد سازمان پدافند غیرعامل کشور

عنوان : پدافند غیرعامل و تهدیدات نوین

تدوین و ارائه دهنده : دکتر غلامرضا جلالی فراهانی

گردآوری و تنظیم مستندات : محمد شامحمدی

ناشر : بوستان حمید

چاپ اول : زمستان 1390

شمارگان : 2500

قیمت : **4000** تومان

تلفن ناشر: 33700927 صندوق پستی 331- 17775

مقدمه

در طول تاریخ بشر، عنصر نزاع و جدال نقش پررنگی داشته است. به گونه ای که از کل تاریخ بشری فقط ۲۶۸ سال بدون جنگ سپری شده است. این عدد فقط یک آمار است. اما آنچه که مهم تر از این حقیقت است این است که، در دوران صلح ضرورت آمادگی برای جنگ مهم تر از خود جنگ است. با گذشت زمان و پیشرفت علم و دانش بشری همانگونه که اختراعات جدید به وجود آمد، روش های متنوع و هوشمندانه ای نیز برای کشتن و در هم شکستن دفاع دشمن و در کل فناوری های جدید در صحنه نظامی به کار بسته شد. با این وجود به کارگیری این فناوری ها و اختراعات و پیشرفت ها در صحنه ها و عرصه های دفاعی نیز گسترش یافته است، به گونه ای که امروزه دفاع و هنر دفاع کردن یک تخصص و علم به شمارمی آید. و خود دفاع به دو گونه عامل و غیر عامل تقسیم می شود. در واژگان پارسی، معادل کلمه دفاع، پدافند می باشد. به صورت کلی پدافند غیرعامل هنر و علم دفاع بدون اسلحه می باشد و در آن از آموزه ها و دستور العمل های علمی و هوشمندانه به همراه به کارگیری ابزارآلات و فناوری های نوین جهت افزایش کارآمدی و ایمنی و کاهش آسیب پذیری و تلفات در زمان جنگ و کلاً حوادث سهمگین غیر منتظره استفاده می شود.

آنچه در پیش رو دارید، سخنرانی دکتر غلامرضا جلالی فراهانی ریاست سازمان پدافند غیرعامل کشور در همایش پدافند غیرعامل و آموزش کارکنان و مدیران در استان گیلان می باشد، که شرحی است اجمالی اما به غایت مفید و آگاهی بخش به ویژه برای کسانی که این واژگان برایشان غربیه می باشد.

فهرست مطالب

بسم الله الرحمن الرحیم

۱ – مقدمه

با سلام و درود بر ارواح مطهر شهدا و روح ملکوتی حضرت امام (ره) و با یاد شهدای دفاع مقدس همچون همه سرداران و سرشناسان جبهه ها، و شهدای گمنام و بسیجیان و سربازان جبهه ها که در طول دفاع مقدس به شهادت رسیدند و تکلیف ما را در تداوم راهشان بیشتر کردند، صلواتی ختم بفرمائید.

من هم به نوبه خویش، شهادت حضرت امام موسی کاظم (ع) را خدمت حضرت امام رضا (ع) که ولی نعمت ما مردم ایران هستند و نور و چراغ این کشور هستند و هم چنین پدر بزرگوار آن حضرت می باشند، تسلیت عرض می نمایم.

و هم چنین خدمت همه عزیزان سالروز شهادت شهدای هفتم تیر را گرامی می داریم و امیداور هستم که خداوند به همه ما توفیق دهد که در این اوضاع و شرایط بتوانیم تکالیف خویش را بشناسیم و آن را بهتر عمل کنیم.

تشکر می کنم از مسئولین و برگزار کنندگان این جلسه، استاندار محترم، مسئولین محترم استان و فرمانده محترم سپاه که باتلاش و اقدامات ایشان این فرصت را ایجاد کردند که بتوانیم درباره موضوعات مرتبط با دفاع غیر کشور، مباحثی را خدمت عزیزان تقدیم بکنیم.

همانطور که عزیزان مستحضر هستند و مجری محترم هم خوشبختانه تذکر دارند، سیاست های کلی نظام راجع به پدافند غیر عامل که ابلاغی مقام معظم رهبری می باشد، سیاست و استراتژی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران راجع به بحث پدافند غیر عامل بوده، که شامل این بند ها است:

۱- تأکید بر پدافند غیرعامل که عبارت است از مجموعه اقدامات غیرمسلحانه کـه موجب افزایش بازدارندگی، کاهش آسـیب پـذیری، تـداوم فعالیـت‌هـای ضـروری، ارتقاء پایداری ملی و تسهیل مدیریت بحران در مقابل تهدیدات و اقـدامات نظـامی دشمن می‌گردد.

۲- رعایـت اصـول و ضـوابط پدافنـد غیرعامـل از قبیـل انتخـاب عرصـه ایمـن، پراکنده‌سازی یا تجمیع حسب مورد، حساسیت‌زدایی، اختفاء، استتار، فریب دشمن و ایمن سازی نسبت به مراکز جمعیتی و حـائز اهمیـت بـویژه در طـرح‌هـای آمـایش سرزمینی و طرح های توسعه آینده کشور.

۳- طبقه‌بندی مراکز، اماکن و تأسیسات حائز اهمیت بـه حیـاتی، حسـاس و مهـم و روزآمدکردن آن در صورت لزوم.

۴- تهیه و اجرای طرح‌های پدافند غیرعامل (با رعایت اصل هزینه – فایده) در مورد مراکز، اماکن و تاسیسات حائز اهمیت (نظامی و غیرنظامی) موجود و در دست اجراء بر اساس اولویت‌بندی و امکانات حداکثر تا پایان برنامه ششم و تأمین اعتبار مـورد نیاز.

۵- تهیه طرح جامع پدافند غیرعامل در برابر سلاح‌های غیرمتعارف نظیر هسـته‌ای، میکروبی و شیمیایی.

۶- دو یا چندمنظوره کردن مستحدثات، تأسیسات و شبکه‌های ارتباطی و مواصلاتی در جهت بهره‌گیری پدافندی از طرح‌های عمرانی و بویژه در مناطق مرزی و حساس کشور.

۷- فرهنگ سازی و آموزش عمومی در زمینه به کارگیری اصـول و ضـوابط پدافنـد غیرعامل در بخش دولتی و غیردولتی، پـیش‌بینـی مـواد درسـی در سـطوح مختلـف آموزشی و توسعه تحقیقات در زمینه پدافند غیرعامل.

۸- رعایت طبقه‌بندی اطلاعات طرح‌های پدافند غیرعامل.

۹- ممانعت از ایجاد تأسیسات پرخطر در مراکز جمعیتی و بیرون بـردن ایـن‌گونـه تأسیسات از شهرها و پیش‌بینی تمهیدات ایمنی بـرای آن دسـته از تأسیسـاتی کـه وجود آنها الزامی است و ممانعـت از ایجـاد مراکـز جمعیتـی در اطـراف تأسیسـات پرخطر با تعیین حریم لازم.

۱۰- حمایت لازم از توسعه فناوری و صـنایع مـرتبط مـورد نیـاز کشـور در پدافنـد غیرعامل با تأکید بر طراحی و تولید داخلی.

۱۱- به کارگیری اصول و ضوابط پدافند غیرعامل در مقابله با تهدیدات نرم‌افزاری و الکترونیکی و سایر تهدیدات جدید دشمن بـه منظـور حفـظ و صـیانت شـبکه هـای اطلاع‌رسانی، مخابراتی و رایانه‌ای.

۱۲- پیش‌بینی ساز و کار لازم برای تهیه طرح‌هـای مشـترک ایمـن‌سـازی و ایجـاد هماهنگی در سایر طرح‌هـا و برنامـه‌هـا و مـدیریت نهادهـای مسـئول، در دو حـوزه پدافند غیرعامل و حوادث غیرمترقبه در جهت هم‌افزایی و کاهش هزینه‌ها.

۱۳- ایجاد مرکزی برای تدوین طراحی، برنامـه‌ریـزی و تصـویب اصـول و ضـوابط، استانداردها، معیارها، مقررات و آیین نامه های فنـی پدافنـد غیرعامـل و پیگیـری و نظارت بر اعمال آنها.

این سیاست ها اسفند ماه گذشته توسط مقام معظم رهبـری بـه همـه دسـتگاه هـای اجرایی از جمله سه قوه و نیرو های مسلح ابلاغ شد کـه علـی القاعـده بایسـتی، هـر دستگاهی و هر قوه ای، تکالیف و وظایف خویش را نسبت به این سیاست ها کـه در واقع غیر از مطالبات، تدابیر رهبری نسبت به موضوع پدافنـد غیـر عامـل محسـوب می شود، انجام دهند.

مجلس قوانین و لوایح مورد نیاز را در این زمینه برای اجرایی شـدن ایـن بحـث هـا تهیه نماید. دولت در زمینه اجرایی بسترسازی انجام دهد و تکالیف خویش را اجـرا کند و قوه قضائیه هم قوانین و مباحثی را که مربوط به خودش می باشـد ان شـاء الله انجام بدهد. برای اینکه اقدام دشمن را بتوان مدیریت کرد، اولین نکته ای که اینجا هست این است که تهدیدات و اقدامات نظامی دشمن چیست؟ و چه ویژگـی هـایی دارد؟ برای اینکه به این موضوع توجه بکنیم، بایستی نگاهی راجع به تهدیـد داشـته باشیم، و ببینیم که تهدیدات ما از چه ویژگی هایی برخوردار هستند.

تهدید طبیعی یک مفهوم با منشاء طبیعی و تغییرات ثابت می باشد و یکـی از دسـته بندی هایی که انجام شده است دسته بندی تهدیدات بر اساس فناوری است، یعنـی فناوری های حاضر که در حوزه دفاع و استراتژیک تـأثیر جـدّی دارد. از ایـن نظـر جنگها به ۴ نسل تقسیم می شوند:

1. **جنگ نسل اول.**
2. **جنگ نسل دوم.**
3. **جنگ نسل سوم.**
4. **جنگ نسل چهارم.**[1]

[1] تقسیم بندی جنگ ها به چهار نسل:

جنگ های نسل اول شامل جنگ های از دوره پیدایش بشر تا اختراع سلاح های گرم و متکی بر سلاح های سرد می شود. دوره تاریخی جنگ‌های نسل دوم، شامل اختراع و بکارگیری سلاح‌های گرم تا زمان ورود ماشین به عرصه نبرد می‌شود. جنگ‌های نسل سوم یا جنگ‌های مکانیزه با اختراع و بکارگیری ماشین‌های جنگی و توسعه عرصه نبرد به هوا و زیردریا شروع و تا دوره معاصر ادامه داشته است. تهاجم ارتش بعث عراق و دوره هشت ساله دفاع دفاع مقدس یکی از مهمترین تجارب جنگی کشورمان در این دوره است.

در جنگ های نسل دوم از باروت و اسلحه های ایـن چنینـی اسـتفاده مـی شـد و در جنگ نسل سوم از جنگی های زمینی، هوایی و استفاده از زره، حرکت و اگر بخواهیم به صورت مشخص تعریفی از آن ارائه کنیم می توانیم دفاع مقدّس کشور خودمان را

مشخصه‌های جنگ‌های نسل سوم، تاکید بر جنگ سخت شامل حجم انبوه و گسترده درگیری‌های فیزیکی بین طرفین، اصرار بر کسب برتری‌های تاکتیکی، تاکید بر انهدام واحدها و یگان‌های دفاعی، بکارگیری حجم انبوه مهمات و سلاح‌های معمولی وغیردقیق، تکیه بسیار زیاد بر نبرد زمینی و محدودیت در هوا و عدم بهره‌مندی از فضا در نبرد، تکیه بر حجم انبوه نیروی انسانی، دشواری‌های مدیریت صحنه نبرد و پشتیبانی‌ها، گستردگی خسارت و تلفات وارده به غیرنظامیان، طولانی‌تر شدن دوره جنگ، خطرپذیری و هزینه بسیار بالا است.

جنگ‌های نسل چهارم با شروع دوره انقلاب علوم و فناوری‌ها، بخصوص فناوری اطلاعات، ارتباطات، الکترونیک و رایانه در سال‌های اخیر، طراحی و در چند جنگ اخیر نیز تجربه شده‌است و سیر تکاملی خود را طی می کند.

مشخصه‌های این‌نوع جنگ‌ها شامل " جنگ نرم - جنگ اطلاعاتی، روانی، تبلیغاتی، سایبری- بکارگیری موضعی و مقطعی جنگ سخت مانند جنگ با ضربات محدود برای تقویت و پشتیبانی جنگ نرم، تاکید بر جنگ الکترونیک پیشرفته، تکیه بر شبکه گسترده و سامانه‌های پیشرفته و هوشمند سنجش از راه‌دور است. تکیه بر سلاح‌ها و تجهیزات هوشمند و پیشرفته و دقیق، توسعه توانمندی‌ها و کسب برتری کامل در هوا، گسترش عرصه جنگ به فضا، پرهیز از درگیری قطعی در جنگ سخت قبل از اطمینان از پیروزی در جنگ نرم و شروع همزمان نبرد در خط و عمق نزدیک و دور یا گسترش عرصه نبرد به همه سطوح جغرافیایی کشور، از دیگر مشخصه‌های جنگ‌های نسل چهارم است.

در این جنگ‌ها انهدام زیرساخت‌های ملی و مراکز حیاتی، حساس و مهم کشور در اولویت نخست اهداف تهاجم است و بر قطع ارتباط رهبری و مدیریت دفاعی و عمومی کشور با مردم و نیروهای دفاعی در گام نخست تهاجم تأکید می شود. الزامات و ویژگی‌های دفاع موثر در جنگ‌های نسل چهارم بر اساس اظهارنظر کارشناسان، ضرورت برنامه‌ریزی وآغاز طرح‌های جامع دفاع قبل ازشروع درگیری‌های آشکار، توسعه همه‌جانبه تدابیر دفاعی به منظور افزایش ضریب پایداری ملی، گسترش طرح‌های دفاعی در سطح تمامی نقاط هدف در جغرافیای کشور و حوزه سرزمینی ملی به روش دفاع نقطه‌ای است. تاکید ویژه بر دفاع غیرعامل، اتکا به ایمان، هوشیاری، روحیه و توان دفاعی مردمی، توجه و تاکید بر راهبرد و اصول دفاع نامتقارن، شناسایی و رفع ضعف‌های ذاتی فناوری‌ها و آسیب‌پذیری‌های ساختاری و سیستمی، تمرکز بر اولویت‌های دفاعی و تمرکز تلاش‌ها بر ارتقای روحیه و اراده ملی برای دفاع از دیگر الزامات و ویژگی‌های دفاع موثر در جنگ‌های نسل چهارم است.

((دانشگاه مجازی پارس)) (http://www.it٤tech.com)

مثال بزنیم. بروز حوادثی باعث تغییر در جنگها شد. از سال ۱۹۹۰ به بعد، شاهد این امر بودیم کـه جنـگ هـا در حـال تغییـر هسـتند و محتـوی و چهارچوبشـان عـوض می شود. بعد از اینکه دوران جنگ سرد به پایان رسـید و فروپاشـی شـوروی اتفـاق افتاد. به دنبال آن زمینه های رقابت قدرت های دنیا برای بـه دسـت آوردن قـدرت بهتر و پر کردن خلاء های ناشی از فروپاشی شوروی بود.[۲]

[۲] جنگ سرد اصطلاحا به جنگی اطلاق می شود که از تنش ها، کشمکش ها و رقابت ها در روابط آمریکا، شوروی سابق و هم پیمانان آنها در طول دهه های ۱۹٤۰ تا ۱۹۹۰ بوجود آمد. در سال ۱۹٤۵ و پس از پایان جنگ جهانی دوم تنش بین آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی آغاز شد و تا سال ۱۹٤۷ افزایش یافت .

در طول این زمان رقابت بین این دو ابرقدرت در عرصه هایی از قبیل نظامی، ایدئولوژی، روانشناسی، جاسوسی، ورزش، تجهیزات نظامی، صنعت و توسعه تکنولوژی ادامه داشت. این رقابت ها، مسابقات فضایی، پرداخت هزینه های گزاف دفاعی، مسابقات سلاح های هسته ای و تعدادی جنگ های غیرمستقیم با خود به همراه داشت. در طول این جنگ، درگیری نظامی مستقیمی بین نیروهای آمریکایی و شوروی رخ نداد، اما گسترش قدرت نظامی، کشمکش های سیاسی و درگیری های مهم بین کشورهای پیرو و هم پیمانان این ابر قدرت ها از دست آوردهای جنگ سرد به حساب می آید. در نهایت در انتهای دهه ۱۹۸۰ و با دیدارهای مقامات عالی رتبه که به وسیله آخرین رهبر شوروی؛ میخائیل گورباچف ترتیب داده شد و برنامه های اصلاحی وی، جنگ سرد با فروپاشی شوروی پایان یافت.

((پایگاه اینترنتی آفتاب)) (www.aftabir.com)

یک رقابت به وجود آمد و باعث شد که فناوری هایی در اختیار دولت ها قرار گیـرد و در حوزه های تسلط و اشراف بر دیگران بـه کـار گیـری شـود و تـدریجاً مفـاهیم جدید را به وجود آورد. می توانیم بگوئیم از سـال ۹۳-۹۰ بـه بعـد ، کـه یـک نـوع انقلابی در مباحث نظامی دفاعی به وجود آمد که این انقلاب باعث شد که تغییـرات عمده و اساسی در این حوزه اتفاق بیافتد،[۳] که می توان آن را دوره تحـوّل و انقـلاب

[۳] در سال ۱۹۹۲، دفتر ارزیابی وزارت دفاع آمریکا (ONA) شروع به ارزیابی نظریه انقلاب تکنولوژیک نظامی (MTR) در اواخر قرن بیستم کرد. نظریه پردازان نظامی شوروی از اواسط دهه ۱۹۷۰ به بعد از امکان وقوع انقلاب سومی در امور نظامی (RMA) در قرن بیستم صحبت می کردند.

ارزیابی این دفتر در مورد انقلاب تکنولوژیک نظامی که توسط کلنل وقت ارتش، آندرو کرپینویچ تهیه شده بود به دنبال تحقیق و بررسی این فرضیه بود که نظریه پردازان شوروی در مورد پیش بینی پیشرفتها در سلاحهای با دقت بالا، سنسورهای عظیم و سیستم فرماندهی و کنترل کامپیوتری - که منجر به تغییرات بنیادی در عرصه جنگ خواهد شد، درست گفته و حق با آنها بود.

همانطور که مارشال نیکولای اوگارکوف، رئیس وقت ستاد ارتش شوروی در ۱۹۸٤ بیان کرده بود، این پیشرفتها در سلاحهای غیرهسته ای نوید "تحقق افزایش در پتانسیل تخریبی سلاحهای متعارف را داده که می تواند آنها را از لحاظ تاثیر گذاری به سلاحهای هسته ای نزدیک سازد. " شورویها واژه "مجتمع شناسایی-حمله" را برای توصیف یکپارچگی موشکهای هدایت شونده با دقت بالا، سنسورهایی نظیر رادار SAR/MTI و سیستم فرماندهی و کنترل مکانیزه به کار می بردند.

در سال ۱۹۸۷ آندرو مارشال، مدیر دفتر ارزیابی پنتاگون، به این نتیجه رسیده بود که شورویها قضاوت درستی نسبت به این تکنولوژیهای جدید داشته و اینکه این تکنولوژیهای جدید نه تنها توان جنگیدن نیروهای موجود را افزایش داده بلکه در رفتار و مدیریت جنگ نیز انقلاب ایجاد خواهند کرد.

در اواخر ژانویه ۱۹۹۱، در جریان عملیات طوفان صحرا و نمایان شدن شواهدی بر سودمندی هواپیماهای F-۱۱۷ و F-۱۱۱ در هدایت لیزری بمبها علیه اهداف عمده عراقی،بوده، مارشال از کرپینویچ خواست تا مسئولیت چیزی را که بعدا ارزیابی "انقلاب تکنولوژیک نظامی" نامیده شد برعهده گیرد. قبل از آن کرپینویچ توسط مارشال مسئول مطالعه روی توان نظامی در اروپا بین نیروهای ناتو و ورشو بود.

اساسی در مباحث تکنولوژی نظامی نامید. این مطالب را به این خاطر ذکر مـی کـنم که ما راجع به بحث دفاع مقدس زیاد صحبت می کنیم، بحث های ارزشی، بحث های انگیزشی معنوی، و تجربیات آن. ولی باید این را بدانیم که هر جنگی مختص زمـان خودش می باشد. دفاع مقدس از لحاظ نظـامی و تـاکتیکی بـه زمـان خـودش تعلـق داشت و جنگ امروز و جنگ آینده، مختص بـه زمانهـای خودشـان مـی باشـند. هـر نسلی جنگی مربوط به زمان خودش را دارا مـی باشـد و هـر نسـلی تهدیـد و جنـگ مربوط به خودش را دارد. و لذا ما با اتکاء صـرف بـه تجربیـات دفـاع مقـدس قـادر نیستیم تهدیدات دیگر را پاسخ دهیم، ما بایستی حتماً نسبت به تهدید آینده مطالعه کنیم و بتوانیم تهدید آینده را بشناسیم و ببینـیم چـه هسـت، چگونـه هسـت و چـه ویژگی هایی دارد و این ویژگی ها باعث تسلط ما در این حوزه بشود، و بعد از تسلط بتوانیم مدیریت بر تهدید کنیم و تهدید را کنترل و کاهش و در سمت ثبات ببریم.

ارزیابی ۱۹۹۲ MTR دفتر ارزیابی بحثها حول انقلاب در امور نظامی و نهایتا "دگردیسی دفاعی" را مابین نهادهای امنیت ملی در طول دهه ۱۹۹۰ شدت بخشید. به مرور، بحث در مورد انقلاب در امور نظامی و دگردیسی به خارج از مرزهای ایالات متحده گسترش یافت. چه نوع تغییراتی در حال وقوع بود؟

در اوایل تابستان ۱۹۹۳، مارشال پیشنهاد داد که راه ممکن تغییر در جنگ افزارها این است که سیستم های هدایت شونده با دقت بالا به روش عملیاتی برتر تبدیل شوند. دیگر نظرها درباره چگونگی تغییر در جنگ افزارها مربوط به ظهور "**چیزی که ممکن است جنگ افزار اطلاعاتی نامیده شود**" است.

مارشال در جولای ۱۹۹۳ شروع به جایگزین کردن واژه "**انقلاب در امور نظامی**" با واژه "انقلاب تکنولوژیک نظامی" نمود که قصد داشت در آن بر این نکته تاکید کند که پیشرفتهای تکنولوژیکی این امر را محقق می نمایند. خود انقلاب زمانی مورد قبول عامه قرار می گیرد که مفاهیم عملیاتی جدید توسعه یافته و در بسیاری از موارد، سازمانهای جدید نظامی ایجاد شده اند.

((پایگاه اینترنتی اشراف)) (www.eshraf.ir)

چه اتفاقی افتاد؟ بعضی از فناوری ها به وجود آمدند، که این فناوری ها باعث شدند که ما در فضای جنگ های نسل چهارم قرار بگیـریم. مـا جنـگ هـای نسـل سـوم را خودمان تجربه کردیم، در دفاع مقدس و ویژگی های آن را می شناسـیم. مـن چنـد مورد از این ویژگی ها را ذکر می کنیم:

یکی این است که اصل جنگ های نسل سوم بر اساس جنگ سخت اسـت و بیشـتر تلاش بر انهدام واحد های نظامی می شود، یعنی جنگ بین دو بخـش نظـامی انجـام می شود. درست است که در زمان دفاع مقدس، به زیر ساخت ها آسیب رسید ولی عراقی ها ابزار قدرت و حرکت و برخورد با ارکان قدرت ملی ما را نداشتند.

در واقع فقط با بخش نظامی ما درگیر بودند و نبردبطـور معمـول در زمـین بـود، در فضا استفاده نمی شد و یا استفاده کمـی مـی شـد. عمـدتاً از حمایـت نیـروی نظـامی استفاده می شد و خطر پذیری و هزینه هم در این زمینه زیاد بود. اتفـاقی کـه افتـاد این بود. توجه کنیم به نکته ای مهم آقای "جان کوبرن" که یکـی از استراتژیسـت های نظامی غرب است می گوید که:

تاریخ جنگ همان تاریخ فناوری است

نمودار چرخه تولید علم و ثروت

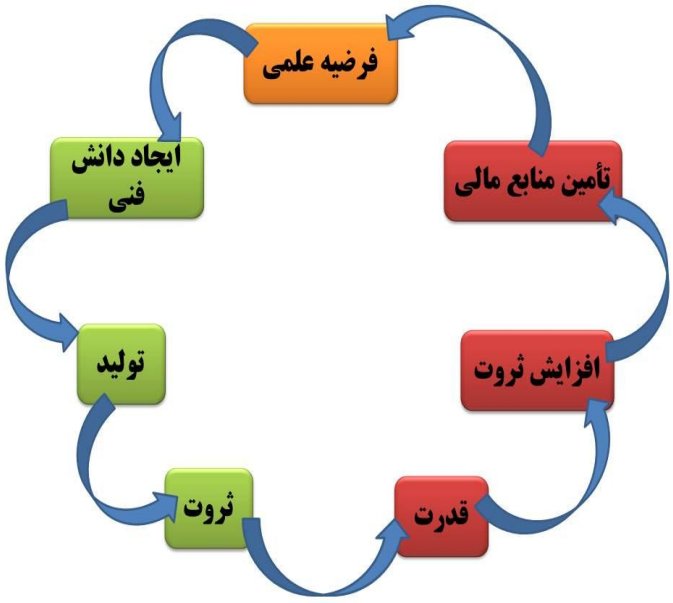

در واقع هر کشوری هر فناوری را که به دست می آورد، در حوزه تسلط بر دیگران از آن استفاده می کند. یا خود فنـاوری ثـروت زا و قـدرت زا مـی باشـد و ثـروت و قدرت[۴] بر بقیه تسلط ایجاد می کند و تسلط هم برای بعضی قـدرت و بـرای بعضـی دیگر تهدید ایجاد می کند . ما که در برابر دشمن و استکبار جهانی هستیم احساس می کنیم که این فناوری ها برای ما تهدید محسوب می شوند.[۵] فناوری‌های جدید که

---

[۴] قدرت، مفهومی بسیار وسیع دارد که تقریبا می‌توان گفت در همه یا اکثر علوم تخصصی اعمّ از علوم فیزیکی و انسانی یا فردی و اجتماعی، کاربردی گسترده دارد، ولی جایگاه قدرت در علوم اجتماعی و به ویژه در علوم سیاسی و استراتژیک قابل ملاحظه است؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از اندیشمندان سیاسی به اهمیت آن پی برده و حتی، بعضی از آنها کتاب مستقلی درباره آن نوشته‌اند.

امّا جامع ترین تعریف راجع به قدرت را به ((ماکس وبر)) نسبت می دهند: ((قدرت فرصتی است در چارچوب یک رابطه (اجتماعی) که به فرد امکان می‌دهد که اراده‌اش را حتی علی‌رغم مقاومت دیگران بر آنها تحمیل کند.)) ((پایگاه اینترنتی آینده))

[۵] سطوح قدرت نرم

اما در جهت مقابله با تهدید نرم، آن چیزی که می‌تواند مؤثر و کارآمد باشد، استفاده به‌جا از قدرت نرم است. قدرت نرم دربرگیرنده‌ی مؤلفه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و ایدئولوژیک است. ایدئولوژی اعتبار ملی، خصوصیات ملی، هویت ملی و فرهنگی یک ملت و همچنین مشروعیت نظام سیاسی آن کشور از جمله موضوعاتی هستند که در چارچوب قدرت نرم مورد توجه و مطالعه قرار می‌گیرند. اما قدرت نرم از سه سطح تشکیل می‌شود:

الف) سطح راهبردی

ب) سطح میانی

ج) سطح تاکتیکی

توانمندی‌های زیادی به دولت‌های صاحب فناوری می‌دهد، به دلایلی می‌تواند بـرای سایر کشورها تهدید کننده باشد.

در سطح راهبردی که اولین سطح قدرت نرم است، قدرت متوجه رهبران و نخبگان یک کشور است و بالاترین سطح رویارویی قدرت نرم با تهدید نرم را شامل می‌شود. در این سطح، هدف افزایش قدرت، هنجارسازی خود و تضعیف قدرت حریف در صحنه‌ی بین‌المللی است و هدف حریف هم از تهدید نرم در این سطح، اولاً شناسایی نخبگان و رهبران فکری جامعه و ثانیاً ارعاب و تأثیر گذاری در آن‌ها است.

با توجه به موقعیت تاریخی کهنی که ایران دارا است و موقعیت سوق‌الجیشی و جغرافیایی که ما در آن قرار داریم، همواره دشمن در کمین بهره‌گیری از موقعیت‌هاست. پس زمینه‌سازی جهت اتحاد سیاسی و اقتصادی و فرهنگی در جهان اسلام، تشنج‌زدایی و پیش‌برد صلح و امنیت در منطقه و جهان، تحرک دیپلماتیک و حضور موفق در عرصه‌های بین‌المللی، از جمله مواردی است که باعث ارتقاءِ قدرت نرم ما می‌شود.

ب) سطوح میانی: این سطح از قدرت نرم منحصراً به مردم و قدرت ملی تکیه دارد و از فرهنگ عامه متأثر می‌شود. در این سطح، افکار عامه از تصمیمات نخبگان و رهبران جامعه حمایت می‌کند و به آن‌ها مشروعیت می‌بخشد. در مقابل، هدف تهدید نرم در این سطح، ایجاد شکاف میان نخبگان سیاسی و فرهنگی و آحاد عمومی جامعه است. یعنی می‌خواهند مردم را از یک جماعت همراه تبدیل به جماعتی بی‌تفاوت، معارض و مخالف کنند و برای رسیدن به این هدف از ابزارهایی مثل تشویق به نافرمانی مدنی استفاده می‌کند.

ج) سطح تاکتیکی: این سطح از رویارویی قدرت نرم در سطح نیروهای مسلح صورت می‌گیرد و هدف این سه سطح از قدرت نرم باید توأمان و همراه هم مورد توجه قرار گیرد و سعی شود در هر سه سطح قدرت‌دهی و قدرت نرم جامعه افزایش پیدا کنند تا بتواند در مقابل تهدیدات نرم مؤثر واقع شود.

((پایگاه اینترنتی عصر انتظار)) (www.asr-entezar.ir)

۲- فناوری ها ی نوین و تهدید ها

یکی از دلایل آن سیاست و رویکرد دولت صاحب فناوری است، به عنوان نمونه در فناوری اطلاعات توسعه زیرساخت‌ها، شبکه‌ها و استفاده از این شبکه‌های فناوری اطلاعات برای همه فراهم شده است، ولی حوزه‌های مربوط به امنیت و دفاع کاملا در انحصار امریکا و دیگر دولت‌های صاحب فناوری است.

مفهوم آن این است که ما فناوری اطلاعات را توسعه می‌دهیم، ولی حوزه‌های کنترل و امنیت در انحصار غرب و آمریکا است، وقتی دقیق‌تر می‌شویم، متوجه می شویم که غرب و علی الخصوص آمریکا در حوزه امنیت و فناوری اطلاعات علاوه بر انحصار، از تعریف تروریسم هم سوء استفاده کرده اند و تروریسم را در فضای سایبری با دو مولفه تعریف کرده‌اند:

یکی استفاده از بانک‌های اطلاعاتی و دیگر استفاده از منابع مالی در فضای سایبر. بنابراین فکر می‌کنند این دو را بایستی کنترل کنند و با استفاده از این موضوع سیطره و کنترل خویش را گسترش می دهند.

در مسیری که ما با شیب زیاد به این سمت می‌رویم کـه کنتـرل تمـام سیسـتم‌هـای حوزه‌های صنعت از جملـه گـاز، آب، کنتـرل هـوایی، کنتـرل ترافیـک، هواشناسـی، کنترل پروازها، کنترل منابع مالی، براساس فنـاوری اطلاعـات انجـام شـود. فنـاوری اطلاعات و تکنولوژی های نوین زیرساخت‌های حیاتی ما را در مدیریت می‌کند.

به توضیحات این موضوع توجه کنید. اتفاقاتی باعث شـد کـه در حـوزه جنـگ نسـل چهارم قرار بگیریم. در واقع جنگ نسل چهارم حضور و وجود فناوری های جدید در حوزه جنگ هستند که حوزه جنگ را عوض کردند. نسبت بـه گذشـته، تغییـر یـک تغییر اساسی بود.

یکی از آنها تأکید بر جنگ نرم[۶] است. ما جنگ نرم را انحصاراً جنگ نرم فرهنگـی نمیدانیم.

---

[۶] **مفهوم جنگ نرم** Soft Warfare که در مقابل جنگ سخت (Warfare Hard) مورد استفاده واقع می شود دارای تعریفی واحد که مورد پذیرش همگان باشد نیست و تا حدی تلقی و برداشت افراد، جریان ها و دولت های گوناگون از جنگ نرم متفاوت است. جان کالینز، تئوریسین دانشگاه ملی جنگ آمریکا، جنگ نرم را عبارت از "استفاده طراحی شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن، برای نفوذ در مختصات فکری دشمن با توسل به شیوه هایی که موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی مجری می شود"، می داند. ارتش ایالات متحده در آیین رزمی خود آن را بدین صورت تعریف نموده است:

"جنگ نرم، استفاده دقیق و طراحی شده از تبلیغات و دیگر اعمالی است که منظور اصلی آن تاثیرگذاری بر عقاید، احساسات، تمایلات و رفتار دشمن، گروه بی طرف و یا گروههای دوست است به نحوی که برای برآوردن مقاصد و اهداف ملی پشتیبان باشد". با عنایت به تعاریف فوق، معروفترین تعریف را به جوزف نای، پژوهشگر برجسته آمریکایی در حوزه "قدرت نرم" نسبت می دهند. وی در سال ۱۹۹۰ میلادی در مجله "سیاست خارجی" شماره ۸۰، قدرت نرم را "توانایی شکل دهی ترجیحات دیگران" تعریف کرد. تعریفی که قبل از وی پروفسور حمید مولانا در سال۱۹۸۶ در کتاب "اطلاعات و ارتباطات جهانی؛ مرزهای نو در روابط بین الملل" به آن اشاره کرده بود. با این وجود مهمترین کتاب در حوزه جنگ نرم را جوزف نای در سال۲۰۰٤، تحت عنوان "قدرت نرم؛ ابزاری برای موفقیت در سیاست جهانی" منتشر نمود.

بنابراین جنگ نرم را می توان هرگونه اقدام نرم، روانی و تبلیغات رسانه ای که جامعه هدف را نشانه گرفته و بدون درگیری و استفاده از زور و اجبار به انفعال و شکست وا می دارد. جنگ روانی، جنگ سفید، جنگ رسانه ای، عملیات روانی، براندازی نرم، انقلاب نرم، انقلاب مخملی، انقلاب رنگی و... از اشکال جنگ نرم است.

((پایگاه اینترنتی آشینه)) (www. ashineh۱۳۳.net)

به عبارت دیگر جنگ نرم مترادف اصطلاحات بسیاری در علوم سیاسی و نظامی می باشد. در علوم نظامی از واژه هایی مانند جنگ روانی یا عملیات روانی استفاده می شود و در علوم سیاسی می توان به واژه هایی چون

براندازی نرم، تهدید نرم، انقلاب مخملین و اخیراً به واژه انقلاب رنگین اشاره کرد. در تمامی اصطلاحات بالا هدف مشترک تحمیل اراده گروهی بر گروه دیگر بدون استفاده از راه های نظامی است. در یک تعریف کامل تر می توان گفت،

جنگ نرم یک اقدام پیچیده و پنهان متشکل از عملیات های سیاسی، فرهنگی و اطلاعاتی توسط قدرت های بزرگ جهان برای ایجاد تغییرات دلخواه و مطلوب در کشورهای هدف است.البته تعاریف دیگری نیز از جنگ نرم بعمل آمده که جهت مزید آگاهی ایفاد می گردد:

۱- جنگ تغییر باورها، استحاله عقاید و جابجایی دیدگاهها با نگاههای رسانه های استکباریست!

۲- جنگ مغزهاست، نه مرزها! جنگ دیدگاههاست، نه قرارگاهها!

۳- جنگ تقدس زدایی از ارزشها و شبهه افکنی در اذهان است!

٤- جنگ تغییر گروههای مرجع و شکل دهی تضادهای جدید اجتماعی است!

۵- جنگ تخریب اعتمادهای موجود به ارکان و مسئولان حاکمیت در ابعاد مشروعیت و کارآمدی!

۶- جنگ تغییر و جابجایی مفاهیم زشت و زیبا در فرهنگ جامعه و آسان سازی ترویج انحرافات!

۷- جنگ هنجارشکنانه، ترویج نافرمانیهای مدنی و تکمیل حلقه مقاومت جامعه در برابر حاکمیت!

۸- جنگ تغییر ذائقه ها و شکاف بخشی کاذب فرهنگی بین نسلها!

۹- جنگ توسعه مکاتب کاذب اجتماعی، عرفانی، اقتصادی و غیره!

((وبگاه یاس نبی)) (www.yase-nabi.mihanblog.com)

این بحثی که آقای جوزف نای[۷] طرح کرده و به عنوان تهدید نرم مطرح کرده است، ما آن بحث را جنگ فرهنگی نرم می دانـیم. یعنـی جنـگ فرهنگـی نـرم در حـوزه فرهنگی.

۳- جنگ نرم و جنگ فرهنگی

ولی جنگ نرم در حوزه های تکنولوژی هم وجود دارد، جنگ نرم اساساً جنگی است که سلاح در آن استفاده نمی شود و زور و فشار در آن استفاده نمی شود.
بنابراین جنگ نرم جنگی است که در آن از سلاح و قدرت نظامی استفاده نمی شود. وقتی موضوع جنگ است. سطح آن استراتژیک است. پس به طبع این تقسیم بندی، ۴ نوع منازعه فرهنگی وجود دارد:

- **جنگ فرهنگی**
- **نبرد فرهنگی**
- **رزم فرهنگی**
- **پیکار فرهنگی**

---

[۷] جوزف نای استاد دانشکده علوم سیاسی دانشگاه هاروارد است که پیش از این ریاست این دانشگاه را نیز به عهده داشته است. ریاست شورای اطلاعات ملی، دستیار وزیر دفاع و دستیار معاون وزیر خارجه برخی از مناصب دولتی است که پیش از این نای بر عهده داشته است. وی علاوه بر همکاری با روزنامه نیویورک تایمز، واشینگتن پست و وال‌استریت ژورنال، چندین کتاب از جمله "پارادوکس ابرقدرتی امریکا در جهان" و "قدرت نرم: ابزارهای موفقیت در سیاست‌های جهانی" نگاشته است. جوزف نای" به عنوان تئوریسین جنگ نرم و دیپلماسی عمومی، در تاریخ ۲۰ ژوئن ۲۰۱۰ در جلسه آغازین پارلمانی شورای انگلستان با عنوان "قدرت نرم و دیپلماسی عمومی در قرن ۲۱" سخنانی را ایراد کرد و در آن کاربردهای جنگ نرم در جمهوری اسلامی ایران را نیز شرح داد.
((پایگاه مطالعات تخصصی ایپنا)) (www.political.ir)

وقتی بحث از جنگ فرهنگـی اسـت، منظـور ایـن اسـت کـه نـوع منازعـه در سـطح استراتژیک (جنگ) و طیفی از منازعه کـه فرهنگـی اسـت. طبیعتـاً در حـوزه جنـگ فرهنگی نباید به سه حوزه پائین تر پرداخت و وارد مصادیق و جزئیـات شـد. بـرای مثال دستگاه مسئول در امور فرهنگی در سـطح اسـتراتژیک در جمهـوری اسـلامی، شورای عالی انقلاب فرهنگی است که نظرات کلان آن کل کشور را در بر می گیرد. اگر به واژه مد پرداخته شود. حوزه این مساله رزم فرهنگی و بحث تاکتیکی اسـت. اگر موضوع تغییر در نظام فرهنگی کشور مانند رسـانه هـای عمـومی مطـرح باشـد. حوزه آن نبرد فرهنگی است. اما جنگ فرهنگـی از مبـانی فرهنـگ سـاز آغـاز مـی گردد. مثلاً حوزه تولید علم و دانش که جزء مبانی جنگ فرهنگی است.

فرضاً اگر دانشگاه فعلی را برچینند و یک نظـام فکـری دیگـری را جـایگزین ایـن دانشگاه کنند، یقیناً در این جنگ فرهنگی موفق به تسخیر میدان منازعه شـده انـد. اما با دانشگاه مدرن و سکولار که با مبانی غیر از فرهنگ بـومی اداره مـی شـود، در واقع در میدان حریف منازعه در حال اجرا است. لذا نباید خیلی توقع داشـت کـه در چنین میدانی پیروزی خاصی به دست آید. مثال هایی که می توان برای روشن شدن این موضوع ارائه نمود:

- **شبکه ماهواره و اینترنت**
- **رزم فرهنگی**
- **آن دسته از گزاره های فرهنگی که عمومیت پیدا کنند مثل مد و لباس**
- **نبرد فرهنگی**

مدل زندگی که از طریق رسانه های جمعی تبلیغ می گردد و بی سـر و صـدا جزئـی از فرهنگ مردم می گردد. مانند آداب معاشرت، احترام به والدین و ... که یک گزاره را در بر می گیرد.

- **تهدید سخت: به این تهدید عموماً تهدید گرم هم گفتـه مـی شـود ماننـد تهدیـد نظامی.**
- **تهدید نیمه سخت: (تهدید ولرم) مانند تهدید اقتصادی و سیاسی.**
- **تهدید نرم: که به آن تهدید سرد هم گفتـه مـی شـود. ماننـد تهدیـد فرهنگـی، همانطور که تهدید سخت اساساً تهدید نظامی است و تهدید نیمه سـخت حـوزه اقتصاد و سیاست را در می گیرد.**

تهدید نرم، تهدید های فرهنگی اجتماعی را شامل می شود و حوزه های عمل این نـوع تهدیـد هنـر و رسـانه و علـم و تعلـیم و تربیـت (آمـوزش و پـرورش)، ورزش و ... است.یکی از بخش هایش، بخش مدیریت اطلاعات[۸] است.

[۸] مدیریت اطلاعات به معنی به کارگیری مراحل و مهارت‌های مدیریتی مناسب و استفاده از ابزارهای مفید در فرایند تولید، فراهم‌آوری، سازمان‌دهی، پردازش، اشاعه و استفاده از اطلاعات درون سازمان و برون سازمانی در راستای دستیابی به اهداف و مقاصد سازمانی است.

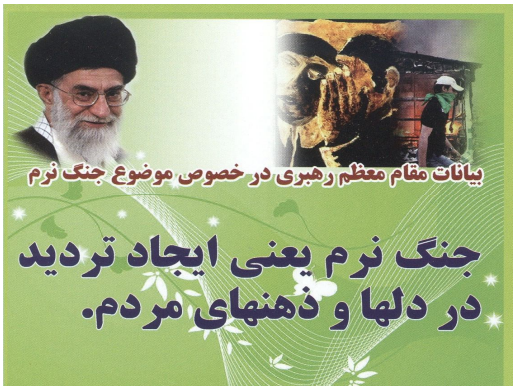

اشراف اطلاعاتی کامل توسط دشمن به وسیله ماهواره ها[۹]، و به وسیله سنجنده ها بر همه فعالیت ها، وجود دارد. مفهوم مهم دیگر جنگ روانی[۱۰] و تبلیغات است که اساساً جنگ روانی آنچنان در فضای جنگ نسل چهارم رشد و توسعه پیدا کرده است که میتوان گفت جایش را با جنگ نظامی عوض کرده است. توجه کنید، ما در دوران دفاع مقدس، عملیات جنگی که انجام می شد، کاری که بعد از عملیات می کردیم، از نتیجه پیروزی هایمان در بخش تبلیغات استفاده می کردیم تا هم روحیه مردم تقویت شود و هم روحیه رزمندگان.

[۹] کاربرد ماهواره به عنوان یکی از ابزارهای اصلی جنگ نرم: ماهواره ها در بسیاری از علوم و فنون (شامل بیوتکنولوژی، شیمی، فیزیک، مخابرات، هواشناسی، عملیات نجات در دریاها و...) مسایل نظامی (ماهواره های جاسوسی، آزمایش های هسته ای و میکروبی و استقرار پایگاههای نظامی فضایی) و ارتباطات رسانه ای ماهواره ای کاربرد دارند. از آن گذشته، ماهواره، به ویژه، یکی از وسایل ارتباطی است که پس از اختراع، به سرعت مراحل تکمیل و تکامل خویش را پشت سر گذارده و امروزه به عنوان یکی از ابزارهای منحصر به فرد در انتقال تصاویر و پیامهای رادیویی و تلویزیونی در جهان ارتباطات مطرح شده است.

ماهواره ها، در کنار دارا بودن کارکردها و ویژگی های دیگر رسانه ها و فناوری های نوین مثل اطلاع رسانی، ایجاد همبستگی ، آموزش و سرگرمی ویژگی متمایزی نسبت به سایر رسانه ها دارد. بهره برداری چند منظوره از ماهواره ، به دلیل ادغام و پوشش دادن رسانه های رادیو، تلویزیون و دیگر رسانه ها و سرعت آن در اطلاع رسانی(حتی بیش از سرعت اینترنت)دربرگیری آن را نسبت به سایر رسانه ها بیشتر کرده است. همین ویژگی خاص ماهواره است که منجر به گسترش جنگ نرم در دنیای کنونی شده است. در حال حاضر دریافت فرکانس های رادیو ها و تلویزیون های متعددی از طریق آنتن های ماهواره ای میسر شده است.

ابعاد مثبت و منفی ماهواره ها :

اکثر پدیده های جهان دو بعد دارند و می توان از آنها در جهت مثبت یعنی در جهت اعتلاءِ و ترقی در زمینه های مختلف ، یا در جهت منفی یعنی در جهت نابودی یا انحطاط فکری و فرهنگی استفاده کرد. (رسانه ها نیز از این قاعده مستثنی نیستند. به ویژه پدیده ای چون ماهواره که به عنوان یک رسانه) و حتی به عنوان یک وسیله مخابراتی و ...) از ماهیت چند سویگی برخوردار است.

یکی از کاربردهای وسیع به ویژه در چند سال اخیر، سرعت بخشیدن و بسط دادن به جنگ نرم است. شبکه های خبری رادیویی و تلویزیونی ماهواره ای، شبکه های ویژه طرفداران و مخالفان کشور، و حتی شبکه هایی که به ظاهر برای سرگرمی و پرکردن اوقات فراغت مخاطب به طور شبانه روزی فعالیت می کنند، در کنار دیگر رسانه های مکتوب و اینترنتی به راحتی به ابزاری برای به راه انداختن جنگ نرم در قالب عملیات روانی، شایعه پراکنی، ایجاد جنگ روانی و تبلیغات سیاسی و ... تبدیل شده اند.

در واقع، پخش مستقیم ماهواره ای متضمن ابعاد مثبت و منفی بسیاری است.از جمله جنبه های مثبت آن می توان به برنامه های فرهنگی، آموزشی و اطلاع رسانی همگانی اشاره کرد. از سوی دیگر، امکان سوءِ استفاده از این فناوری برخی ملت ها را نگران کرده است؛ مداخله در امور داخلی، تبلیغات سیاسی و تجاری، تهاجم به اخلاقیات و ارزش های ملی و تجاوز به حقوق مالکیت معنوی از جمله این موارد است. (زمانی،۱۱: ۱۳۸۱)

ابعاد مثبت ماهواره: ماهواره امکان ارتباط نقاط مختلف جهان را تسریع می کند و به ما امکان می دهد تصاویر دورترین نقاط جهان را مستقیما مشاهده کنیم. ماهواره در زمینه های مختلف زمین شناسی، هواشناسی، نقشه برداری، گفت و گوهای تلفنی، تلکس، نمابر و ... به ما یاری می دهد. ماهواره وسیله ای است که ابنای بشر را با وجود اختلاف در نژاد، زبان، فرهنگ، نوع حکومت و غیره از احوال و اخبار یکدیگر آگاه می کند. امروزه بسیاری از برنامه ها و فیلم هایی که از طریق تلویزیون های داخلی پخش و عرضه می شود از طریق ماهواره ارسال می شوند و در دسترس تمام جهان قرار می گیرند. ۱- از طریق ماهواره می توان در کوتاهترین زمان ممکن و بدون نیاز به طی مسافت به دورترین سرزمین جهان سفر کرد و از اخلاق و عادات مردم آن سوی دنیا مطلع شد. ۲- سرعت و دقت ارائه اخبار. ۳- کم هزینه بودن. ٤- جلوگیری از هدر رفتن منابع انسانی و نجات جان انسانها. ۵- بهینه سازی ساختار اطلاع رسانی کشورها.

ابعاد منفی ماهواره: ۱- استفاده نظامی در زمان جنگ و افزایش ویرانی ها و خسارتها. ۲- ایجاد تفرقه و اختلاف بین اقوام مختلف از طریق برنامه های هدفمند فرهنگی و تمدید کردن حاکمیت ملی. ۳- به راه انداختن تبلیغات سیاسی و عملیات روانی. ٤- تهییج توده و تحت تاثیر قرار دادن آنها به نفع اهداف عده ای خاص و بالاخره. ۵- به راه انداختن جنگ نرم علیه دولت ها و کودتا و تحت تاثیر قرار دادن افکار عمومی در جهت منفی با ارائه اخبار ضد و نقیض و تبلیغات منفی.
((وبگاه ارتباطات رنگی)) (www.ertebatateranگی.blogfa).com

[۱۰]اصطلاح جنگ روانی در جریان جنگ جهانی دوم و پس از آن در کشور امریکا رواج یافت . جنگ روانی از واژه‌هایی است که تا کنون تعاریف متنوع و گوناگونی بر اساس شرایط استفاده از آن ارائه شده است. ارتش امریکا در مارس ۱۹۵۵در آیین‌نامه رزمی خود تعریفی جالب از جنگ روانی در عرصه بین‌المللی ارائه کرد.

"جنگ روانی استفاده دقیق و طراحی شده از تبلیغات و دیگر اعمالی است که منظور اصلی آن تأثیرگذاری بر عقاید، احساسات، تمایلات و رفتار دشمن، گروه بی‌طرف و یا گروه های دوست به نحوی که پشتیبانی برای برآوردن اهداف و مقاصد ملی باشد." تعریف جامع تر از جنگ روانی : عبارت از فرایند بهره برداری صحیح و طراحی شده از تبلیغات و دیگر اقدام هایی که هدف اصلی آن نفوذ در عقاید ،احساسات ، عواطف ، تمایلات و رفتار مخاطبان (افراد دشمن ، بیطرف و هم پیمان) و تاثیر گذاری برآنان برای دستیابی به اهداف و مقاصد ملی باشد.

وظیفه عمده جنگ روانی از دیدگاه نظام سلطه: وظیفه جنگ روانی ، تحمیل اراده ما بر اراده دشمن به منظور حاکم شدن بر اعمال آنان است از راه های غیر از راه نظامی و وسایلی غیر از وسایل اقتصادی.

همچنین یک سری دستاورد های سیاسی از آن به دست آید و استفاده شـود تـا در حوزه بین الملل به کار گیریم. اهداف جنگ روانی را باید بررسی مقدماتی کـرد کـه به شرح زیر می آید:

در تدوین یک جریان خبری با استفاده از اصول جنگ روانی آنچه لازم است در ابتدا مورد توجه قرار گیرد. اهداف جنگ روانی است که عبارتند از :

- **از بین بردن امید نزد مخاطبان، کشور و یا جناح مقابل**
- **بی اعتمادی نسبت به رهبران کشور یا جناح مقابل**
- **شکاف در بین جامعه مخاطب**

طرفداران این نظریه معتقدند که جنگ روانی شامل هر عملی می شود که دشمن را وادار به خارج ساختن افراد و تجهیزات خود از عرصه فعالیت در جبهه کند و او را مجبور سازد تا افراد سلاح خود را برای آمادگی جهت مقابله به حمله ای که صورت نخواهد گرفت، درگیر کند . طرفداران این نگرش اغلب بر این باورند که تبلیغات جزء اصلی و اساسی جنگ روانی است نه همه آن.

((وبگاه علوم نظامی)) (www.mil.blogsky.com)

- **مرعوب کردن مسـوولان و نخبگـان، تضـعیف اراده عمــومی، تلقـین مکـرر مطالـب غیر واقـعی برای تغییر درک مـردم از واقعیات جامعـه، تضــعیف اعتمـاد بـه نفـس مـردم و سست کردن وحدت مردم و مسوولان و دامن زدن بـه اختلافـات قـومی و مذهبی ، سیاسی از جمله اهداف جنگ روانی دشـمنان ملـت مسـلمان اسـت. ایجـاد جنگ روانی یکی از اهداف اصلی و استراتژی نظام سلطه در میدان ناتوی فرهنگـی است که می تواند در ضایع کردن توان وانرژی ملل جهان مـؤثر باشـد. مهمتـرین ابزارهای جنگ روانی:تلویزیون ها، رادیوهـا، خبرگـزاری هـا، مطبوعـات ، سـایتهای خبری ، پست الکترونیک. مهمترین مخاطبان جنـگ روانـی نیـز عبارتنـد از: مـردم، احزاب، سیاستمداران، گروههـا، سـازمانها و نهادهـای دولتـی و غیردولتـی، دولتهـا، سازمانهای بین المللی. ولی امروزه جنگ روانی در واقع اصل عملیات شـده اسـت و جنگ نظامی تبدیل به عملیات پشتیبان جنگ روانـی شـده اسـت. یعنـی بکـارگیری جنگ نظامی محدود شده است و در چهارچوب های سیاست های جنگـی روانـی بـه کار گرفته می شود، ولی ابزار جنگ روانی زیاد شده است و رسانه توسعه پیدا کرده است.**

همانطور که راجع به جنگ روانی گفتیم، در سال ۱۳۷۴ حضرت آقا فرمودند تهاجم فرهنگی[۱۱].

---

[۱۱] این مسئله تهاجم فرهنگی که ما بارها روی آن تأکید کرده ایم، واقعیت روشنی است. با انکار آن ما نمی توانیم اصل تهاجم را از بین ببریم. تهاجم فرهنگی را نباید انکار کرد، وجود دارد. به قول امیرالمؤمنین (صلوات الله علیه)، «من نام لم ینم عنه». اگر شما در سنگر خوابت برد، معنایش این نیست که دشمنت هم در سنگر مقابل خوابش برده است، تو خوابت برده، سعی کن خودت را بیدار کنی، ما باید توجه داشته باشیم که انقلاب فرهنگی در تهدید است کما این که اصل فرهنگ ملی و اسلامی ما در تهدید دشمنان است. ما نبایستی چیزی را که روشن و واضح است، انکار کنیم. در دانشگاه، در بیرون دانشگاه، حتی در رسانه های جمعی ما، در کتاب هایی که می نویسند، در ترجمه هایی که می کنند، در شعرهایی که می سرایند، در برنامه های فرهنگی علی الظاهر بی ارتباط به ما که در دنیا وجود دارد و خبرش را قاعدتاً شما آقایان - که عناصری فرهنگی هستید - می شنوید، همه جانبه آرایش نظامی فرهنگی بسیار خطرناک علیه انقلاب درست شده است و وجود دارد.

ولی از سال ۷۴ تا حالا آنقدر در این حوزه پیشرفت فناوری به وجود آمده که رسانه های مختلف و بسیار متنوعی ایجاد شده است. مثلاً یک مفهوم جدید بـه نـام جنـگ اینترنتی[۱۲] پدید آمده است.

امروز دشمن در مقابل وضع کنونی ما آن ژست و آرایش نظامی صد سال یا پنجاه سال پیش را به خود نمی گیرد. ما باید آرایش جدید دشمن را بشناسیم، اگر نشناختیم و خوابیدیم از بین رفته ایم. (مقام معظم رهبری، ۲۰ آذر ۱۳۷۰)
((پایگاه اینترنتی فصل آگاهی)) (www.fasleagahi.com)

[۱۲] روزنامه واشنگتن پست در گزارشی خبر از انتشار جدیدترین راهبرد جنگ سایبری آمریکا داد. به گزارش این روزنامه مقامات وزارت دفاع آمریکا پس از مدت‌ها تاخیر در گزارشی که به کنگره ارائه دادند، اظهار نمودند اقدامات خصمانه سایبری ممکن است شامل «حملات سایبری مهم علیه اقتصاد، دولت یا ارتش آمریکا» گردد.
این راهبرد با ملزم دانستن استقرار سامانه‌های پدافندی بر اهمیت حملات بازدارنده تمرکز نموده است تا بدین ترتیب مانع موفقیت دشمنان در فضای سایبری گردد.
پنتاگون در گزارش اخیر اعلام می‌دارد دشمنانی که با حملات سایبری فلج‌کننده ایالات متحده آمریکا را تهدید می‌کنند، «**خطر بزرگی را به جان می‌خرند.**»
در واقع، مقامات آمریکایی خاطرنشان ساختند در صورتیکه اقدامات بازدارنده مبتنی بر سامانه‌های پدافندی نتواند مانع از اقدام خصمانه دشمنان گردد، پنتاگون قابلیت پاسخ متقابل نظامی به دشمنان در فضای مجازی و دیگر حوزه‌ها را برای خود محفوظ داشته و حتی آن را توسعه خواهد داد.
((خبرگزاری مشرق نیوز)) (www.mashreghnews.ir)

مفاهیم جدید دیگری مثل جنگ رسانه[۱۳]، یا جنگ فرهنگی، یا از این نوع

[۱۳] جنگ رسانه ای یعنی استفاده از رسانه ها برای تضعیف کشور هدف و بهره گیری از توان و ظرفیت رسانه ها (اعم از مطبوعات ، خبرگزاریها، رادیو، تلویزیون، اینترنت) و اصول تبلیغات به منظور دفاع از منافع ملی است. جنگ رسانه ای یکی از برجسته ترین جنبه های«جنگ نرم» SoftWarو «جنگ های جدید بین المللی» است. ماهیت اصلی جنگ رسانه ای، نفوذ و تأثیر گذاری بر افکار، عواطف، تمایلات و در نهایت رفتار مخاطبان است که با ابزار قواعد فنی و تکنیکی با در نظر گرفتن هدف، سطح، وسعت و نوع عملیات خود را طرح ریزی می‌کنند و به مرحله اجرا در می آورند. در این راستا از ابزارهای گوناگون و پیشرفته رسانه ای درگروههای مختلف دیداری، شنیداری و نوشتاری بهره‌مند می شوند و نیز از ابزارهای شناخته شده و در دسترسی که امروزه با عناوین رادیو، تلویزیون، مطبوعات، سایتهای اینترنتی، خبرگزاری‌های بین المللی ماهواره و سایر وسایل ارتباط جمعی با آنها آشنا هستیم. به طور کلی در جنگ‌های نامتقارن و جدید، رسانه ها مهمترین ابزار تصویر سازی به شمار می‌روند و در فرایند تبدیل و تبدل یعنی ایجاد دنیایی که تصویر جای واقعیت را می گیرد، نقش اساسی ایفا می‌کنند و قبل از هرگونه اقدام فیزیکی اعم از جنگ نظامی، اقدام رسانه‌ای و اقدام عملیات روانی را علیه کشور هدف خود اعمال می‌کنند تا ضمن نشان دادن قدرت خود، قدرت حریف خود را اندک نشان دهند. سربازان این جنگ در ظاهر، نویسندگان، خبرنگاران، مفسران، تصویربرداران، تولید کنندگان خبری و مطبوعاتی، کارگردانان، تهیه کنندگان و عکاسان رسانه‌ها هستند. سلاح و تجهیزات این سربازان نیز رادیو، تلویزیون و اینترنت، ماهواره، خبرگزاریها، دوربین‌ها، کاغذ و قلم و دستگاههای چاپ و نشر و... است؛ اما واقعیت این است که در پشت صحنه عملیات رسانه‌ای، سیاست رسانه‌ای قدرتها و نظام سلطه به مثابه راهبرد این حرکت قرار گرفته است که به صورت رسمی و سازمان یافته اما پنهان با اختصاص بودجه‌ای سری از سوی سازمانهای اطلاعاتی و امنیتی و سرویسهای جاسوسی و تشکیلات ویژه نظامی هدایت می‌شود. بخش دیگری از متولیان و رهبران رسانه‌ها صاحبان پول و سرمایه‌ها هستند. آنان به منظور افزایش سرمایه‌های بی حد و حصر خود جنگ رسانه‌ای به راه می‌اندازند و ملتها را برای مصرف کالای خود و یا گرایش به سوی خود راهبری می‌کنند. آنچه مسلم است در جنگ رسانه‌ای، مدیریت تهدیدات رسانه‌ای در خنثی سازی و رویارویی با آن از اهمیت بسزایی برخوردار است و باید همکاری هماهنگ و نزدیک بخشهای نظامی، سیاسی، اطلاعاتی، امنیتی، رسانه ای و عملیات روانی و تبلیغی یک کشور را در پی داشته باشد. با شناخت تهدیدات (موضوع تهدید، عامل تهدید، حوزه تهدید) و ابزارهای رسانه‌ای با ایجاد ساز وکار مناسب در سه جبهه حوزه خودی، حوزه حریف (عامل تهدید) و حوزه بی‌طرف همزمان به جنگ رسانه‌ای تهاجمی پرداخت و تأثیر تهدیدات رسانه‌ای دشمن را به حداقل رساند.

جنگ رسانه‌ای را از نظر منابع، ابزار و حوزه عمل می توان به شرح ذیل تقسیم کرد:

الف) انواع **جنگ رسانه‌ای** از نظر منابع و تبلیغات

۱ – تبلیغات سفید: از منابع شناخته شده استفاده و آن را معرفی می‌کند.

مباحث به صورت اختصاصی در فضای جنگ روانی مطـرح شـده اسـت کـه در واقـع مباحث کلی راهبردی در حال مطالعه در این حوزه می باشند.

۲ – تبلیغات خاکستری: به هیچ منبعی اشاره نمی‌کند و برای مخاطبان مجهول است.

۳ – تبلیغات سیاه: در ظاهر به هر منبعی غیر از منبع حقیقی آن نسبت داده می‌شود؛ به تعبیری منابع رسانه‌ها در تبلیغ کاملاً مشخص است ولی اینکه از کجاست، مشخص نیست و دشمن محسوب می‌شود و دست نیافتنی است.

ب) انواع جنگ رسانه‌ای از حیث ابزار عبارت است از:

به طور کلی برای موفقیت و تأثیرگذاری بیشتر در جنگ رسانه ای، هر کشوری که بتواند از ابزارهای بیشتر، پرحجم‌تر، مدرن‌تر و فناوریهای جدید رسانه‌ای و ارتباطی استفاده کند، خواهد توانست موفقیت بیشتری را برای عرصه جنگ رسانه‌ای تضمین کند. گرچه نسبت میان هرکدام از ابزارها و تأثیرگذاری حاکم برآن و برد و جذابیت هر یک درجوامع مختلف متفاوت است و برای وزن دهی آن باید پژوهش جداگانه‌ای صورت پذیرد، صرفا عمده ابزارهای شناخته شده و قابل دسترس به شرح ذیل معرفی می‌شود:

۱ – رادیو

۲ – تلویزیون

۳ – اینترنت

٤ – مطبوعات

۵ – خبرگزاریهای بین المللی

۶ – ماهواره‌ها

۷ – سایر وسایل ارتباط جمعی

۶ - تهدیدات جنگ رسانه ای

تهدیدزایی رسانه‌ها از طریق نقش این وسایل ارتباطی در تبلیغات، جنگ روانی و جنگ رسانه‌ای به ویژه با استفاده از انگاره‌سازی در شکل‌دهی افکار عمومی ملموس‌تر و ابعاد آن موضوعیتی بیشترمی‌یابد.

بنابراین جنگ رسانه ای را در جهت تضعیف کشور هدف و بهره گیری از توان و ظرفیت رسانه ها برای به دست آوردن منافع تعریف می‌کنند. جنگ رسانه‌ای از برجسته ترین عوامل جنگ نرم به شمار می رود. با وجود اینکه جنگ رسانه ای بیشتر در میدان های نبرد نظامی کاربرد دارد از اهمیت آن در دیگر زمانها کاسته نمی‌شود؛ زیرا هدف جنگ رسانه‌ای کنترل و تغییر اذهان و افکار عمومی مردم و تحت تأثیر قرار دادن مخاطبان است.

((پایگاه اینترنتی گرداب)) (www.gerdab.ir)

مفاهیم جدید در این حوزه در حال خلق شدن هستند. بـرای مثـال در جنـگ روانـی یک مفهومی به نام افکار عمومی[۱۴] تولید می شـود. افکـار عمـومی در برابـر تهدیـد می تواند بازدارنده باشد، و بعضی اوقات می تواند پشتیبان باشد. لذا شناخت مفهوم افکار عمومی در جنگ جدید کاملاً اساسی اسـت. مـثلا در جنـگ ۲۲ روزه غـزه کـه رزمندگان حماس در غزه به صورت کامل در محاصره بودند

و از طرف رژیم اشغالگر قدس دیوار بتونی وجود داشت و در طرف دیگر هم دریـا و روبرویشان هم نیروهای نظامی وجود داشت.

---

[۱۴] **افکار عمومی** در اصطلاح به نظر، روش و ارزیابی مشترک گروهی اجتماعی در رابطه با یک موضوع مورد توجه و علاقه همگان گفته می‌شود که در لحظه مشخص بین تعدادی از افراد یک قشر یا طبقه یا سراسر اجتماع به‌طور نسبی عمومیت پیدا کرده است. اصطلاح افکار عمومی در قرن هجدهم به منظور بیان افکار نخبگان فرانسه نسبت به پادشاه استفاده می‌شد و بعد از انقلاب فرانسه به معنای نظرات همه افراد (نخبگان و عموم مردم) نسبت به دولت و با عبارت افکار عمومی رایج شد. قبل از ظهور رسانه‌های همگانی، افکار عمومی در خصوص یک موضوع به کندی گسترش پیدا می‌کرد و اغلب در محدوده کوچکی مانند روستا یا منطقه باقی می‌ماند و یا از بین می‌رفت. با ظهور و گسترش تدریجی رسانه‌های همگانی امروزه افکار عمومی تا سطح بین‌المللی و جهانی توانسته بسط پیدا کند و به‌طور روزافزونی به دلایل مختلف از جمله نیاز دولت‌ها به مشروعیت بخشی خویش در نزد مردم، اهمیت پیدا کند. اهمیت افکار عمومی و نیاز به بررسی آن منجر به ابداع روش‌های بررسی و تحلیل افکار عمومی خصوصا در قالب نظرسنجی شده و این روش‌ها به صورت یک رشته مستقل، هویت پیدا کرده است.

ابعاد و سطوح افکار عمومی

افکار عمومی را می‌توان به دو بخش بنیادی و نمادی تقسیم کرد. وجه بنیادی آن در واقع تمام علل و عواملی را در بر می‌گیرد که بنیان‌های زندگی جمعی را تشکیل می‌دهند و به عبارتی بخش سخت‌افزاری افکار عمومی محسوب می‌شوند. مانند عقاید مذهبی و ملی یک جامعه که در طول تاریخ شکل گرفته و قوام پیدا کرده است. بخش نمادی و نمایشی افکار عمومی تظاهرات و تجلی افکار عمومی به مناسبت یک رویداد یا در واکنش به یک امر خاص است. به‌عنوان مثال اعتراض یا واکنش افراد یک جامعه در برابر اهانت به مقدسات آن‌ها. بخش بنیادی افکار عمومی باید در سیاست‌گذاری عمومی مورد توجه قرار بگیرد و تمام بازیگران سیاسی نیز باید آن را به عنوان یک عنصر دایمی در کنش خود لحاظ کنند. بخش نمادی، هم مانند یک بازیگر عمل می‌کند و هم مانند یک نیروی فشار که ممکن است مورد استفاده یا سوءِ استفاده هر بازیگری قرار بگیرد.

((پژوهشکده باقر العلوم))(www.pajoohe.com)

نقشه فلسطین اشغالی در سال ۱۹۶۷

نقشه امروزی فلسطین اشغالی

نقشه نوار غزه

ارتباطات آنها صرفاً فقط از طریق تونل های زیرزمینی[۱۵] بود که رزمندگان را هم به بخش داخل فلسطین اشغالی و هم به بخش مصر وصل کرده بود که مـی توانسـتند تدارکات لجستیکی را انجام دهند.

---

[۱۵] روزنامه فرانسوی لوفیگارو در گزارشی به قلم "ژرژ مالبرونو" با اشاره به شبکه پیچیده تونل های زیرزمینی که رزمندگان حماس برای ضربه زدن به نظامیان اسرائیلی از آن استفاده می کنند، نوشت:

بیش از ۱۰۰۰ تونل زیرزمینی به نیروهای حماس این امکان را می دهد که همه جا حضور داشته باشند بدون آنکه دیده شوند.

این گزارش با تشریح پیشینه احداث این تونلها، می افزاید: مدت زیادی بود که این تونل‌ها وجود داشت، اما کسی آنها را ندیده بود، تا زمان انتفاضه دوم در سال ۲۰۰۰ که مالکیت آنها تحت نظارت مسئولان سازمان های امنیتی تشکیلات خودگردان فلسطینی قرار گرفت. تا پیش از این، این تونل ها برای حمل برخی اقلام از قبیل شیر، پوشاک، قطعات یدکی خودرو و دارو مورد استفاده قرار می گرفت اما از زمانی که حماس در سال ۲۰۰۵ کنترل غزه را در دست گرفت، کارایی این گذرگاه های زیر زمینی نیز تغییر کرد. در این دوره، مبارزان فلسطینی از این راهروهای زیرزمینی برای تامین سلاح استفاده کردند. ارتش اسرائیل نیز مبارزه علیه حفر این تونل ها در پیش گرفت. عقب نشینی اسرائیل از نوار غزه در تابستان ۲۰۰۵ و قدرت گرفتن حماس در ژوئن۲۰۰۷ موجب تقویت عبور سلاح، از قطعات راکت گرفته تا موشک های ضد هوایی و چندین تن تی ان تی و سایر مواد انفجاری برای پرتاب موشک های حماس به جنوب اسرائیل شد.

محمد یکی از ساکنان رفح می گوید: تا زمان عقب نشینی اسرائیل حفاری تونل تنها شبها صورت می گرفت چون روزها مردم از گشت زنی ارتش اسرائیل در هراس بودند. حفاری تونل به اصلی ترین فعالیت اقتصادی رفح تبدیل شده و شبکه ای برای توزیع تحت نظارت حماس با قوانین نرخ و حتی واژگان خاص خود شکل گرفت. گروه حفاری برای حفر هر متر تونل بطور متوسط ۱۰۰دلار دریافت می کردند.

شمار ورودی های تونل های حفاری شده در خاک مصر به حدود ۸۵۰ و در رفح در طول چهارده کیلومتر به ۱۲۵۰ مورد می رسد. محمد با اشاره به پیچیدگی فزاینده کار در این تونل ها می گوید: در حقیقت تونل ها به دو شاخه تقسیم می شوند؛ در مصر ورودی تونل ها می تواند در مغازه ها باز شود یا در مزارع زیتون یا باغ بادام. یک نظامی فرانسوی در خاطرات خود در بازدید از صحرای سینا می گوید: از کف یک خانه احساس بوی خنک کردم، سوال کردم این بو از کجا می آید و به من پاسخ دادند معلوم است که این بو مربوط به یک تونل است. با کنار زدن کف پوش، تونلی را دیدم که عمق بسیاری داشت. برای فرو رفتن در این تونل ها از چرخ و طناب الکتریکی استفاده می شود. برخی تونل ها مجهز به تلفن داخلی بـرای برقـراری ارتبـاط با سطح زمین اند. بـرای پرهیز از دسـتگاههای شناسایی بـرخی از آنها تا عـمق ۳۰ متری زمین پیـش می روند، اما برعکس قطر آنها تنها به اندازه یک انسان با در نظر گرفتن دست و پای اوست. از سال ۲۰۰۷ حماس کنترل تونل ها را در دست گرفت، ضمن اینکه به برخی مجریان اجازه داد، در ازای پرداخت مالیات سالانه ۱۰هزار دلار به حفر تونل بپردازند. از سوی دیگر سایر گروههای فلسطینی فعال ضداسرائیلی ضمن معافیت از پرداخت مالیات اجازه یافتند تونل حفر کنند. البته حماس بر عملکرد آنها و تامین سلاح از این طریق نظارت می کند و اگر کارگری بر اثر ریزش آوار کشته شود، حماس از مالک تونل می خواهد معادل ۲۰هزار یورو به خانواده قربانی پرداخت کند.

((پایگاه اینترنتی الف)) (www.alef.ir)

آمریکائی ها و اسرائیلی ها فکر می کردند که قبل از آمدن اوباما، می توانند مسئله غزه را حل کنند، آنهم به صورت کامل. عمده کمکی که ما توانستیم بـه رزمنـدگان غزه بکنیم، با بکارگیری ابزار روانی برانگیختگی دنیا را در حوزه افکار عمومی ایجاد کردیم که در واقع این برانگیختگی باعث شد که آتش بس بـه رژیـم صهیونیسـتی تحمیل شود. یعنی یک مفهوم جدیدی از جنگ تولید شده که اگر ما ابزار قـدرت و لوازم آن را داشته باشیم و بتوانیم آن را مدیریت کنیم، مـی توانـد در جنـگ تـاثیر گذار باشد.

یعنی یک جایی جنگ را توسعه داده و یک جایی جلوی جنگ را بگیرد. کـه ایـن در واقع بخشی از تأثیر عملیات روانی و فشار تولید شده توسط افکار عمومی به رهبران کشور ها است و کاملاً مؤثر است.

تصاویری از تونل های زیر زمینی غزه

عکس هایی از تونل های زیر زمینی غزه

۴- تهدید فناوری سایبر

حوزه بعدی و فنآوری بعدی، فناوری سایبری است، که فناوری سایبری هم روز بـه روز توسعه بیشتری پیدا می کند. یک روزی، وقتی ما از جنـگ سـایبری[۱۶] صـحبت

[۱۶] به هدایت عملیات نظامی بر اساس قوانین حاکم بر اطلاعات و از طریق دنیای اطلاعات جنگ سایبر می گویند. هدف از این نوع جنگ تخریب سیستم های اطلاعاتی و ارتباطاتی است. تلاش این جنگ شناسایی مسایلی است که دشمن به شدت از آن محافظت می کند، این جنگ حرکتی در جهت تغییر "موازنه اطلاعات و دانش" به نفع طرف دیگر است، به‌خصوص اگر میان نیروها موازنه ای برقرار نباشد. در واقع در این جنگ به کمک دانش، سرمایه و نیروی کاری کمتری جهت غلبه بر طرف دیگر هزینه می شود. انقلاب اطلاعات باعث نابودی تدریجی سلسله مراتب می شود و معمولاً از محدودیت هایی که موسسات و سازمان ها را احاطه کرده، عبور می کند. این جنگ از فناوری های گوناگونی بهره می برد، از جمله فرماندهی و کنترل اطلاعات، توزیع و پردازش اطلاعات جهت دستیابی و برقراری ارتباطات تاکتیکی، تثبیت موقعیت و شناخت هویت دوست و دشمن در زمینه مبادلات سیستم های جنگی هوشمند. استفاده از این فناوری ها می تواند باعث اغفال، فریب و ایجاد اختلال در تجهیزات ارتباطاتی و اطلاعاتی دشمن شده و راهی جهت نفوذ به

آن پیدا کند.

جنگ سایبر می‌تواند نظریه ها و تزهای جدید در زمینه انواع نیروهای مورد نیاز و این که چگونه و کجا باید آنان را مستقر و از آنها استفاده کرد تا بتوان به دشمن حمله ور شد را ارائه دهد. این که از چه نوع کامپیوترها، حس گرها، شبکه ها و پایگاه داده‌هایی استفاده کرد یا چطور از این منابع بهره برد و آنها را در چه موقعیتی قرار داد، همه و همه از جمله عوامل رقم زننده پیروزی و موفقیت در جنگ سایبری هستند و اهمیتی هم سطح با نحوه استقرار بمب افکن‌ها و عملیات پشتیبانی و لوجستیکی دارند. جنگ سایبر را می توان "حمله رعدآسا"ی قرن بیستم در قرن بیست و یکم توصیف کرد. جنگ سایبری به احتمال قوی از جدی ترین چالش‌های امنیتی است که از طریق فضای مجازی به دولتها تحمیل می‌شود. مشابه با ابزارهای جنگ متعارف؛ از فناوری سایبری نیز می‌توان برای حمله به تشکیلات دولتی، زیرساخت‌های ملی انرژی و روحیه عمومی بهره جست.

((پایگاه اینترنتی تبیان)) (www.tebyan.net)

خلاصه گزارش موسسه چتم هاوس: در سالهای اخیر، دولت‌ها و سازمانهای بین‌المللی بر امنیت سایبری تمرکز بیشتری نموده‌اند و از شرایط اضطراری آن کاملاً اطلاع دارند. در انگلیس، امنیت سایبری عمدتاً در راهبرد امنیت ملی و نشریه دفاع و امنیت راهبردی که در اکتبر ۲۰۱۰ به چاپ رسیده، مطرح شده است.

جنگ سایبری به احتمال قوی از جدی‌ترین چالش‌های امنیتی است که از طریق فضای مجازی به دولتها تحمیل می‌شود. مشابه با ابزارهای جنگ متعارف؛ از فناوری سایبری نیز می‌توان برای حمله به تشکیلات دولتی، موسسات مالی، زیرساخت های ملی انرژی، صنعت حمل‌ونقل و روحیه عمومی بهره جست. با این حال، هر چند برخی از اقدامات شاید تهاجمی و خصومت‌آمیز به نظر برسند، اما ضرورتاً نباید آنها را از مصادیق اقدامات جنگی دانست. بنابراین، تمییز قائل شدن بین حالت تهاجمی و غیرتهاجمی در فضای مجازی حائز اهمیت است.

بارزترین ویژگی جنگ سایبری تحول سریع تهدیدات است. نوع اقدامات تهاجمی و ویژگی‌های آن به اندازه خود بازیگران اهمیت دارد. برای مثال، فعالیت‌های سایبری گروه‌های تروریستی، جاسوسان و جنایتکاران سازمان‌یافته می‌توانند مخرب بوده و تهاجمی باشند.اما ضرورتاً از مصادیق جنگ سایبری تلقی نمی‌شوند. برای تعریف جنگ سایبری می‌توان از همان توصیف"جنگ نامتقارن" بهره گرفت– یعنی، نبردی که در آن ممکن است یکی از طرفین در جنگ متعارف ضعیف اما از لحاظ هوش و ذکات قدرتمند باشد اما طرف دیگر پرقدرت و در عین حال مغرور و انعطاف ناپذیر باشد. بارزترین ویژگی جنگ سایبری (امنیت سایبری به طور عام)، تحول سریع تهدیدات است. این تغییرات می‌توانند آنقدر ناگهانی و غیرمنتظره باشند که از همان ابتدا دور تسلسل عمل و عکس‌العمل در راهبرد سنتی را از حرکت بیاندازند. جنگ سایبری مدل بدون درد و خونریزی جنگ است این بحث جذاب اما خطرناک مطرح است که جنگ سایبری می‌تواند مدل"بدون درد" و"بدون خونریزی" جنگ باشد که البته نتایج مهمی را در پی خواهد داشت.

می کردیم، شاید در ذهنها یک جنگ فانتزی خیلی زیبا مطرح می شد یا مـی گفتنـد که در حد تئوری مطرح است. ولی امروزه، جنگ سایبری یـک مفهـوم واقعـاً جـدی پیدا کرده است. توجه کنید که ما در برنامه ۵ ساله پنجم مصوب مجلس داریـم کـه ۶۰ درصد خدمات دولت به مردم باید از طریق زیرساخت فناوری اطلاعات صـورت بگیرد. این ۶۰ درصد یعنی زیر ساخت سایبری، سایبری که خیلی از مـا و خیلـی از مسئولین زیر ساخت آن را نمی شناسیم و نمی دانیم چه حوزه هایی هست و مثلاً مـا در سال گذشته شاهد این بودیم که آمریکائی ها نوع جدیدی از جنگ سایبری علیه

این مسئله به یک محیط رزمی نامتقارن و بی‌نظم منجر می‌شود که معلوم نیست در آنجا بتوان از معیارهای مشترک اخلاقی، هنجاری و ارزشی بهره گرفت. علاوه بر تشریح عملکرد مهاجمان مجازی و واکنش دولتهای مدافع و نیز تحلیل نتایج، روشها و ابزارهای جنگ سایبری، این گزارش مشخصات اصلی جنگ سایبری را به عنوان یک پدیده راهبردی برمی‌شمارد. از این رو، تعاریف زیر برای جنگ سایبری پیشنهاد می‌شود:

- جنگ سایبری می‌تواند بین دولتها یا از برخی جهات حتی بین بازیگران غیردولتی اتفاق افتد. در این جنگ، هدایت دقیق و مناسب نیروها بسیار دشوار است، هدف می‌تواند نظامی، صنعتی، غیرنظامی یا حتی فضای سروری باشد که مطمئناً به مشتریان بسیاری خدمات ارائه می‌دهد.

بارزترین ویژگی‌های جنگ سایبری عبارتند از:

- جنگ سایبری به بازیگران این امکان را می‌دهد که بدون توسل به جنگ مسلحانه، به اهداف سیاسی و راهبردی خود دست یابند.

- فضای مجازی قدرت غیرواقعی به بازیگران کوچک و کم‌اهمیت می‌دهد.

- با استفاده از آدرس IP اشتباه، سرورهای خارجی و اسامی مستعار، مهاجمان می‌توانند در عین ناشناس بودن و مصونیت نسبی، برای مدت کوتاهی فعالیت کنند.

- در فضای مجازی، مرز بین نظامی و غیرنظامی و نیز فیزیکی و مجازی چندان روشن و شفاف نیست. از این رو، قدرت یا از طریق دولتها، بازیگران غیردولتی اعمال می‌شود یا از طریق پروکسی.

- در کنار سایر میادین سنتی نبرد مثل زمین، هوا، دریا و فضا، باید فضای مجازی را "پنجمین میدان نبرد" دانست. جنگ سایبری از اجزای جدید این محیط چندبعدی است اما کاملاً جدا از آن در نظر گرفته نمی‌شود. - در فضای مجازی، اقدامات شبه‌جنگی به احتمال زیاد همراه با سایر اشکال زور و منازعه رخ می‌دهد. اما، روشها و ابزارهای جنگ سایبری قطعاً متفاوت از سایر جنگها خواهد بود.

((اندیشکده شریف)) (www.ci.itan.ir)

ما را شروع کردند و در واقع بر علیه حوزه صنعتی ما جنگ سایبری شـروع کردنـد. به وسیله ویروس استاکس نت[۱۷] که احتمالاً دوستان اسمش را شنیده باشند.

[۱۷]کرم رایانه کشف شده در ژوئن ۲۰۱۰ است . اهداف آن تجهیزات صنعتی زیمنس و در حال اجرا نرم افزار ویندوز مایکروسافت است. در حالی که اولین بار نیست که هکرها سیستم های صنعتی را مورد هدف قرار داده اند.

این کرم در ابتدا یکسره گسترش می یابد، اما اختصاصاً برای حمل و نقل بسیار تخصصی نرم افزارهای مخرب طراحی شده است که تنها برای هدف قرار دادن سیستم (SCADA) سیستم کنترل نظارتی زیمنس و اکتساب داده هایی که پیکربندی شده و برای کنترل و نظارت بر فرآیندهای صنعتی خاص است، به کار میرود.

PLC های آلوده به Stuxnet توسط اختلال در نرم افزار کاربری از کار می افتند. انواع مختلف از Stuxnet به پنج سازمان ایرانی با هدف احتمالی به طور گسترده ای مشکوک به زیرساخت های غنی سازی اورانیوم در ایران حمله کرد.

سیمانتک اشاره کرد که در ماه اوت سال ۲۰۱۰ استاکس نت ۶۰ ٪ از کامپیوتر های آلوده در سراسر جهان در ایران راه هدف قرار داده است و زیمنس اعلام کرد در تاریخ ۲۹ نوامبر این کرم هر گونه صدمه به مشتریان خود ایجاد می کند. اما برنامه هسته ای ایران، که با استفاده از تحریم زیمنس تجهیزات تهیه مخفیانه، توسط Stuxnet آسیب دیده اند.

آزمایشگاه کامپیوتر شرکت امنیتی روسی کسپرسکی نشان داد که حمله پیچیده تنها با پشتیبانی یک دولت میتوانسته انجام شود. این بود که توسط شرکت فنلاندی امنیت کامپیوتر حمایت F - Secure و "رئیس محقق میکو هیپونن در پرسش و پاسخ Stuxnet به اظهار نظر ، "این چیزی است که آن را مانند، بله نگاه کنید" کارشناسان بر این باورند که اسرائیل و ایالات متحده ممکن است درگیر این ماجرا باشند."

((پایگاه اینترنتی پایداری ملی)) (www.paydarimelli.ir)

از راه های دور یک ویروس را به داخل نیروگاه بـرق مـا، در بخـش دیسـپاچینگ و کنترل[۱۸] می فرستند. در واقع یک اختلاف بین اطلاعات پشت صفحه و اطلاعات روی صفحه ایجاد می کند. این اختلاف با دستورات تخریبی باعث می شود که مثلاً توربین از کار بیفتد و یا اتصال الکترونیک رخ بدهد و به دنبال این اتصال شدید انفجار و یـا آتش سوزی و قطع شبکه رخ دهد یا اتفاقی خارج از این حـوزه کـه در حـوزه هـای دیگر هم بود.

[۱۸] دیسپاچینگ یک لغت لاتین است که معنی آن : تعیین مسیر کردن و ارسال کردن انرژی از نیروگاه تا محل های مصرف می باشد. اما بصورت عمومی به معنی مرکز راهبری و کنترل شبکه برق است که علاوه بر آن وظایف جانبی دیگری هم دارد، وظایفی چون ؛ نگهداری و اصلاح و بهینه سازی سیستم های گوناگون مخابراتی و اسکادای صنعت برق نظیر: PLC ، تلفن و مرکز تلفن ، بی سیم ، مایکروویو وسیستم های فیبر نوری. در شبکه برق ، سیستم مخابراتی PLC بر روی دکل های برق نصب شده که بدون هیچ پیش شماره ای تنها با گرفتن چهار شماره و در صورت تعریف مسیر می توان با پست های دیگر مراکز ارتباط داشت.

به طور روشن و واضح، کار مرکز دیسپاچینگ این است که اگر شبکه های انتقال نیاز به تعمیر داشته باشند . اگر مشکلی برای ایستگاهها پیش بیاید و نیاز به حضور گروه ها در ایستگاه ها باشد و یا پست های برق احتیاج به سرویس پیدا بکنند و همینطور کاهش و افزایش ولتاژ شبکه و هدایت و مدیریت خاموشی ها در سطح کلان، اموری هستند که مدیریت آن بر عهده دیسپاچینگ هست.

برقدار شدن ترانس ها، خطوط، پیگیری و اعزام گروه های عملیاتی و تعمیراتی بر عهده دیسپاچینگ است و در یک جمله می توان گفت : حفظ پایداری و بهره برداری بهینه از شبکه برق بر عهده مرکز دیسپاچینگ می باشد. ((پایگاه اینترنتی شرکت سهامی برق منطقه مازندران)) (www.mazrec.co.ir)

در واقع نشان می دهـد که بحث سـایبر دیگر از حالـت فـانتزی بیـرون آمـده و در حـوزه ای آمده است که نمی توان با آن جنگید. وقتی با یـک ویـروس[۱۹] کـه از آن

[۱۹] **ویروس** یک قطعه نرم افزار کوچک بوده که بر دوش یک برنامه حقیقی حمل می گردد. مثلا" یک ویروس میتواند خود را به برنامه ای نظیر واژه پرداز متصل (الحاق) نماید. هر مرتبه که برنامه واژه پرداز اجراء می گردد، ویروس نیز اجراء و این فرصت (شانس) را پیدا خواهد کرد که نسخه ای از خود را مجددا" تولید (الحاق یک نسخه از خود به سایر برنامه ها) و یا یک خرابی عظیم را باعث گردد.

اگر کسی چیزی در مورد کامپیوتر ها نداند این را می داند که ویروسها مخرب هستند و باید کامپیوتر خود را در برابر هجوم آنها حفاظت کند. سناریوی پخش یک ویروس جدید در اینترنت و عکس العمل شرکت های آنتی ویروس در برابر آن به صورت زیر است :

- ابتدا یک ویروس به طور متوسط صد هزار کامپیوتر را مورد هجوم قرار می دهد .
- سپس شرکت های آنتی ویروس شروع به ساختن پکیج برای آنها می کنند .
- در مرحله بعد این پکیج در اختیار عموم قرار می گیرد.

به طور کلی می توان آلودگی‌های الکترونیک را این گونه دسته‌بندی کرد:

ویروس‌های رایانه‌ای: یک ویروس رایانه‌ای برنامه است که بر روی برنامه های حقیقی سوار می‌شود. برای نمونه یک ویروس می تواند خود را به برنامه‌ای مثل یک برنامه "صفحه گسترده" متصل کند.

هر بار که "صفحه گسترده" اجرا می شود، ویروس هم اجرا می شود و این شانس را دارد که دوباره تولید شود.

ویروس‌های پست الکترونیکی: یک ویروس ای میلی معمولا در پیام ای میل حرکت می‌کند و خودش را با ارسال خودکار به لیست نشانی‌هایی که در میل باکس قربانی وجود دارد تکثیر می‌کند.

کرم‌های رایانه‌ای: یک کرم رایانه‌ای برنامه‌ایست که از شبکه‌های کامپیوتری و حفره‌های امنیتی برای تکثیر خود استفاده می‌کند. یک کپی از کرم شبکه را برای ماشین دیگری که حفره امنیتی مشخصی دارد جست و جو می کند و با یافتن حفره امنیتی در ماشین جدید خود را در آن جا هم کپی می کند. با راه یافتن کرم به ماشین جدید چرخه دوباره تکرار می شود و کرم دوباره از این جا در ماشین های جدید کپی می‌شود.

اسب‌های تروا: یک اسب تروا تنها یک برنامه کامپیوتری است. این برنامه اعلام می‌کند که کار خاصی انجام می‌دهد؛ مثلا می گوید که یک بازی است اما هنگامی که توسط کاربر اجرا می شود به ماشین صدمه وارد می کند؛ مثلا هارد دیسک ماشین را پاک می کند.

طرف دنیا می توانند آن را به اینجا بفرستند، یک دریچه سد یا نیروگاه ما را منفجر کنند، و آن را از بین ببرند، این ویروس کار یک بمب را انجام می دهد، و خیلـی بـا هم فرقی ندارند، لذا، ما نمی دانیم، با چشم بسته به این حوزه برویم و از آن استفاده کنیم، و باید بدانیم که این مفهوم یک مفهوم کاملاً جدی است.

ویژگی های سایبر این است که جنگ سخت در حوزه جنگ نسل چهارم، دیگـر بـه صورت کامل نیست، یک بخش و جزء مکمل جنگ نرم است، در واقع جنگ سـخت هم به صورت مکمل وجود دار.

خانم کلینتون که وزیر خارجه آمریکا است، در تعریف این موضوع می گویـد: مـا از یک مفهوم به نام Smart Power یا قدرت هوشمند[۲۰] استفاده می کنیم. می گوید قدرت هوشمند یعنی« بکارگیری همه مؤلفـه هـای قـدرت کشـور » (منظـور آمریکـا می باشد) و در برشماری این مفهوم می گوید:

ویروس‌های رایانه‌ای به این دلیل ویروس نامیده می شوند که با ویروس های بیولوژیک شباهت‌های زیادی دارند؛ مهم‌ترین شباهت این دو این است که هر دو از یک میزبان به میزبان دیگر منتقل می شوند. یکی دیگر از ویژگی‌های این دو این است که هر دو برای تکثیر شدن به یک میزبان نیازمندند و به تنهایی خطری را متوجه هیچ کس نمی‌کنند.

یک ویروس رایانه‌ای هم برای این که تکثیر شود باید بر روی یک برنامه سوار شود.

((وبگاه لینک باکس)) (www.bestlinkboxs.iranblog.com)

[۲۰] قدرت هوشمند:

هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه آمریکا هنگام ادا شهادت در مجلس سنا برای دریافت رأی اعتماد گفت:

" ما باید از سیاستی استفاده کنیم که قدرت هوشمند نامیده می شود. این سیاست دامنه کاملی از وسایل و تدابیر (دیپلماتیک ، اقتصادی ، نظامی ، سیاسی ، قانونی و فرهنگی) را در اختیار ما قرار می دهد . ما می توانیم بهترین وسیله و تدبیر یا ترکیبی از آنها را برای هر وضع خاصی بکار گیریم. با قدرت هوشمند، دیپلماسی در رأس سیاست خارجی ما قرارخواهد داشت. کلینتون بر این امر تأکید نمود که عاقلانه ترین راه این است که ابتدا از سیاست ترغیب و تشویق استفاده کنیم . "

قدرت نظامی، قدرت فرهنگـی، قـدرت سیاسـی، قـدرت اقتصـادی، قـدرت فعالیـت بین الملل، قدرت حقوقی، قدرت قانونی و سایر قدرت هـا. یعنـی هـر مؤلفـه ای کـه قدرت دارد از آن استفاده می کنند و با یک کشور برخـورد مـی کننـد. هـیچ جـایی نگفته اند که ما از قدرت نظامی استفاده نمی کنیم و یا گفته باشند حتماً. در واقع یک ترکیبی، هوشمندانه از مؤلفه های قدرت را به کار می گیرند. مفهوم آن برای ما این است که تهدید، یک تهدید همه جانبه شده است نه فقط نظامی.

ببینید جنگ نسل سوم، ما در چیزی که مقایسه می کردیم، یعنی کشور خودمان را با کشور عراق، حوزه جنگ ما نوار مرزی بود، یک مقدار این طرفتر تحت تـأثیر بـود، مثلاً هواپیما می آمد و اینطرف را بمباران می کرد، و مثلاً یزدی ها هیچ آثـاری را از جنگ ندیدند که هواپیما بیاید و بمباران کند.

بعد سختی و فشار کشور هم به آنها می رسید و یا اگر مـی خواسـتند کمـک کننـد، کمک می کردند. ولی شهر یزد و بدنه اصلی کشور تحت تأثیر مستقیم فشـار هـای اصلی جنگ نبود ولی در تهدیدات جدید این طور نیست.

در چنین فرآیندی «نوعی مدیریت هوشمند» وجود دارد که با شرایط جدید، تاکتیک‌ها و اقدام‌های جدیدی را برای کشور مهاجم تجویز می‌کند. "

مبنای این تغییر را «باراک اوباما» قبل از حضور در کاخ سفید در اوت ۲۰۰۷م. طی مقاله‌ای در نشریه‌ی «فارین افیرز» با طرحی به نام «بهره‌گیری از قدرت نرم از سوی آمریکا در تقابل با مخالفان» اعلام کرده بود. پیش از وی نیز ((هیلاری کلینتون))، وزیر خارجه‌ی ایالات متحده در شماره‌ی ماه دسامبر همان نشریه، مقاله‌ای تحت عنوان ((قدرت هوشمند)) به چاپ رساند.

وی در این مقاله از سه رکن کلیدی قدرت هوشمند، یعنی شبکه‌ی «متحدین پایدار»، «سازمان‌های بین‌المللی» و «ارزش‌های آمریکایی» نام می‌برد. دولت اوباما قدرت نظامی را با نفوذ دیپلماسی ترکیب کرده و نفوذ سیاسی و اقتصادی را با نفوذ فرهنگی و مانورهای قانونی همراه و ممزوج نموده و نام آن را قدرت هوشمند گذاشته است. این تدبیر شکلی از سیاست است که مشکل بتوان آن را طبقه بندی کرد و آن را تمیز داد و به اجزاءِ متشکله اش تجزیه کرد.

((پایگاه اطلاع رسانی برهان)) (www.borhan۱۳۹۰.blogfa.com)

حالا ببینید ما در جنگ و تهدیدات قدیم کشور را چگونه مدیریت می کـردیم. یـک ساختار بود به نام ساختار قرارگاه خاتم که کشور را اداره می کرد. قرارگـاه نجـف و کربلا و مثل اینها را در داخل سپاه داشت و جنگ را اداره می کرد. در واقع نظامی ها جنگ را اداره می کردند. دولت در آن موقع چه کار می کرد؟

دولت می گفت: دولت مردم را اداره کند، پشتیبانی از جنگ می کنم. نخسـت وزیـر وقت در آن زمان بزرگترین افتخارش این بود که من از جنگ پشـتیبانی مـی کـنم. حالا بعد اتفاق می افتاد که کسانی که در جنگ بودند می دیدند ما با چقـدر مشـکل مواجه بودیم، ولی دولت خـودش نمـی گفـت مـن مـی جـنگم. یعنـی نمـی جنگیـد، پشتیبانی می کرد و کس دیگری می جنگید و دولت از آن پشتیبانی می کرد.

ولی در جنگ جدید، همه حوزه کشور در تهدید قرار می گیرد. یعنی مـا بایـد توجـه کنیم که کل جغرافیای کشور تحت تأثیر قرار می گیرد. فرقی بین طـبس و شـلمچه وجود ندارد از نظر اولویت فرقی بین مثلاً رشت و خرمشهر وجود ندارد. بـه انـدازه اهمیت مرکز، نسبت پایداری کشور این هـدف مـی توانـد ارتقـاء پیـدا کنـد و جـزو لیست اهداف قرار بگیرد. پس مدل دفاع اینجا در برابر این تهدید چیسـت؟ یعنـی هم باید مسئولین دولت بجنگند و هم باید دفاع کنند.

یعنی هم ممکن است موشک باران و بمباران شود و هم همزمـان بایـد دفـاع کنـد و همزمان هم کارکرد دستگاه تداوم یابد. پـس مـا در واقـع در برابـر جنـگ جدیـد و تهدید جدید و مدل جدید جنگ نیازمند چه هستیم؟

نیازمند این هستیم که دستگاه های دولتی و دستگاه های اجرایـی هـم، همزمـان بـا بقیه، مدل دفاعی داشته باشند و بدانند که چگونه در برابر تهدید باید بجنگیند. حالا من نمونه هایش را اشاره می کنم. ما وقتی که اینها را بررسی می کنیم، می بینیم که امروز تهدیدات، تهدیدات همه جانبه شده است.

۵- سایر تهدیدات نوین

ما امروز، یک تهدیدی داریم به نام تهدید سایبری که زیر ساخت های ارتباطی، زیر ساخت های صدا و سیما، زیر ساخت های بانکی، زیر ساخت های صنعتی و می توان گفت که تمام زیر ساخت های ما را تحت تأثیر قرار می دهد، اگر ما نتوانیم در آنجا ایمن سازی و دفاع بکنیم در برابر آن تهدید طبیعتاً آسیب پذیر هستیم.

ما امروز تهدیدی داریم به نام تهدید اقتصادی[۲۱]، که مقام معظم رهبری امسال

[۲۱] **شما در حال جنگید الآن. یک جنگی است که جنگ اقتصادی است، و یک محاربه‌ای است.** حضرت امام خمینی (ره). اگر امروز بخواهیم جنگ را تعریف کنیم باید بگوییم که امروز کشور ما درگیر یک **جنگ اقتصادی** است و مدل جدیدی در جنگ اقتصادی علیه ما در حال اجراست و این مساله خود را در تحریم های اقتصادی علیه کشورمان به خوبی نشان می‌دهد. تشکیل مرکزی برای جنگ اقتصادی آمریکا توسط وزارت خزانه داری، ایجاد محدودیت برای شبکه بانکی، تعیین سقف برای دریافت منابع فاینانس، کنترل تعاملات اقتصادی همسایگان ایران و توقیف شرکتهایی که با ایران مناسبات مالی و تجاری دارند نمونه هایی از جنگ اقتصادی واشنگتن علیه تهران است که جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ اقدامات پدافندی و احتیاطی توانسته است به خوبی تهدیدات را رفع و از ظرفیت های جدید اقتصادی استفاده کند. آمریکا به طور رسمی وارد جنگ اقتصادی با ایران شده است. مقابله اقتصادی دشمنان با ایران به عنوان یک عنصر تهدید کننده مهم برای کشور به شمار می رود. درگذشته حمله نیروهای نظامی به زیر ساختهای اقتصادی، جنگ اقتصادی نامیده می شد اما امروز، حمله با ابزار اقتصادی، فناوری و تکنولوژی به مولفه های اقتصادی کشوری دیگر جنگ اقتصادی نامیده می شود. امروزه دولت های متخاصم برای ضربه زدن به ساختار اقتصادی کشورهای دیگر از شیوه ها و ابزارهای جدیدی استفاده می کنند که دارای اثرات فلج کننده ای است. محاصره اقتصادی کوبا، کره شمالی و عراق را نمونه هایی از جنگ اقتصادی واشنگتن علیه کشورهای مخالفش به شمار می رود. محاصره اقتصادی عراق از سال ۱۹۹۱ شروع و تا زمان سقوط رژیم صدام ادامه یافت که طی آن، بغداد با شرایط اقتصادی سختی مواجه شد و همه بخش های سیاسی و اجتماعی عراق نیز از این تحریم تاثیرگرفت و دولت عراق به شدت تضعیف شد. یکی از دلایل مهم موفقیت آمریکا در تحریم عراق، موقعیت ژئوپلتیک این کشور بود که محاصره عراق را تسهیل می کرد. جنگ اقتصادی محور اصلی تهدید آمریکا علیه ایران است. راهبرد اصلی آمریکا در مقابله با ایران تضعیف توان اقتصادی کشور است. تاکنون سه قطعنامه علیه ایران منتشر شده که محتوای هشتاد درصد آنها اقتصادی است. تحریم تکنولوژی، تحریم بانکی ، تحریم پولی، محاصره بنادر و بازرسی بنادر و کشتی ها همگی ماهیتی اقتصادی داشته و برای محاصره اقتصادی ایران انجام می شود. واشنگتن بخشی را در وزارت خزانه داری ایجاد کرده است که وظیفه اجرا، کنترل، نظارت و مدیریت تحریم های اقتصادی علیه ایران را برعهده دارد. این مجموعه، فعالیت های اقتصادی را رصد و اجرای مفاد قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران را پیگیری می کند و همچنین طراحی مدل های جدید و کامل تر تحریم اقتصادی ایران را نیز در دستور کار دارد. آمریکا مدل تحریم اقتصادی هوشمند علیه ایران را دنبال می کند و سیاستمداران آمریکایی نیز به اجرای این سیاست اذعان کرده اند.
((پایگاه اینترنتی پایداری ملی)) (www.payfarimelli.com)

را سال جهاد اقتصادی در برابر این تهدید اقتصادی قرار دادند، که وقتی ما در تهدید اقتصادی هستیم، محاصره می شویم،

تحریم می شویم و مانند اینها باید یک جهادی شکل بگیرد که در برابر این تهدید بتواند پاسخگو باشد. تهدیدی داریم به نام تهدید نرم و فرهنگی. تهدیدی داریم به نام تهدید بیولوژیک[۲۲] مثلاً شاهد ایـن هسـتیم کـه در حـوزه کشـاورزی، در حـوزه بهداشت و درمان، در حوزه غذا، در حوزه انسان و دام شاهد حوادثی هستیم که اگر ما یک نظام دفاعی بیولوژیک داشتیم می توانست آن را تجزیه و تحلیل کند

---

[۲۲] تهدید بیولوژیک عبارتست از سوءِ استفاده از عوامل میکربی یا فراورده های آنها یا به عبارت جامع تر ، استفاده از عوامل بیولوژیک، به منظور هلاکت انسانها و نابودی دامها یا گیاهان و هر چند افکار و ایده های استفاده از عوامل بیولوژیک به عنوان یک ابزار تهدید قوی و موثر، درسطح محدودی از دیرباز سابقه داشته است ولی اخیرا در سطح وسیعی در محافل پزشکی و بهداشت، مطرح گردیده است، بیش از بیست جنگ افزار بیولوژیک را شناسائی و براساس میزان کارائی آنها، طبقه بندی نموده اند و جدیت موضوع در حدی ست که برخی از کشورها به تولید این سلاح ها پرداخته و بعضی دیگر، پرسنل ارتش خود را علیه برخی از عوامل میکربی بیوتروریسم، واکسینه کرده جهت ارتقاءِ آگاهیهای عمومی و مخصوصا افراد در معرض خطر، قدمهای موثری برداشته اند.

جنگ افزار بیولوژیک (Biological weapon)عبارتست از وسیله ای که به منظور انتشار عمدی ارگانیسم های مولد بیماری یا فراورده های آنها توسط غذا، آب، حشرات ناقل یا به صورت افشانه (آئروسل)، به کار برده میشود. جنگ بیولوژیک (Biological warfare) عبارتست از استفاده از عوامل بیولوژیک، اعم از باکتریها، ویروسها ، گیاهان، حیوانات و فرآورده های آنها به منظور اهداف خصمانه.

ولی در عمل، واژه " بیوتروریسم" را هم به معنی ارعاب و هم به مفهوم جنگ بیولوژیک، مورد استفاده قرار میدهیم. هرچند بیوتروریسم، یکی از معضلات نوپدید بهداشت عمومی و عامل تهدید کننده کنترل عفونت، به حساب می آید.

((وبگاه ناوک)) (www.delkhoooon.blogfa.com)

که چرا ۴ ماه گذشته یک بیماری در منطقه قزوین و منطقه غـرب تهـران و اسـتان مرکزی تمام مرغ های تخم گذار را از بین برده است و ما با یک کمبود جدی تخـم مرغ مواجه شدیم که حالا بخش بازرگـانی تخـم مـرغ را از ترکیـه وارد کـرده ولـی قیمت آن تا ۳ برابر افزایش یافت.

در واقع این تهاجم بیولوژیک بـه زیرسـاخت هـای غـذایی مـا شـده اسـت. یـا مـثلاً آنفولانزای مرغی، یا آنفولانزای خوکی[۲۳] یا سایر انواع آنفولانزا ها که دیدیم ناگهان فراگیر شد و بعد وقتی که سرم آن را فروختند، ناگهان خاموش شد، نشان می دهد که بحث اصلاً بحث پزشکی نیست. بحث بحـثِ تهدیـد در ایـن حـوزه هسـت و مـا بایستی دارای قابلیت های دفـاعی در ایـن حـوزه باشـیم وگرنـه بازیچـه دنیـا قـرار می گیریم.

---

[۲۳] **آنفولانزای مرغی**

آنفولانزای مرغی ماکیان را مبتلا می کند و عامل آن ویروس است .که با ساختار فیزیکی پرندگان سازگار شده است. با وجود اینکه این بیماری مخصوص ماکیان است، اما در سالهای اخیر ظاهر این ویروس به گونه های دیگر جانداران نیز منتقل شده و موجب ابتلای انسانها به این بیماری شده است. در مقابل، ویروس آنفولانزای فصلی بویژه با بدن انسان سازگار میشود. بر خلاف آنفولانزای مرغی، آنفولانزای فصلی به آسانی از فردی به فرد دیگر منتقل می شود و هر ساله جان صدها هزار تن را می گیرد. طبق گزارشها و آمارهای بدست آمده، از آخرین پژوهش ها تا کنون ۱۷۰ تن به بیماری آنفولانزای مرغی مبتلا شده اند که حدود ۹۲ نفر آنها جان باخته اند و تقریبا تمام آنها از منطقه شرق آسیا بوده اند. این ویروس اغلب در فضولات پرندگان یافت می شود و مرغدارانی که این ویروس را تنفس می کنند به آن مبتلا می شوند.

انتقال بیماری از انسان به انسان بسیار به ندرت اتفاق می افتد. آنچه این بیماری را برای انسان خطرناک می کند، این است که ویروس آن به شکلی دچار جهش ژنتیکی و تغییر رفتار شود که بتواند از انسان به انسان دیگر منتقل شود. در نتیجه این امر، شیوع بیماری بسیار گسترده خواهد شد.

خطرناکتر از این وضعیت آن است که ویروس مرغی بتواند فردی را آلوده کند که همزمان به بیماری آنفولانزای انسانی مبتلا است در صورتی که ژن های ویروسهای مرغی و انسانی در این شرایط با یکدیگر ترکیب شوند ویروس می تواند از فردی به فرد دیگر منتقل شود و درنتیجه یک آنفولانزای عالم گیر شایع خواهد شد.

هر موقعی که دلشان خواست یک ویروس را منتشر می کنند و هر موقع که دلشـان خواست آن را متوقف می کنند. آن موقع که منابعش را نداشته باشیم. این به ما چـه می گوید؟ این به ما می گوید که امروز دفاع از کشور یک مفهوم دفـاع همـه جانبـه است، دفاعی که فقط به وسیله نیـرو هـای نظـامی شـکل بگیـرد نیسـت. نظـامی هـا می توانند محور و هسته ای باشند برای اینکه بتوانند تهدید را تجزیه و تحلیل کنند و تمرکز کنند و دنبال کنند ولی دفاع باید دفاع همه جانبـه باشـد. امـروز وقتـی کـه انسجام ملی ما، وقتی که جدا کردن بین مردم و حکومت هدف اصلی دشمن می شود کجا بیشتر از صدا و سیما در این زمینه سهم دارد؟ و اصلاً نظامی ها می توانند از این حوزه دفاع کنند؟ اصلاً این حوزه اقدام برای آنها نیست.

در واقع این یک تهدید جدی و بسیار پرخطری است ولی کارکردش در حوزه رسانه است. یعنی رسانه یک ابزار دفاعی در برابر این نوع تهدید است و یک ابزار تهاجمی در حوزه کارکرد خودش است.

امروز رسانه نمی تواند بگوید: من به دفاع ربطی ندارم. من بـه امـورات رسـانه ای و سرگرمی مردم ارتباط دارم و حوزه من فقط بازی و سرگرمی است. این طور نیست. امروز، رسانه ماهیتاً خودش یک بخش دفاع است.

تقریبا هیچ فردی به طور طبیعی در برابر ویروس جدید مصونیت نخواهد داشت. در حالی که این ویروس می تواند ظرف ۶ ماه به همه مناطق جهان برسد.

آنفلوآنزای خوکی

آنفلوآنزای خوکی (swine flu) یا آنفلوآنزای نوع آ یک بیماری تنفسی و ناشی از ویروس آنفلوآنزایی نوع A است که باعث شیوع آنفلوآنزا در میان خوک‌ها می‌شود.ویروس آنفلوآنزای خوکی به طور طبیعی انسان‌ها را آلوده نمی‌کند. اما مواردی از عفونت انسان‌ها با ویروس‌های آنفلوآنزای خوکی و انتشار انسان به انسان آن‌ها گزارش شده است. به گفته کارشناسان CDC این نوع جدید ویروس قابلیت انتقال انسان به انسان را دارد، اما هنوز روشن نیست که آیا انتقال انسان به انسان این ویروس آنقدر ساده هست، که یک همه‌گیری جهانی (پاندمی) آنفلوآنزا به وجود آید یا نه. چنین همه‌گیری جهانی ممکن است به مرگ میلیون‌ها نفر بینجامد، چرا که بدن انسان‌ها ایمنی لازم برای مقابله با این ویروس جدید را ندارد.

((پایگاه اینترنتی سیمرغ)) (www.seemorgh.com)

اگر قرار است از انسجام ملی دفاع شود، اگر قرار است رابطه بین مردم و دولت که یک رابطه بسیار اساسی است، حفظ بشود حتماً اساسی ترین محور آن، محور رسانه و صدا و سیما است.

این مدل تحقیق که شکل گرفته است، نشان می دهد که ما بایـد در تمـام ایـن ایـن حوزه ها برای خودمان یک پلان و طرح دفاعی داشته باشیم. این دفاع چگونه باشد؟ با چه چارچوبی باشد، باید راجع به آن موضوع و چـارچوب صـحبت کنـیم. در واقـع می خواهیم بگوئیم که دفاع از کشور در برابر تهدیدات کـه تهدیـدات همـه جانبـه است، باید دفاع همه جانبه باشد، به شکلی که هر کسی مواظب خودش باشد.

مدل تصویری نظریه حلقه های استراتژیک واردن

آقای سرهنگ جان واردن، افسر نیروی هوایی امریکا بوده و برای حمله کـردن بـه کشور های دیگر یک مدل ارائه داده است. او می گوید اگر بخواهید یـک کشـور را منهدم کنید باید چکار کرد. در این مدل کشور را به یک انسان تشبیه کرده اند.

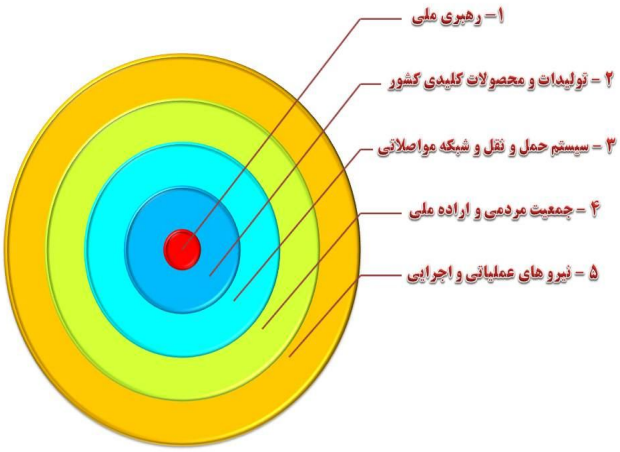

حلقه های استراتژیک واردن

می گویند، یک کشور یک سیستم یکپارچه است مانند بدن انسان که یـک سیسـتم یکپارچه است. بعد بخش های یک کشور را در قالب ۵ تا حلقه داخـل هـم و متحـد المرکز قرار داده اند، و در ایـن حلقـه هـای ۵ گانـه، در واقـع موضـوع بحـث نحـوه برخورد با یک کشور یا کشور ها طراحی و ابداع شده است. اگر شما دقت کنید مـی بینید که، از این مدل ۵ گانه در جنگ کـوزوو هـم اسـتفاده شـد. هـم در داسـتان و ماجرای یوگسلاوی و هم در سال ۲۰۰۳ حمله به عراق. در این مدل با کنار هم قرار دادن این ۵ حلقه می گویند که کشور یک قسمت رهبری دارد، که ایـن بـا سیسـتم مغز انسان مقایسه می شود. می گوید که اگر می خواهید انسان را از کـار بیندازیـد، بهترین جا از کار انداختن مغز انسان است. در کشور مغز چیست؟

۱. سیستم رهبری و مدیریت کشـور ۲ . فرمانـدهی نظـامی – قرارگـاه هـای عمـده نظامی ۳. سیستم تصمیم سازی و تصمیم گیری

در واقع این ساختار نظام رهبری یک کشور است. پس اولین جایی که مورد حملـه و اصابت قرار می گیرد سیستم مرکزی و رهبری است. که این را به این سیستم تشبیه کرده اند و می گویند که ما می توانیم چنین شکلی را ایجاد کنیم و اگر بتوانیم مغز و سیستم عصبی را بزنیم و مورد اصابت قرار دهیم، سیستم اصابت از کار می افتد.

مدل تحول یافته تهدیدات علیه کشور

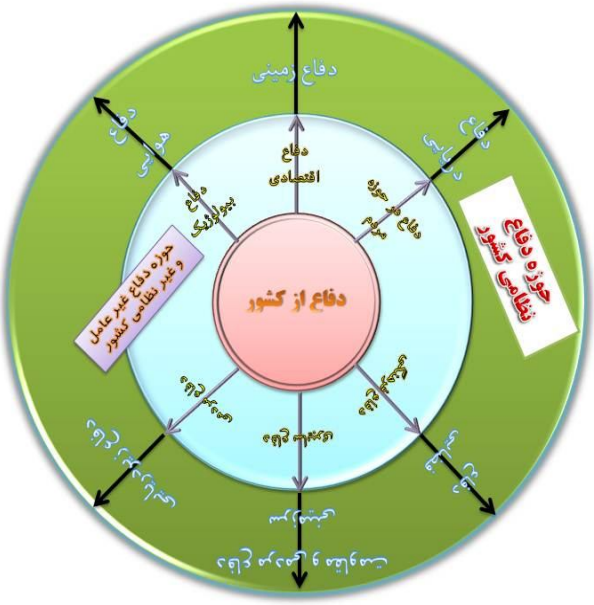

۶-مدل کلی دفاع همه جانبه از کشور

من به خاطر می آورم که در جنگ ۲۰۰۳، وقتی امریکائی ها به عراق حمله کردنـد، وزیر خارجه روسیه به کرمانشاه آمد و از آنجا با ماشین به بغداد رفت و برگشـت و در کرمانشاه با او صحبت کردند. او گفت : با صدام که ملاقات کردم، احساس کردم ما که روسیه هستیم، اطلاعاتمان از کشور عراق از صـدام بیشـتر اسـت. یعنـی تمـام مسیر های ارتباطی به صدام را قطع کـرده بودنـد و او تنهـا مانـده بـود. خـودش در پناهگاه پنهان کرده بود که آسیب نبیند، ولی دیگر نمی توانست رهبری و فرماندهی کند و کلاً رهبری اش مختل شده بود. در سال ۱۹۹۲ که جنگ اول خلیج فارس بود یادم هست که به همراه شهید احمد کاظمی (رحمت الله علیه) به منطقه جنـوب رفتـه بودیم، و در آن زمان یک آماده باش به نیرو های مسلح در ارتباط با آن جنگ داده بودند.

ما به سمت العماره (جزائر مجنون) با ماشین به همـراه بچـه هـای سـپاه بـدر عـراق رفتیم، یعنی همراه رزمندگان عراقی سپاه بدر، برای اینکه از اوضـاع آنهـا بـا خبـر شویم دیدیم که رزمندگان عراقی مخالف صدام ۴ نفر از فرمانده لشگر های عراقی را اسیر کرده بودند

و ما آنها را به اهواز آوردیم. چون در زمـان جنـگ بزرگتـرین مقـامی کـه مـا اسـیر کردیم یک فرمانده تیپ بود. آنجا ۴ فرمانده لشگر و یک فرمانده سـپاه عراقـی را اسیر کرده بودند و به اهواز انتقال داده شد. خدا شهید احمد کـاظمی را بیـامرزد، از آنها سؤال می کرد، چطوری شما از نیـروی زرهـی و تانکهایتـان اسـتفاده نکردیـد؟ چطوری نتوانستید سیستم تان را جمع کنید؟ در پاسخ فرمانده عراقی شروع می کرد به گریه کردن. می گفت ما کاملاً رها بودیم. ما مستأصل بودیم، تمام ارتباط ما قطـع شده بود، تمام ارتباطاتمان و تدارکاتمان قطع بود. همه چیز ما قطع بود.

یعنی سیستم شبکه فیبر که ما راجع به آن صحبت می کنیم و به آن شبکه ارتباطات و سیستم موازی می گوئیم، کلاً قطع بود و ما اصلاً نمی توانستیم ارتباط برقرار کنیم و مستأصل بودیم. ۴ فرمانده لشگر گریه می کردند. در واقع این مدل طرف و هدف را به سمت استیصال به این شکل می برد. حلقه سـوم محصـولات کلیـدی و اساسـی کشور هست.

آن چیز هایی که کشور به آن وابسته می باشد در صورت قطع آنها کشور می تواند آسیب ببیند کـه زیـر سـاخت هـای کشـور را در برابـر ایـن رده بنـده مـی کننـد و می گویند که چه چیز هایی هستند؟ حلقه چهارم، در واقع روح و روان اسـت، یعنـی بحث روانی و به کارگیری مردم هست. و حلقه پنجم هم اجزاء سلولها هست. یعنـی اهداف تاکتیکی. یعنی شما مشاهده کنید که اهداف تاکتیکی، حتی نظامی در اولویت پنجم قرار می گیرد. ولی اهداف استراتژیک در اولویت اول مـی باشـد. آمریکائیهـا این مدل را در ۴ یا ۵ جنگ آزمایش کردند. بعـد معلـوم شـد کـه در بعضـی جاهـا جواب می دهد و کار می کند و در بعضی جاها هم مشکلاتی دارد. درباره کشـور مـا که محاسبه کردند، یک نظریه جدید ارائه کردند، اسم آن نظریـه جدیـد را "نظریـه جدید مراکز ثقل" گذاشتند، که در واقع نام اصلی آن نظریـه واردن، نظریـه مراکـز ثقل بود. اسم آن را جنگ بی قاعده گذاشـتند، یعنـی Irregulur war جنگـی کـه قاعده ندارد. این جنگ را در برابر جنگ با قاعده یا کلاسیک مقایسه کردند.

این جنگ را در جایی دیگر آزمـایش کردنـد، مـن یـک نمونـه آن را برایتـان ذکـر می کنم. بعد این نظریه را برای جمهوری اسلامی ارائه دادند که برای برخورد و با ما این نظریه اصل قرار می گیرد.

امریکائی ها از بعد از جنگ جهانی دوم تجربه جنگ با همه کشور ها را دارند، یکـی از تجربیات گرانبهای آنها این است که هر جـایی کـه مـی خواهنـد برخـورد کننـد، نبایستی با مردم رو در رو شوند و با آنها برخورد کنند.

تصویر شماتیک از نحوه عملکرد جنگ بی قاعده و مقایسه آن با جنگ متقارن

(ترجمه شده از مرکز جنگ بی قاعده، ویرجینیا، آمریکا)

(USMC CENTER FOR IRREGUALR WARFARE)

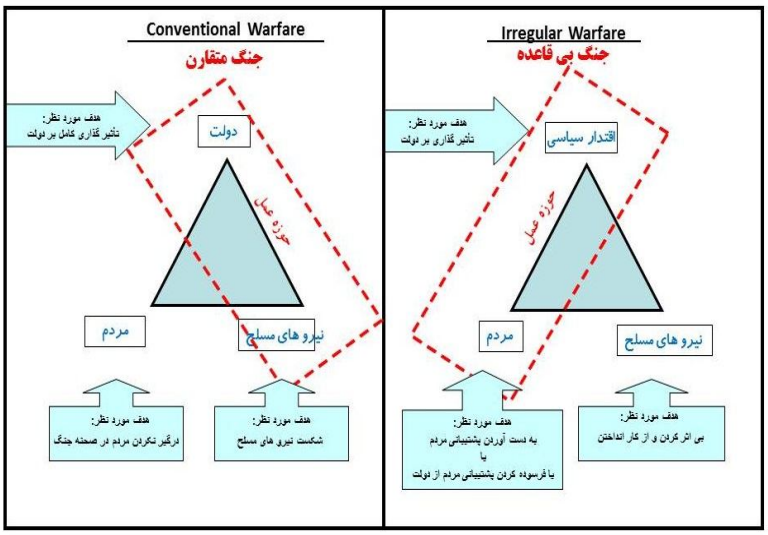

برای اینکه مردم پشت دولت و حکومت متمرکز می شوند و تا نفر آخـر بـا دشـمن می جنگند. این چیزی است که سیر طبیعی تمام جنگ ها است. اگر بـا یـک دشـمن خارجی روبه رو شوند همه متمرکـز مـی شـوند و بعـد همـه بـا دشـمن مـی جنگنـد. می گویند نباید اجازه دهیم که در رویارویی و بر خورد مردم آنجا با دولت یکپارچه شود و با ما بجنگند. می گویند، خوب پس جابجایی حکومت را چکـار کنـیم؟ جنـگ های نسل چهارم، یک فرق دیگر با جنگ های نسل سوم دارد. در جنگ نسل سـوم هدف هایش، هدف های تاکتیکی و هدف های جغرافیایی می باشد. مثلا تصرف فلان تنگه، تصرف فلان سرزمین، تسلط نقاط مهم، تسلط رودخانه. در جنـگ هـای نسـل چهارم دیگر اینها هدف نیست. می گویند تغییر نظام سیاسی کشور هدف می باشـد، می گویند changing the regime.[۲۴] یعنی تغییر نظام سیاسی. خب، نگاه کنید، را که فقط نیروی نظامی نمی تواند حفظ کند، بخش زیادی از آن ارتباط بین دولت و مردم است. ارتباط دولت و مردم در واقع یک ارتباطی است که اگـر بتـوان آن را از هم جدا کرد، حکومت به هم می خورد. آن چیزی که به عنوان رژیم سیاسی تعریف می شود یا به عنوان حکومت تعریف می شود. چون اگـر بگـوئیم دولـت فـرق بـین Government و state قائـل شـویم. State یعنـی حکومـت،Government یعنی دولت. هر دوی این واژه را در انگلیسی دولت می گویند. ولی این دولت یعنی هیئـت دولـت و وزراء Government، آن یکـی یعنـی حکومـت، مجموعـه قـوا و مجموعه حکومت. حکومت را رابطه بین مردم و دولت می گویند، تعریف می کنند.

---

[۲۴] مدل تغییر رژیم رئیس جمهور باراک اوباما، به دیگران (دول دیگر) اجازه تحرک عمل و کار را تا زمانی می دهد که ما (دولت آمریکا) برای آنچه آنها انجام می دهند اعتبار و منابع لازم را به دست آوریم.

این امر هزینه جانبی روش تغییر نظم بین المللی است که نیرو های محلی را به همراه کشور هایی که می خواهند در این زمینه تلاش و حرکت سخت کوشانه را متعهد شوند، آماده می کند.

این یک استراتژی است که اساساً برای ایجاد تغییر به دیگران بستگی دارد و تصدیق می کند که ما تغییر هیچ دولتی را به زور و اجبار انجام نخواهیم داد. مگر اینکه شرایط شورش محلی و تلاش واراده چند ملیتی در آنجا برای تغییر وجود داشته باشد.

((پایگاه اینترنتی سیاست خارجی(آمریکا))) (www.forignpolicy.com)

دولت از مردم پشتیبانی می کند، مردم از دولت حمایت می کنند و نیاز های مردم را تأمین می کند. و مردم چه؟ مردم اطاعت و پشتیبانی از دولت. اگر جایی هم دولـت احتیاج داشت مردم به آن کمک کنند. این رابطه را باید به هم بزنند.

نقشه کشور یوگسلاوی در حمله ناتو

(در نقشه آرایش نیرو های ناتو و اهداف آنها مشخص شده است)

در یوگسلاوی یک مدل را عمل کردند.[۲۵] مدلش چه بود؟ آقـای میلوشـویچ، رئـیس

[۲۵]ویلیام انجل در کتاب جدیدش تحت عنوان طیف کامل تسلط: دمکراسی توتالیتارینی در نظم نوین جهانی شکل نوینی از جنگ پنهانی امریکا را که اولین بار در سال ۲۰۰۰ در بلگراد صربستان آن‌را انجام داد مطرح کرده است. سازمان های اصلی‌ای که در بلگراد درگیر بودند شامل بنیاد ملی دمکراسی و مؤسسه بین‌المللی جمهوری‌خواهان و مؤسسه ملی دمکراسی بودند. آنها به عنوان اِن.جی.اُهای مستقل مطرح بودند اما در واقع آنها سازمان‌هایی بودند که توسط امریکا ایجاد شدند و وظیفه داشتند با روش‌های غیر خشونت‌آمیز، اعتراض‌های وسیع خیابانی، تبلیغات وسیع رسانه‌ای و هر چیز دیگری که باعث ایجاد درگیری‌های نظامی مختصری شود ایجاد تغییرات در رژیم را تحریک کنند.

انجل در کتاب خود به مقاله‌های مایکل دابز در واشنگتن‌پست اشاره کرده که وی در آنها به چگونگی براندازی اسلوبودان میلوسویچ رئیس جمهوری صربستان که در طول جنگ‌های بالکان در دهه ۱۹۹۰ و هفتاد و هشت روز بمباران ناتو در سال ۱۹۹۹، نتوانسته بودند دولتش را ساقط کنند و استفاده بیل کلینتون از تظاهرات‌های خیابانی برای این مسئله، آن را توضیح داده است. یک مبارزه انتخاباتی ٤١ میلیون دلاری توسط ریچارد میلز سفیر امریکا قدرت میلوسویچ را به پایان رساند. یک گروه مشاوران توسط امریکا ایجاد شد که هر چیزی را از جمله آراءِ مردم را جابه‌جا کردند و به هزاران فعال مخالف آموزش دادند و به سازماندهی کردن نوعی شمارش آرا موازی کمک کردند (استفان لندمن ، ۲۰۰۹). در صربستان سال‌ها طول کشید تا توانستند نوعی انسجام و یکپارچگی در اجتماع ایجاد کنند. ابتدا سازمانی تحت عنوان "جنبش دانشجویان" به وجود آمد. نماد این جنبش یک مشت گره کرده بود که بر روی لباس‌های گروه دیده می‌شد؛ بر روی در و دیوار هم از این نماد استفاده کردند (ویژه‌نامه عبور از فتنه، آذر ۱۳۸۸ ص ٨٤ و ٨٥). هزاران قوطی رنگ‌پاش به وسیله فعالان دانشجویی برای نوشتن تبلیغات ضد میلوسویچی بر دیوارهای صربستان استفاده شد و در سراسر کشور حدود ۲/۵ میلیون بر چسب که روی آن نوشته بود او تمام شده است توزیع شد. اقدامات آماده‌سازی که شامل آموزش تکنیک‌های مخالفت غیر خشونت‌آمیز به رهبران مخالف در سمیناری در بوداپست مجارستان در موضوعاتی مانند سازماندهی اعتصاب‌ها، ارتباط برقرار کردن با نمادها ...، غلبه بر ترس و تضعیف اقتدار رژیم بود نیز انجام شد. کارشناسان امریکایی که در مؤسسه رند مشغول بودند مسئول یکی کردن مفاهیم حرکت گله‌ای بودند (استفان لندمن، ۲۰۰۹).

میلوسویچ در ابتدا به دو دلیل اصلی در قدرت باقی ماند: او از حمایت وسیع داخلی در خارج از بلگراد، و از وفاداری کامل نیروهای امنیتی در صربستان در آن زمان برخوردار بود: سربازان وزارت کشور و سازمان‌های شبه نظامی مختلف (استراتفور، ۲۰۱۰).

اما سرانجام مخالفین صربستان دو استراتژی را به کار بردند که در نهایت باعث سرنگونی حکومت میلوسویچ شد: همکاری و سازش با عناصر رژیم میلوسویچ.

جمهور کشور یوگسلاوی بـود و داشـت مـی جنگیـد. آمریکائیهـا یـک دولـت سـایه درست کردند، یک اپوزسیون داخلی را در داخل کشور به رسمیت شناختند و با آن ارتباطات برقرار کردند و گفتند که ما شما را قبول داریـم. ایـن را بـه عنـوان محـور توسعه داخل کشور قرار دادند. بعد طراحی جنگ را شروع کردند بر اساس نـاتوان سازی دولت در اداره مردم، این طراحی را انجام دادند.

همکاری مشترک متقاعد کننده کارگران صنعتی و کارگران معدن مرکزی صربستان و همچنین ملی‌گرایان صربستان که علیه میلوسویچ اعتراض می‌کردند بیشتر از حرکت دانشجویانی که علیه حکومت اعتراض می‌کردند مؤثرتر بود. مأموریت مرکزی گروه مخالف دانشجویی به همکاری پذیرفتن هر کسی از اعضای اتحادیه کارگری بود که بتواند میزان مخالفت‌ها را در مقابل دولت افزایش دهد. همچنین آنها در انتخابات ۲۰۰۰، کوشتونیکا را که اساساً ملی‌گرا و متمایل به صربستان شمالی (منطقه وجودینا) بود کاندیدا کردند.

در عین حال، آنها از طریق مذاکره، سازش با نیروهای شبه امنیتی و دادن تعهد به آنها مبنی بر داشتن یک جایگاه مناسب در صربستان آینده که دمکراتیک و طرفدار غرب خواهد بود آنها را به مخالفت علیه حکومت میلوسویچ سازماندهی کردند (استراتفور، ۲۰۱۰). سرانجام در ۵ اکتبر ۲۰۰۰ اسلودان میلوسویچ رئیس‌جمهور وقت صربستان در میان تظاهرات و اعتراضات صدها هزار نفر در بلگراد مجبور به استعفا شد (بارسقیان، مرداد ۱۳۸۶، ص ۳۱). پیروزی این انقلاب بدون پوشش وسیع رسانه‌های جمعی داخلی و خارجی در کنار حضور فعال نهضت مقاومت جوانان (اتپور) و نهادهای غیردولتی و در نتیجه حضور توده‌های مردم در صحنه محقق نمی‌شد.

حضور فعال رسانه‌ها و اهمیت آنها در این انقلاب را از آنجایی می‌توان درک کرد که نام این انقلاب را انقلاب بولدوزر هم گذاشته‌اند. دلیل آن هم این بود که یکی از معترضین در تظاهرات طرفداران انقلاب، بولدوزر خود را آتش زد و آن را به طرف ساختمان تلویزیون صربستان هدایت کرد و این ساختمان را به آتش کشید (ذاکری خطیر، ۱۳۸۸).

میلوسویچ با یک کودتای موفقیت‌آمیز بر اساس سیاست دفاعی امریکا در زمان رامسفلد و با به کارگیری استراتژی حرکت گله‌ای از کار برکنار شد. بلگراد نمونه اولیه انقلاب رنگی‌ای به شمار می‌رود که واشنگتن در پی آن بود.

((تأثیرات روانی رسانه‌های نوین بر استراتژی حرکت گله‌ای امریکا)) (رضی عمادی)

یعنی می شود: استراتژی فلج سازی دولت. منظورم از دولت هیئـت دولـت نیسـت، منظورم حکومت است. فلج سازی یعنی چه؟ یعنی اگر دولت مـی خواهـد بـه مـردم پاسخ دهد با چه باید پاسخ دهد؟ مردم چه می خواهند؟ آب و برق و نـان و از ایـن دست نیاز ها. خوب، آب و برق و زیر ساخت ها را هدف قرار دادند تا دولت نتوانـد این نیاز ها را پاسخ دهد و پاسخگو باشد.

تصاویر بمباران بلگراد در شب توسط نیرو های ناتو

حملات هوایی و بمباران سنگین و شبانه روزی ناتو

آمریکائیها اولین بار در جنگ بالکان، از یک بمبی به نام "بمب گرافیتی"[۲۶] استفاده کردند. این بمب گرافیتی اساساً بمب نیست، لایه های تقویت شده کربن است.

مانند موی سر انسان بلند که قدرت مقاومت در برابر ولتـاژ بـالا را دارد و وقتـی بـر روی شبکه های برق می افتد، اتصـال برقـرار مـی کنـد و شـبکه هـای بـرق منفجـر می شود و این بمب را به صورت چتری پرتاب می کنند و بر روی نیرو گاه های برق فرود می آید.

باعث از بین رفتن و قطع برق می شود و در واقع یکی بمب ضد سیستم بـرق تولیـد کردند و برای اولین بار استفاده کردند. برق را قطع کردند که دولت نتواند به مردم سرویس بدهد.

---

[۲۶]بمب های گرافیتی این بمب ها نوعی مهمات غیر کشنده هستند که اولین بار در جنگ ها کزوو و ضربستان مود استفاده قرار گرفتند در واقع این بمب ها به دنبال نیاز نیروی هوایی آمریکا به بمب هایی که در عین حالی که اثر نامطلوبی بر روی انسان ندارد باعث ازکار افتادن ژنراتور های برق و خطوط انتقال نیرو میگردد. اما پیشینه ی این بمب ها به دهه ی ۷۰ برمی گردد که قرار بود در جریان آزاد سازی گروگانهای سفارت آمریکا در تهران از این بمب ها استفاده گردد عملکرد این بمب ها به این گونه بود که بر اساس تاثیر رشته های گرافیت کربن در اتصال قطب های مثبت و منفی منابع تولید و توزیع الکتریسیته استوار بود.

این سلاح همچنین در جنگ علیه عراق(سال ۹۱) به دفعات استفاده شد البته بطور مکمل با موشک های کروز تاماهاوک بدنبال نیاز برای تکامل این جنگ افزار قرار شد از یک بمب فرعی BLU-۱۱٤درون بمب های خوشه ای CBU-۹٤/B استفاده گردد تا بتوان بشکل بهتر بمب ها را با استفاده از بمب های خوشه ای پراکنده کرد و میزان آسیب وارده را دوچندان نمود.

اما عملکرد به اینگونه بود که بمب های BLU-۱۱٤ پس از انفجار بمب مادر با استفاده از چتر کوچکی تاخیر انداز سرعت سقوط و بدنه استوانه ای کربنی خود پس از انفجاری کوچک در ارتفاعی معین الیاف کربن بصورت رشته ای در هوا پراکنده می شوند.

در مدل های بعدی کربن بصورت پودر پخش میشد و بتدریج به منابع الکتریسیته نفوذ کرده و باعث اتصال الکتریکی و از کار افتادن موتور های برق می شد زمان پخش این مواد در هوا بین ۵ دقیقه تا نیم ساعت بود.

((پایگاه اینترنتی شبکه تحلیل نظامی آمریکا)) (www.fas)

تصویر بمب گرافیتی

رشـته هـای فیبـر کـربن در تصـویر بـه خوبی مشخص است

در جنگ ۳۳ روزه، یـک استراتژیسـت رژیـم اشـغالگر قـدس نوشـته بـود کـه مـا هدفهایی را که در لبنان از بین بردیم، ۴۰۰ مایل جاده، ۲۷۱ عدد پل، ۸۰ بانک، ۲ بیمارستان و ۷۳ مدرسه و مراکز آب و فاضلاب.

اگر شما این آمار اهداف را ریز و لیست کنید می بینید کـه اهـداف نظـامی نیسـت. برای فهم اینکه بدانید دشمن چکار دارد مـی کنـد و چکـار مـی خواهـد بکنـد بایـد تحلیلی داشته باشید که دشمن کجا ها را مورد هدف قرار می دهد؟ وقتی این اهداف را می زند فاضلاب را چرا مورد هدف قـرار مـی دهـد؟ زدن فاضـلاب بـرای نـاتوان سازی دولت در مقابل نیاز مردم است. آب برای چه؟ هـدف قرار دادن سیستم آب برای این که مردم تحت فشار قرار گیرند.

در واقع اینجا میتوان استراتژی فلج سازی دولت با محوریت مردم را درک کرد. بـا مردم برخورد نمی شود. اسم های زیبایی برای آن گذاشته اند. یک جـا اسـم آن را Clean War[۲۷] گذاشته اند. یعنی جنگ تمیز. جنگی که آمریکائیها برای خودشان تعریف می کنند، می گویند، بمب ها و سلاح های ما آنقدر دقیـق و هـدایت شـونده است که کشور را مثل یک بدن و پیکر تجسم می کنند و می گویند کـه یـک غـده سرطانی در آن وجود دارد،

---

[۲۷] جنگ‌ها در ابتدا مدل و شکل عمومی داشت و قدرت‌های نظامی با ایجاد تلفات در افراد غیرنظامی و شهرها هدف مورد نظر را منهدم می‌کردند؛ ولی فشار افکار عمومی از یک سو و رعایت جنبه‌هایی از حقوق بشر و مسایلی چون صلح دوستی، باعث شد تا بشر تلاش کند با کمترین تلفات و خسارت هدف مورد نظر را به دست بیاورد؛ از این رو مدل‌های جدیدی از جنگ‌ها با استفاده از فناوری‌های نوین ظهور کرد و در نبردها بر اساس آن عمل کرد.

در این مدل حوزه‌های نظامی کاملا تخصصی است، به این معنی که با استفاده از فناوری‌های نوین به منظور ایجاد حداکثر قدرت، دقت و تداوم؛ تلاش می‌شود با کمترین تلفات بیشترین بازدهی به دست آید. از این رو این نوع نبردها به جنگ پاک (Clean War) معروف هستند. این مدل را می‌توان نسل چهارم سیستم‌های نظامی ذکر کرد که یکی از مهم‌ترین مولفه‌های آن فناوری است.

((پایگاه اینترنتی سازمان عقیدتی سیاسی ارتش ج. ا. ا.)) (www.farhangedefa.ir)

ما برای از بین بردن این غده سرطانی که تمام این بدن را با منفجر نمی کنـیم و از بین نمی بریم. ما با چاقو های ظریف و تیغ های جراحی، بند بندی که بـه ایـن غـده سرطانی متصل هست را جدا می کنیم و این غده را بیرون می اندازیم و به هیچ بافت دیگری آسیب نمی رسانیم و اسم ایـن رClean War گذاشـته انـد، یعنـی جنـگ تمیز. جنگ تمیز یعنی بمب های ما با مردم کاری ندارد، بمب هـای مـا فقـط هـدف های خودش را می زند که از قبل مشخص شده اسـت، و بایـد مشخصـاً دنبـال کنـد. یعنی دولت را در برابر اداره امور مردم ناتوان کنید و بـه وسـیله اینکـه ابـزار اداره مردم از دولت گفته شد و دولت یکـی ویژگـی دارد، اداره مـردم وظیفـه اش اسـت، تأمین نیازمند های آنها و پاسخ به نیاز ها و خواستهای مردم. ابزار دولـت چیسـت؟ زیر ساخت های دولت. اگر این زیرساخت ها از دولت گرفتـه شـود. دولـت قـدرت اداره ندارد. از طرف دیگر با ابزار های عملیـات روانـی شـروع بـه تحریـک مـردم می کنند، در درون مردم عناصر ضعیف را محور قـرار دادن، شـوراندن مـردم علیـه دولت و بعد مردم بروند و دولت را عوض کنند. همین کار عیناً در یوگسلاوی انجام شد که آقای میلوشویچ وقتی فشار مردم رویش زیاد شد دولت را رها کـرد و فـرار کرد به کشور همسایه. حالا آن نظریه را که در آن زمان نظریه و بحث اولیـه بـود را در برابر کشور ما توسعه داده اند و این عملیات را که من مقدماتش را ذکـر کـردم، به عنوان یک عملیاتی که با محور مردم هست، بعنوان مدل تهدید مطرح مـی شـود. آمریکائیها می گویند، "استراتژی های جنگ بی قاعده را دشمنان مـا بـا بکـارگیری ترکیبی از قابلیت های غیر کلاسیک خرابکارانه، سنتی و فاجعه بار دنبال می کنند تا موجبات تضعیف و فرسایش در برتری در اراده آمریکا ایجاد شود. تقابل بـا چنـین رویکرد هایی نیازمند به تلاش های هماهنگ از سوی ابزار های مختلف قدرت ملـی است که اینجا فقط قدرت نظامی نیست، همه ابزار ها. جنگ بی قاعده به عنوان نبرد خشونت آمیز بین نیـرو هـای دولتـی و غیـر دولتـی بـا هـدف کسـب مشـروعیت و تأثیرگذاری بر مردم ایجاد می شود." یعنی محور این نظریه مـردم اسـت. در واقـع عملیات را مردم محور دنبال می کنند. البته می گویند که با این وجود ممکـن اسـت،

سلاحها، نیرو های نظامی و قابلیت های دیگر به منظور ایجاد فرسایش در نیروهـای دشمن و تضعیف در آنها و برتری شان به کار گرفته شود. آنچه ما از ایـن موضـوع درک می کنیم این است که مفهوم جنگ عوض شده است. آنچه از جنگ در ذهن ما بود کاملاً فرق کرده است.

دیگر این طور نیست که ما یـک خـاکریزی بـزنیم و بگـوئیم ایـن طـرف جمهـوری اسلامی و آنطرف دشمن. در این طرف خاکریز همه در کنترل ما باشند، مـا خـاکریز می زنیم ولی صدای دشمن فراتر از خاکریز ما در ذهن مردم مان کار مـی کنـد. بـه وسیله امواج، به وسیله رسانه، به وسیله امور روانی، مردم را مـی توانـد تحـت تـأثیر قرار دهد.حالا چقدر، بستگی به تنبلی و قدرت ما دارد. چقدر ضعف و چقـدر قـدرت ما در این زمینه داریم. ولی دیگر خاکریز را نمی توانیم بگذاریم، کسی نیاید و عبور نکند و امور روانی مردم ما را خراب نکند.

از طریق رسانه ارتباط برقرار مـی شـود، مـردم مـی تواننـد تحریـک شـوند، مـردم می توانند به سمت موافق یا مخالف کشیده شوند. پس اینجا در واقع مردم بیشتر از نظامیان و تکنولوژی پیشرفته در موفقیت جنگ بی قاعده نقش دارند.

موفقیت در جنگ بی قاعده بستگی به روابط، اطلاعـات موجـود از منـابع مـورد نظـر دارد، پس این موفقیت نیازمند صبر و پایداری است. یعنی آن شدت عمل و سرعتی عملی که ما در جنگ نظامی به دنبالش هستیم، ممکـن اسـت بـه وجـود نیایـد، یـک مقدار صبر می خواهیم. به عبارت دیگر جنگ بی قاعـده در سـطح اسـتراتژیک بـر مردم و کنترل آن متمرکز است. در سطوح عملیاتی آن از حرکت غیر مستقیم برای طرح ریزی استفاده می شود. در سطوح تاکتیکی از تاکتیک ها و روش های متفاوت ازعملیات متعارف و کلاسیک استفاده می شود.

۷- تقسیم بندی حوزه های پدافند

در واقع اینجا دوباره بر این بحث تأکیـد دارد و مـی گویـد: هـدف قـرار دادن زیـر ساخت های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی یا امنیتی که موجب نارضایتی مردم بشود، به جای استفاد مستقیم از نیروی نظامی در تقابـل بـا نیـرو هـای نظـامی و شـبه نظـامی دشمن.

هر دو رویکرد معتقد است استفاده مسـتقیم از نیـروی نظـامی چنـدان تـأثیر گـذار نیست. منظورش این است که مفاهیم پدافند غیر عامل که اشاره شد،

مثلا مانند کاهش آسیب پذیری باید در سطح ملی انجـام گیـرد. از ایـن صـحبت مـا استفاده می کنیم که در واقع پدافند غیر عال چند لایه و چند سطح بندی است.

اگر شما به جدول زیر دقت کنید، صفحه یا ستون اول که در این سـطح بنـدی قـرار دارد، یک سطح راهبردی هست.

جدول سطح بندی راهبردی پدافند غیر عامل

در سطح راهبردی پدافند غیر عامل یعنی آنجایی که ما می خواهیم این ۴ و ۵ کلید واژه که عبارتند از: افزایش پایداری، کاهش آسیب پذیری، تسهیل مدیریت بحران و ... که ذکر شد، در سطح ملی انجام بدهیم و مثلاً می خواهیم برنامـه توسـعه گـاز کشور را تنظیم کنیم.

بسیار خوب اینجا که اصلاً نمی توانیم راجع به پناهگاه و اینطور چیز ها صحبت کنیم، می گوئیم می خواهیم گاز را چطوری توزیع کنیم؟ یک جوری توزیع کنیم که:

۱. **آسیب پذیری در کشور تولید نکنیم.**
۲. **آسیب پذیری هایمان را افزایش ندهیم.**

اگر ما بخواهیم این کار را بکنیم باید بفهمیم کـه آسـیب پـذیری چیسـت؟ آسـیب پذیری هایمان چه چیزی هایی است و باید چکار کنیم. شناخت آسیب پذیری ها در سطح ملی در واقع یک کار بسیار مهم و اساسـی اسـت. مـثلاً اگـر بخـواهیم برنامـه توسعه نفت بدهیم، خوب برویم با همان لایه های قبلی که داشتیم ادامه بـدهیم؟ یـا نه، بیائیم و آسیب پذیریمان را کم کنیم، چون در سطح راهبردی می خواهیم مطرح کنیم.

مثلاً می خواهیم بگوییم به این استان بدهیم یا آن استان، خیلی هم با هم فرق نمـی کنند، حالا ممکن است چند درصد هم کـم یـا زیـاد بشـود، ولـی کـدام مـا را پایـدار می کند؟ کدام آسیب پذیری ما را کم می کند و کدام زیاد؟ که این خیلی مهم است. مسئول این کار ها چه کسانی هستند؟ دستگاه هـای راهبـری کشـور، مثـل مجلـس، رهبری، رئیس جمهور، دولت، مجمع تشـخیص مصـلحت نظـام، سـطح عـالی وزارت خانه ها، معاونت راهبردی رئیس جمهور. اینها هستند که در واقع برنامـه راهبـردی کشور را تنظیم می کنند. حتی در استانها، استاندار و مسئولین که برنامـه راهبـردی استان را تنظیم می کنند، یعنی آن کسانی کـه کارشـان از جـنس برنامـه اسـت. مـا می خواهیم برنامه آینده استان، برنامه آینده وازرتخانه، برنامه آینده کشور را تنظیم کنیم. باید پدافند غیر عامل را در ذات برنامه پـیش بینـی کنـیم. یعنـی بایـد چکـار کنیم؟

۱. **تهدید شناسی کنیم. مثلاً می خواهیم گاز تولید کنیم، تهدیدات در آینـده سمت و شکلش چگونه است؟ تأثیرش بر گاز چگونه اسـت و اگـر تـأثیر دارد، ما طوری کار کنیم که این تأثیر را به حداقل برسانیم.**
۲. **می خواهیم آسیب پـذیریمان را کـم کنـیم، بایـد ببینـیم آسـیب پـذیری موجود چیست؟ شناسایی بشود طـوری برنامـه ریـزی بکنـیم کـه آسـیب پذیری کم بشود.**

۳. با اقدامات برنامه تهدید را مدیریت کنیم، یعنـی تهدیـد را کنتـرل کنـیم، کاهش دهیم، ریسکش را کم کنیم، و به حداقل برسانیم، خب جنس همـه اینها چیست؟

جنسش برنامه ریزی است که ما می گوئیم ماهیت اقدام:

۱. سند چشم انداز[۲۸] است.

---

[۲۸] سند چشم انداز بیست ساله:

با اتکال به قدرت لایزال الهی و در پرتو ایمان و عزم ملی و کوشش برنامه ریزی شده و مدبرانه ی جمعی و در مسیر تحقق آرمان ها و اصول قانون اساسی ، در چشم انداز بیست ساله، ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و موثر در روابط بین الملل. جامعه ی ایرانی در افق این چشم انداز چنین ویژگی هایی خواهد داشت:

توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود، متکی بر اصول اخلاقی و ارز شهای اسلامی، ملی و انقلابی، با تاکید بر مردم سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزاد یهای مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان ها و بهره مندی از امنیت اجتماعی و قضایی. برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه ی اجتماعی در تولید ملی.

امن، مستقل و مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه جانبه و پیوستگی مردم و حکومت.

برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تامین اجتماعی، فرصتهای برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، تبعیض و بهره مند از محیط زیست مطلوب. فعال، مسئولیت پذیر، ایثارگر، مومن، رضایتمند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه ی تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن.

دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه ی آسیای جنوب غربی شامل آسیای میانه قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه (با تاکید بر جنبش نرم افزاری و تولید علم)، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقاءِ نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل.ا لهام بخش، فعال و موثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم سالاری دینی، توسعه ی کارآمد، جامعه ی اخلاقی. نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی،

تاثیر گذار بر همگرایی اسلامی و منطقه ای بر اساس تعالیم اسلامی و اندیشه های امام خمینی (ره)

۲- برنامه آمایش[۲۹] سرزمین است.

۳- سیاست کلی است. راهبرد است. از این مفاهیم استنتاج می شود. در هیچ کدام اینها جنس ساختمان و اینها نیست. در این سطح در واقع، به آن می گـوئیم پدافنـد غیرعامل راهبردی، ادبیات پدافند غیر عامل، ادبیات راهبردی است. یعنی فقط باید راجع به مباحث برنامه ریزی و راهبردی صحبت شود.

دارای تعامل سازنده و موثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت.
((خبرگزاری فارس)) (www.farsnews.com)

[۲۹]آمایش سرزمین (Spatial planning) : برنامه‌ای بلندمدت و جامع برای بهره‌گیری از همه امکانات منابع و استعدادها در سطح کشور است. این برنامه با هدف بهره‌برداری منطقی از منابع و استقرار مناسب جمعیت و تأسیسات در فضای ملی و نیز اصلاح توزیع نامطلوب آن تدوین می‌شود. در برنامه‌ریزی آمایش سرزمین ، رابطه جمعیت، فعالیت‌های آن با محیط و فضای زیست نقش محوری دارد نوعی برنامه‌ریزی که سرزمین را عامل تعیین کننده در تأمین اهداف توسعه می‌داند. برنامه‌ریزی آمایش سرزمین تشخیص مناطق مختلف سرزمینی اهمیت اساسی دارد. زیرا پایگاه اصلی برنامه‌ها شناخته می‌شود. در واقع برنامه آمایش دارای افق بلندمدت است و معمولاً دوره‌ای ۱۵ تا ۲۰ ساله را زیر پوشش قرار می‌دهد .این برنامه خط و مرز بین برنامه کلان و برنامه‌های منطقه‌ای را تشکیل می‌دهد .به‌دیگر سخن ، برنامه آمایش ، برنامه‌های منطقه‌ای را به برنامه‌ای ملی پیوند می‌زند. آمایش سرزمین در صورتی می‌تواند به‌عنوان راهنمائی برای برنامه‌ریزی به‌کار رود که بتواند:

الف) کشورها را با استفاده از معیارهای مناسب و با توجه به محیط زیست ، منابع انسانی و طبیعی ، شرایط توسعه‌ای و نوع فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی به‌مناطق مشخص تقسیم کند.

ب) کمیت و کیفیت جمعیت را در هر منطقه مشخص کند.

ج) سطح موجود توسعه آموزش را به‌طور کلی در هر منطقه تعیین کند.

د) فعالیت‌های اصلی و عمده در هر منطقه را مشخص و سطح توسعه آن را تعیین کند.

ه) استراتژی‌های توسعه کشور در بلندمدت را روشن نماید.

و) استراتژی توسعه اجتماعی کشور، از جمله استراتژی توسعه آموزش (آموزش و پرورش یا آموزش عالی) در هر منطقه را روشن کند.

ز) ظرفیت توسعه منطقه را در یک دوره بلندمدت که با حجم جمعیت و حجم فعالیت‌های مختلف اقتصادی_اجتماعی از جمله فعالیت‌های آموزش عالی قابل تعریف است ، تعیین کند.

((پایگاه اینترنتی آفتاب)) (www.aftabir.com)

جدول سطح بندی عملیاتی پدافند غیر عامل

سـطح دوم سـطح عملیـاتی اسـت، در سـطح عملیـاتی، برنامـه تنظـیم شـده، مـا می خواهیم برنامه را بسازیم، برنامه را بـه زیرسـاخت تبـدیل کنـیم، در ایـن سـطح برنامه در واقع ما ماهیت و جنس برنامه مان، ماهیت مهندسی، فنی و صـنعتی اسـت. اینجا دیگر برنامه ریزی راهبردی نداریم، اینجا فقط مهندسی است. یعنـی در واقـع می خواهیم بگوئیم که ایـن برنامـه را چگونـه بسـازیم، خـب در اینجـا خروجـی مـا چیست؟

اینجا مسئول بخش های مهندسی دستگاه هستند، بخش های مهندسی، بخش هـای فنی، ادبیاتشان ادبیات مهندسی است و حوزه شان حوزه مهندسی. در واقع اینجا فقط باید مهندسان از مهندسی حرف بزنند و صحبت کنند، روش های فنی کاهش آسیب پذیری، چگونه این برنامه را، این سد را، این جاده را، این نیروگاه و این منزل و این ساختمان اداری را بسازیم که:

۱. **آسیب پذیر نباشد. بلکه آسیب پذیری را کاهش داده و به سـمت حـذف برود.**
۲. **پاسخ به تهدید بدهد. بلکه تهدیدات را پاسخ داده و مدیریت نماید.**

اگر هم بخواهیم در این جا تولید ادبیات کنیم. باید ادبیاتمان فنی باشد، یعنی ما مثلاً به عنوان یک نظامی نمی توانیم به یک مهندسی بگوئیم آقـای مهنـدس، بیـا اینجـا، اینجا تهدید زیاد است، و او انجام دهد. برای این کار باید یک کار اساسی و نهادینه کرد. کار اساسی یعنی نظام فنی، یعنی تهدید کیفی را تبدیل کنیم به شـاخص هـای کمی قابل ورود به معادلات و فرمول های مهندسی.

می گوئیم: اینجا ضریب g را از زمین از ۰/۳ تبـدیل کنیـد بـه ۰/۸. اینجـا فاصـله پراکندگی را از ۱۰۰ متر به ۱۵۰ متر تبدیل کنید. اینجـا عمـق نفـوذ سـازه را ایـن اندازه در نظر بگیر. یعنی باید با او از عدد و رقم صحبت کرد، نه اینجـا مـثلاً بحـث راهبردی نظامی و دفاعی گفته شود.

ادبیاتش هم ادبیات مهندسی است. هر کسی که می خواهد اینجا صحبت کنـد بایـد کاملاً ادبیات مهندسی حرف بزند. در این سطح ما بایسـتی صـرفاً تولیـد اسـتاندارد، آئین نامه فنی، نظام نامه و امثالهم را با ملاحظه پاسخگویی به تهدیدات مورد نظر در آن حوزه و کشور پاسخ بدهیم و آسیب پذیری را کاهش دهیم.

پس ما در اینجا با یک جهاد در بازنگری و بومی سازی و تولید استاندارد ها و آئین نامه های فنی روبرو هستیم. در سطح سوم، ما مراکز را ساخته ایـم و در حـال بهـره برداری هستیم.

حالا می خواهیم در حال بهره برداری طوری بهره برداری کنیم کـه حـداقل آسـیب پذیری را داشته باشیم. اینجا ادبیاتمان، ادبیات مدیریت بحران است.

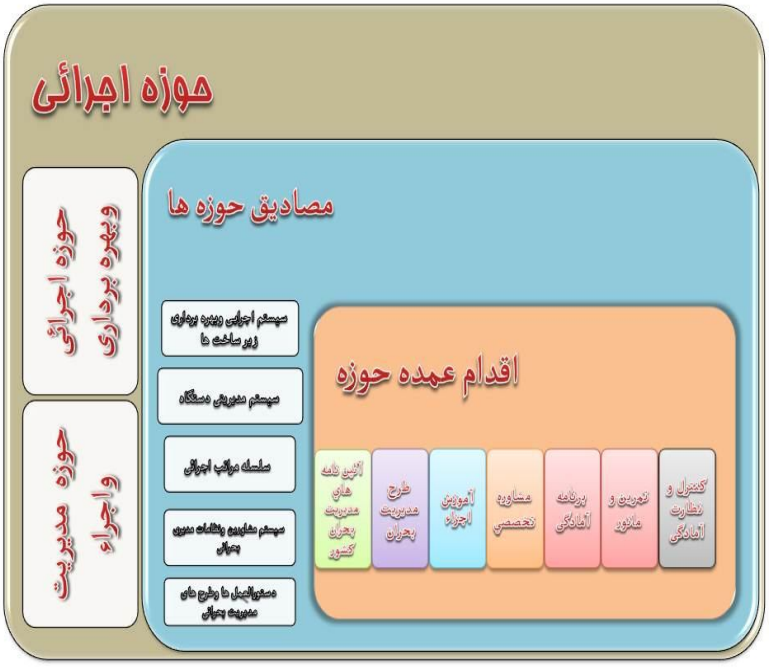

جدول سطح بندی اجرایی پدافند غیر عامل

ما در حال بهره برداری از وضع موجود هستیم، وضع موجود را می خواهیم در برابر حادثه طوری مدیریت نمائیم که حداقل آسیب پذیری ار داشته باشیم. اینجا جـنس می شو د مدیریت بحران، آمادگی و تمرین و آموزش.

۱. طرح ریزی مدیریت بحران ۲. آمـوزش مـدیریت بحـران. ۳. تمـرین مـدیریت بحران ۴. رزمایش و مانور

آنطور که بتوانیم حادثه را در این حوزه کنترل بکنیم. و هم چنین مـدیریت. کـه بـه آن می گوئیم مدیریت بحران. لذا این ۳ سطح پدافند غیر عامل جنبش و محتوایش و ادبیاتش با هم فرق می کند، متخصصین متفاوتی را می خواهد. ممکن است که یک نفر که در بخش میانی مهندس است، در واقع تخصص داشته باشـد ولـی نتوانـد در حوزه راهبردی حرف بزند، و بالعکس یکی که در حوزه مدیریت بحران است. لذا ما برای هر سطحی از پدافنـد غیـر عامـل یـک نظامـات، یـک ادبیـات، یـک روشـها و چهارچوب های خاص خودش را باید دنبال کنیم.

مثلاً ببینید در نفت،به اشتباه آمده اند پدافند غیر عامل را مساوی با H.S.E [۳۰]گرفته اند. H.S.E یعنی چه؟ یعنی سطح مدیریت بحران.

---

[۳۰] HSE از سه کلمه بهداشت (health)، ایمنی (safety) و محیط زیست (environment) می باشد. هدف اصلی نظام مدیریت HSE به حداقل رسانیدن و یا کاهش آسیب های وارده به نیروی انسانی، تجهیزات، محیط زیست وکسب و حفظ اعتبار سازمانی است، نتیجه حاصل ازاستقرار این نظام افزایش بهره وری و راندمان در سازمان بوده و در این راستا نیروی انسانی به عنوان محور توسعه، مورد توجه خاص قرار دارد.

دنیای امروز دنیای رقابت است. نرخ سریع تحولات تکنولوژیک و تغیر در الگوهای مصرف و نیازهای بازار و بالا رفتن انتظارات جامعه و مسئولیتهای اجتماعی سازمانها، عرصه رقابت را روز به روز تنگ تر می نماید. شرط بقاء در چنین محیطی برخورداری از مزیتهای رقابتی در سازمان است .تحقق اهداف سازمان در حوزه رقابت پذیری، پرداختن به موضوعات ایمنی (Safety) بهداشت (Health) ومحیط زیست (Environment) رابه یکی از اولویت های سازمان ها در تجارت امروز تبدیل نموده است.

اساساً واژه سلامت (Health) در سه سطح زیر تعریف شده است:

سطح ۱: بهداشت کار (Occupational hygiene)

سطح ۲: طب کار (Occupational medicine)

سطح ۳: خدمات پرستاری و توان بخشی مرتبط با کار (Occupational Health nursing)سطح یک به لحاظ تقویت نمودن مباحث پیشگیرانه در صنعت، در ساختار HSE انجام وظیفه می نمایند ((پایگاه اینترنتی تبیان)) (www.tebyan.net)

یعنی احساس شده است کـه مـا در زیـر سـاخت و در مهندسـی نفـت هـیچ کـاری نمی توانیم بکنیم. این گونه فکر می کنند که باید به روشی مدیریت کنیم که هـیچ اتفاقی برایش نیفتد و این به نظر من غلط است.

ما باید در سطوح مختلف، در سطوح راهبردی، در سطوح اجرایی، همه بحثی داشته باشیم و هر کدام متناسب با موضوع خودش بحث را دنبال کنیم و اجـرا کنـیم. مـن فکر می کنم بحث تا همین جا کفایت می کند. در این جا اگر دوستان سؤالی دارنـد، من در خدمتتان هستم، با صلواتی بر محمد و آل محمد.

۸-پرسش و پاسخ

سوال – با تشکر از اطلاعات وسیعی که در اختیار حضار قرار دادید. در بخش آسیب پذیری فرمودید کارهایی باید انجام گیرد و نیاز هست زیر ساخت های دقیقی برای این کار تهیه شود.

خب الآن تجربه ای که به دست آمده است تجربه چنـد سـال اسـت حـداقل، دیگـر کمتر از ۵، ۶ سال نیست، بلکه بیشتر است، که این مسائل مطرح است و در جلسات استانی هم بعضاً که بوده، حالا موضوع این است که از ۵، ۶ سال به ایـن طـرف چـه میزان زیر ساخت هایی که متناسب با به اصطلاح اگر حادثه ای رخ داد.

ما الان مثلاً بگوئیم در این بحـث ایـن زیـر سـاختها رعایـت شـده اسـت، مـثلاً شـما می فرمائید ساختمان ها ساخته بشود، حداقل در طبقات منهای صفر، بشود پارکینگ یا مثلاً بشود فرض پناهگاه. آیا واقعاً الان در سیستم عمـران کشـور ایـن مـوارد در زیرساخت ها رعایت شده است یا نه؟

پاسخ- ما ۳ نکته داریم. یکی آیا قوانین و الزامات برای این کار داریم یا نه؟ که مـا در برنامه پنج ساله پنجم، فکر می کنم اگر اشتباه نکنم ماده ۲۰۱[۳۱] باید باشد. کـه به تمام دستگاه های اجرایـی الـزام مـی کنـد کـه در نظـام عمرانـی کشـور بایسـتی

---

[۳۱] ماده۲۰۱ ـ دولت موظف است به منظور تقویت بنیه دفاعی کشور و ارتقاء توان بازدارندگی نیروهای مسلح و حفاظت از تمامیت ارضی و امنیت کشور و آمادگی در برابر تهدیدات و حفاظت از منافع ملی، انقلاب اسلامی ایران و منابع حیاتی کشور و هوشمندسازی سیستمهای دفاعی، اقدامهای ذیل را درصورت تصویب فرماندهی کل نیروهای مسلح به عمل آورد:

الف ـ تقویت مؤلفه‌های بنیه دفاعی با تأکید بر مدرن‌سازی و هوشمندسازی تجهیزات، ارتقاء منابع انسانی و سامانه‌های (سیستمهای) فرماندهی(C٤I)

ب ـ ارتقاء فناوریهای نوین و هوشمند و سامانه‌های (سیستمهای) اطلاعاتی در به‌کارگیری سامانه‌های دفاعی به ویژه سامانه‌های الکترونیکی، هوافضا، دریایی و پدافند هوایی

ج ـ بهینه‌سازی و بهبود ساختارهای چابک و پاسخگو در دفاع ملی

د ـ ارتقاء حضور و سهم نیروهای مردمی در استقرار امنیت و دفاع از کشور و به‌کارگیری متقابل و بهینه از امکانات و توان منابع انسانی

هـ ـ نوسازی و بازسازی و بهبود صنایع دفاعی با نگرش به سامانه و فرآیندهای صنعتی نوین

و ـ ارتقاء ابتکار عمل و توان مقابله مؤثر در برابر تهدیدها و حفاظت از منافع ملی، منابع حیاتی و انقلاب اسلامی ایران

ز ـ ارتقاء و افزایش سطح دانش و مهارت نیروهای مسلح، به صورت کمی و کیفی

ح ـ ارتقاء سطح آموزش، تحقیقات، فناوری در بخش دفاع و گسترش همکاریها با مراکز علمی دانشگاهی داخلی و خارجی

ط ـ حضور و استقرار متناسب با تهدیدها در حوزه‌های آبی کشور (خلیج فارس، دریای عمان و دریای خزر)

ی ـ ارتقاء منزلت اجتماعی و معیشت کارکنان نیروهای مسلح

ک ـ رعایت اصول پدافند غیرعامل در طراحی و اجرای طرحهای حساس و مهم و یا در دست مطالعه و نیز تأسیسات زیربنایی و ساختمانهای حساس و شریانهای اصلی و حیاتی کشور و آموزش عمومی مردم توسط دستگاههای اجرائی موضوع ماده (۱۷۹) این قانون، به منظور پیشگیری و کاهش مخاطرات ناشی از سوانح غیرطبیعی

آئین‌نامه‌های اجرائی این ماده ظرف مدت دو ماه از تصویب این قانون، توسط معاونت و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و ستاد کل نیروهای مسلح تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید و در صورت تأیید فرماندهی کل نیروهای مسلح به مرحله اجراء گذاشته می‌شود.

((پایگاه دفاتر پیشخوان دولت)) (www.ictb.ir)

ملاحظات پدافند غیر عامل کشور برای زیرساخت هایی که دارای طبقه بندی حیاتی هستند و مهم می باشند، در مطالعه برنامه شان انجام گیرد.

بخش دوم هم که سیاست های کلی بود که مجری محترم ذکر کردند که در مصوبه مقام معظم رهبری هست. که در آنجا هم در واقع همه دستگاه ها را مکلف می کنـد که اینکار را انجام بدهند و دنبال کنند، خوب دستگاه ها نسبت به خودشان در واقـع موضوعات را جلو برده اند و کار کرده اند. در ارتباط با الزامات، ما با وزارت مسکن و شهر سازی سابق، که از دیروز ادغام شده است،

بحث آئین نامه و الزامات فنی را دنبال می کنیم. کـه نزدیـک ۱۵ آئـین نامـه را بـه صورت مشترک در حال تهیه داریـم. یکـی از آئـین نامـه هـا، آئـین نامـه مهندسـی مقررات ملی ساختمان و مبحث ۲۱ هست، که در واقع نظام و فنـآوری در سـاخت و ساز ساختمان های مسکونی و اداری کشور می باشد، که در حـال نهـایی شـدن مـی باشد. این موارد را به صورت کاملاً اجرایی و جدی الزام آور می کند، چون مقـررات ملی ساختمان هم هست.

در واقع به صورت قانون محسوب می شود و لازم الاجراء بـرای همـه دسـتگاه هـای اجرایی می باشد. قوانین هم در شهر های جدید داریم. در شـهرک هـای مسـکونی، شهرک های صنعتی و در سایر موارد هست که در حال تهیه و اجرا است. این که چه میزان از این ها اجرا می شود، ما در واقع سیاستمان در سـازمان پدافنـد غیـر عامـل کشور بنا به تدبیر مقام معظم رهبری، سیاست حمایـت و تشـویقی هسـت نـه فعـلاً برخوردی و تنبیهی.

در واقع ما دنبال متوقف کردن کارها نیستیم، اگر جایی این کار انجام نشده متوقـف می کنیم. در صورتی که ما بیشتر تلاش می کنیم با آموزش، توجیه و هدایت دستگاه های اجرایی این کار ها انجام بگیرد.

احساس مان هم این است که از سال ۸۲ کـه حضـرت آقـا ایـن را دسـتور دادنـد، (**پدافند غیر عامل هم چون شعله بلند شود**). احساس می کنیم که کار فرهنگی و آموزش خوب جلو رفته است. ما ۳ سال قبل یک گزارشی خدمتشان تقدیم کردیم، ایشان در سطر گزارش نوشتند که به نظر می رسد کـه اهمیـت پدافنـد غیـر عامـل، برای مسئولین کشور مشخص شده باشد.

یعنی روشن شده باشد. یعنی تا یک اندازه این موضوع جلو رفته اسـت، ولـی بطـور طبیعی اجرای آن، زمان زیادی می برد، ما در برآورد اولیه حداقل ۱۰ سال نسبت به توسعه مان در حوزه پدافند غیـر عامـل در کشـور عقـب هسـتیم. اگـر بسـیجی وار حرکت کنیم، می توانیم در زمان ۱۰ سال به حد مورد نظر برسیم. ولی اگر بخواهیم کند حرکت کنیم، ممکن است که این فاصله در بعضی از حوزه ها بیشتر هم بشود.

ولی خوب خوشبختانه، اقدامات خوبی هم در کشور انجام شده است. من بـه عنـوان نمونه صدا و سیما را گفتم .

سوال – ساخت مراکز حیاتی و مهم کشور در منطقـه آسـیب پـذیر مثـل عسـلویه و پالایشگاه جم با تفکر و رویکرد کدام سبک از اندیشه مدیریتی ساخته شـده اسـت، در صـورت بـروز حـوادث و یاحملـه دشـمن چـه کسـی جوابگـو مـی باشـد و سوء مدیریت ها کجا پیگیری می شوند؟ شما در صحبت هایتان گفتید، باید بشود و تا کنون نشده است، به عنوان نمونه انتقال مراکز حیاتی به مناطق امن چقـدر هزینـه دارد؟

پاسخ – ببینید، من تقریباً در سال ۸۶ بود که سیاست های کلـی نظـام را بـه مجمـع تشخیص مصلحت برای طرح بردیم و بعد دوستان در مجمـع تشـخیص گفتنـد کـه رئیس مجمع باید حتماً نسبت به این موضوع توجیه شود.

ما هم طی جلسه ای خدمت حضرت آیت الله هاشـمی رفسـنجانی رفتـیم کـه رئـیس مجمع تشخیص مصلحت هستند، و موضوع را به ایشان توضیح کامل دادیم وایشـان هم نسبت به این مقوله بسیار علاقه مند بودند، و همین طـور هـم حسـاس، ولـی در ذهن شان این طور برداشت شده بود، یعنی اینکه کاری نمی شود انجام داد.

ما شاید نزدیک یک ساعت و نیم که به ایشان موضوع را توضیح دادیـم، ایشـان در تمام طول جلسه محاجّه می کردند که مثلاً این حوزه را چکار می کنید؟ آن حـوزه را چکار می کنید؟ مثلاً عسلویه را چکار می کنید؟ که ما برای هر کدام از موارد توضیح فنی می دادیم. یک جمله ایشان به ما گفتند که به نظر جمله ای کلیدی آمد و پاسـخ سوال شما نیز هست.

ایشان گفتند که زمانی که جنگ تمام شد، احسـاس کـردیم کـه بازدارنـدگی جنـگ می تواند تداوم داشته باشد و تهدید را تا مدتها از کشور بیـرون ببـریم. دوم اینکـه وقتی نظامی ها پیش ما می آمدند، مفاهیم نظامی را در بحث توسعه به ما می گفتند.

وقتی ما نگاه می کردیم، می دیدیم که این مفاهیم نظـامی در برنامـه هـای مـا قابـل تعمیم نیست و ما آنرا درک نمی کنیم، ولی این مواردی که شما امروز می گوئید، که در واقع تلفیقی از موارد نظامی و توسعه می باشد.

در برنامه توسعه نیز هست. ما احساس می کنـیم کـه راه حـل اجرایـی دارد و اگـر آنروز کسی ایـن مـوارد را بـه مـا مـی گفـت مـا حتمـاً ایـن مـوارد را در آن تـأمین می کردیم. ولی در سیاست هایی که قبلاً به ما ارائه شد، ما به این نتیجه رسیدیم که توجه نکردن به این امر از همه موارد راحت تر خواهد بود و کار را راحت می کند.

لذا یک مجموعه زیادی از آسیب پذیری در عسلویه بـرای کشـور بـه وجـود آمـده است، که بر طرف کردن آن هم نیاز به مدت ها زمان و هزینه دارد.

سوال – در خصوص مکانیزم تأمین اعتبارات مورد نیاز دستور اجرایـی در خصـوص پدافند غیر عامل مطالبی شفاف ارائه دهید، منابع ملی، منابع اعتباری استانی.

پاسخ – شفافِ شفافِ این موضوع این است که در آئین نامه اجرایی بنـد ۱۱، مـاده ۱۲۱ برنامه ۵ ساله چهارم توسعه کشور که به تمام دستگاه های ابلاغ شده است، و مصوب مقام معظم رهبری هم می باشد.

فکر کنم در بند های آخـری آن، یعنـی ۷ و ۸ و ۹[۳۲] آن مـی گوینـد کـه مسـئولیت کاهش آسیب پذیری و پدافند غیر عامل به عهده همه دستگاه ها می باشد.

دستگاه ها بایستی درباره پروژه های در حال مطالعه از ابتدا برنامه پدافند غیر عامل را مطالعه کنند جزء برنامه شان قرار دهند، برآورد کـرده و در برنامـه سـال آینـده شان قرار دهند.

---

[۳۲] آیین‌نامه اجرایی بند (۱۱) ماده (۱۲۱) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

شماره : ۱۹٤٥٤.ت۳۳۲٦۰/هـ تاریخ : ۱۳۸٤.۰٤.۲۲سازمان مدیریت

ماده ۷ـ وظایف و اختیارات کمیته‌های دستگاههای اجرایی عبارتند از:

۱ـ بررسی و پیشنهاد سطح بندی و اولویت بندی مراکز دستگاه مربوط

۲ـ پیگیری تهیه و اجرای طرح پدافند غیرعامل مراکز موجود براساس مصوبات کمیته دائمی و نظام فنی واجرایی کشور به نحوی که در طول برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی‌ایران ـ مصوب ۱۳۸۳ـ حداقل مراکز حیاتی و حساس کشور ایمن سازی شوند.

۳ـ نظارت بر اعمال ضوابط و مقررات پدافند غیرعامل در طرحهای دستگاه مربوط

٤ـ انجام پژوهشها و آموزشهای تخصصی و عمومی در زمینه پدافند غیرعامل مرتبط با موضوعات تخصصی دستگاه مربوط

ماده ۸ ـ در مورد طرحهای مصوب و در دست اجرا یا در دست مطالعه که اعتبار آنها از محل بودجه‌عمومی کشور تأمین می‌گردد، دستگاه اجرایی موظف است اعتبار مربوط به رعایت اجرای ضوابط و مقررات پدافند غیرعامل را ضمن اعتبار سالانه آن دستگاه پیش‌بینی نماید.

ماده ۹ـ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور با توجه به مصوبات کمیته دائمی در مورد تأمین اعتبار مراکز در حال بهره‌برداری، مربوط به دستگاههایی که از محل بودجه عمومی کشور تأمین اعتبار می‌گردند، براساس پیشنهاد هر یک از دستگاههای اجرایی و با رعایت مفاد ماده (۳۲) قانون برنامه چهارم توسعه اعتبار مورد نیاز برای اجرای طرحهای پدافند غیر عامل مراکز مذکور را ضمن لایحه بودجه سالیانه کشور پیش‌بینی‌می‌نماید.

((مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی)) (www.rc.majles.ir)

یعنی در واقع آن را جدا نکنند، دوم اینکه وضع موجود و در حال بهره برداری را بـا یک اعتبار سالانه بگیرند و مطالعه کنند، و در حد برنامـه ریـزی مطالعـه بشـود کـه بفهمیم چکار باید بشود، مجدداً سال بعد در برنامه بیاورند که این اعتبار را در اختیار پدافند غیر عامل گذاشته اند، سالی در حدود ۱۵۰ یا ۱۸۰ میلیون تومان مـی باشـد که بودجه ضعیفی است. درباره استان ها هم ما خدمت آقـای رئـیس جمهـور بـرای طرح این موضـوع رسـیده ایـم، و ایشـان فرمودنـد کـه مـن اختیـارات مرکـز را بـه استاندارها می دهم و یک ابلاغی هم به استاندار ها کردند که ۵٪ از اعتبارات استانی را به این امر اختصاص دهند که ما هم از استاندار ها پیگیری کردیم. بعضی از استان ها استفاده کردند و عمل کردند و بعضی ها هم استفاده نکردند.

سوال – عملاً چه درصدی از مباحث تئوریک که مطرح کردید، بـه صـورت ویـژه در مباحث امنیتی و نیازمندی های کشور محقق شده است؟

پاسخ – ببینید درصد دادن کار خیلی سختی است، ما اگر بخواهیم میزان پیشرفتمان را بگوئیم دو تا شاخص داریم، یکی گذشته و یکی آینده. نسبت به گذشته کار بسیار شده است و کار زیادی در حوزه های مختلف، در حوزه دفاعی کـار زیـادی صـورت گرفته است. همینطور هم در حوزه های غیر دفاعی نسبت به آینده کار زیادی مانده است، حداقل ما ۱۰ سال عقب هستیم. باید خیلی کار کنیم و به سمت جلـو حرکـت کنیم. ولی به این گونه بگویم که مثلاً من هفته پیشر سفری به کـره شـمالی داشـتم، بازدید از زیرساخت های پدافند غیر عاملشـان داشـتم. آنهـا خیلـی در ایـن زمینـه پیشرفت کرده اند، نزدیک ۳۰ یا ۴۰ سال کار کرده اند.

در گذشته هم مسئولین ما هم از آنجا بازدید می کردند و از آنها الگو می گرفتند و کار می کردند. این سفر کـه بـه آنجـا داشـتیم، آنهـا از مـا درخواسـت داشـتند کـه نیروهایشان را در دانشگاه هایتان در زمینه پدافند غیر عامـل آمـوزش دهیـد. ایـن نشان می دهد که ما در این زمینه رشد کرده ایم و از آنها پیشی گرفتـه ایـم. علّـت این امر هم این است که ما تنوع برخورد تهدیدمان بیشتر از آنهاست، و چون تنـوع دارد ما در حوزه های بیشتری از تهدید کار کرده ایم. لذا تهدیـدی کـه آنهـا بـا آن مواجه نیستند ما برایش راه حل به دست آورده ایم و لذا می توانـد برایشـان مفیـد باشد و همینطور برای بسیاری دیگر.

سوال – در فرآیند اخذ موافقت و اجرای پروژه ها، بـا نظـر و تأییـد سـازمان هـایی همچون محیط زیست، منابع طبیعی و ... اخذ می شود، آیا برنامه دارید که در پروژه ها نظر و تأیید پدافند غیر عامل اخذ شود؟

پاسخ – اشاره کردم که این مورد در قانون و ماده ۳۲ برنامـه نظـام عمرانـی کشـور ابلاغ شده است که در برنامه ۵ ساله پنجم تبدیل به ماده ۲۱۵ شده است.[۳۳]

سوال – یکی از کارکرد های مهم پدافند غیـر عامـل نهادینـه کـردن در بـین مـردم است. وظیفه دستگاه های اجرایی برای این امر چیست؟

---

[۳۳] ماده۲۱۵ـ پیشنهاد طرحهای تملک دارائیهای سرمایه‌ای جدید در لوایح بودجه سنواتی با رعایت موارد زیر امکان‌پذیر است:

الف ـ عناوین، اهداف کمی و اعتبارات طرحهای تملک دارائیهای سرمایه‌ای جدید با رعایت مواد (۲۲) و (۲۳) قانون برنامه و بودجه براساس گزارش توجیهی فنی (حجم کار، زمانبندی اجرا)، اقتصادی، مالی و زیست‌محیطی و **رعایت پدافند غیرعامل** از سوی مشاور و دستگاه اجرائی پس از تأیید معاونت برای یک بار و به قیمت ثابت سالی که طرحهای مورد نظر برای اولین بار در لایحه بودجه سالانه منظور می‌گردد به تفکیک سالهای برنامه و سالهای بعد به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد.

((پایگاه دفاتر پیشخوان دولت)) (www.ictb.ir)

پاسخ – موضوع مردم را به صورت عمومی دنبال می کنیم، یک بخشی از مردم را به وسیله سازمان بسیج دنبال می کنیم، و تفاهم نامه ای بین سازمان پدافند غیر عامـل کشور و سازمان بسیج مستضـعفین صـورت گرفتـه اسـت. طـی آن توافـق نامـه مـا آموزش ۲ میلیون نفر از مردم را به بسیج واگذار کرده ایم.

پیــرو همــین موضــوع و توافقنامــه تــا کنــون نزدیک ۱۸۰۰۰۰۰ نفر آن محقق شده است و تـأمین مربـی و آمـوزش مربـی و جـزوات مربیان نیز انجام گرفته است. یک بخشی هم توسط آموزش و پرورش انجام می شد که در مدارس در سطوح راهنمـایی از ۲ سـال قبـل، آموزش خواهران تبدیل بـه آمـوزش پدافنـد غیر عامل شده است.

در آموزش دفاعی برادران هم، در واقع فصل دیگری به نام پدافند غیر عامـل اضـافه شـده است[۳۴].

---

[۳٤] ((کتابی مجزا برای معلمان و درسی با موضوع پدافند غیرعامل در کتاب آمادگی دفاعی دوره دبیرستان طراحی گردیده است. ضمن اینکه برای دختران در دوره راهنمایی نیز کتاب آموزش دفاعی در حوزه‌های دفاع غیرنظامی و پدافند غیر عامل طراحی شده و امسال در کلیه آموزشگاه‌ها توزیع شده است.))

((پایگاه اطلاع رسانی دولت)) (www.dolat.ir) مورخ ۱۳۸۸/۱۰/۱۶

که بخشی از آموزش را انجام می دهد، و بقیه دستگاه های اجرایی آموزش عمـومی را بر عهده دارند که طبیعتاً باید انجام دهند.

سوال – با توجه به نظر سازمان پدافند غیر عامل میزان فعالیت ها و اقدامات اجرایی دستگاه ها و وزارتخانه های کشور در حال حاضر در چه سطحی است؟

پاسخ – این سازمان ها متفاوت هستند، بعضی سازمان ها خیلی خوب هستند، بعضی سازمان ها خیلی بد هستند، جزء سازمان های خوب کار کرده، یکی انرژی هسته ای هست، یکی صدا و سیما و دیگری وزارت ICT. بد های این زمینه را هم اجازه دهید تا نگویم که روحیه آنها خراب نشوند.

سوال- با توجه به آسیب پذیر بودن کشور در بخش گاز و پالایشگاه های گازی، بـه دنبال برق وآب، برنامه ای از طرف مدیریت بحران پیش بینی شـده و ابـلاغ شـده است. چه باید کرد و چه چیزی در حال انجام است؟

پاسخ – ما پروژه های صنعتی را در ۲ وضعیت قرار می دهیم. یکی پـروژه هـای در دست مطالعه که مقرر شده برای این گونـه پـروژه هـا از طریـق دسـتگاه از همـان مرکز، مشاور پدافند غیر عامل اختصاص دهیم و این مشاور آسیب پذیری و تهدیـد و راه حل مقابله را مطالعه کند و همزمان با طرح ارائه بدهد و در آنجا انجـام گیـرد. بخش زیادی از پروژه های در حال انجام هستند. ما روز اول مشاور کم داشتیم. الآن نزدیک به ۳۰۰ مشاور در کشور تربیت کرده ایـم کـه ایـن تعـداد کـم اسـت ولـی بالاخره در حال حاضر مشاور تأیید صلاحیت شده در این زمینه نزدیک به ۳۰۰ نفر هستند. بخش دوم در باره طرح های در دست اجرا هست.

موارد در دست اجراء با توجه به اولویت حیاتی بودنشان، به آنها رسیدگی می شـود. مواردی که حیاتی می باشند در اولویت یک به آنها پرداختـه مـی شـود. از مکـانیزم تحلیل خطر و ریسک[۳۵] استفاده می کنیم و با تجزیه و تحلیـل خطـر و زیـر سـاخت تلاش می کنیم موارد پدافند غیر عامل را محقق کنیم که در خیلی از دستگاه ها این کار صورت گرفته است.

---

[۳۵] راهکار ها و روش های تحلیل خطر و ریسک:

مثلاً در حکم تدابیر ابلاغی مقام معظم رهبری در سال ۸۲ ایشان اشـاره کردنـد بـه ساختمان مخابرات میدان امام (ره). احتمالاً شما این دسـتور مقـام معظـم رهبـری را دیده باشید که ایشان فرموده اند مراحل مختلف نیروگـاه هـا و پالایشـگاه هـا مثـل ساختمان مخابرات و میدان امام (ره) این ساختمان مخابرات میدان امام (ره) یکی از مراکزی بود که همه ارتباطات کشور اعم از زمینی و هوایی و دریایی همه بـه اینجـا متصل می شد. حتی تلویزیون و رادیو و مخابرات همه چیز و اگر اینجـا آسـیب مـی دید، ارتباطات کشور کلاً قطع می شد.

در حال حاضر در این زمینه این تهدید را به حداقل رسانده ایم و تا کنون ۳ بار مانور کرده ایم و این ارتباطات در ساختمان میدان امام (ره) را حذف کردیم و هیچ اتفاقی نیفتاد و این نشان دهنده این امر است که می توان این کار را انجام داد. ما بـرایش Back Up و رله درست کردیم و شبکه هایش را اصـلاح کـردیم تـا اینکـار انجـام گیرد.

سوال – با توجه به اعلام رسمی جنگ سایبری توسط اوباما، قطعاً یکی از اهداف این جنگ ما هستیم، آیا توان علمی محققان ما در این جنگ جوابگو خواهد بود؟

آیا برای این جنگ به صورت متمرکز عمل می شـود یـا غیـر متمرکـز؟ آیـا پدافنـد غیر عامل می تواند سازمان ها را توجیه کند؟ آیا برای پدافنـد آن در سـطح جامعـه اقداماتی شده یا خواهد شد؟

---

۱. بررسی و مطالعه تهدیدات متوجه هر سایت.
۲. بررسی سناریو های تهدید متناسب با هر شرایط.
۳. بررسی نقاط ضعف و قوت و آسیب پذیری هر سایت.
٤. تعیین نقاط تولید خطر کننده. تعیین میزان ریسک و خطر در هر بخش سایت.
۵. اقدامات کاهش دهنده ریسک.
۶. اقدامات حذف کننده ریسک.

((پایگاه اینترنتی پایداری ملی)) (www.paydarimelli.ir)

پاسخ – اینجا ما ۴ سوال داریم. اول اینکه مایه اصلی دفاع سایبری نیروی انسـانی و دانش است. یعنی دانش فنی و نیروی انسانی، امروز من می توانم به شما بگویم که ما برای دفاع نیروی انسانی لازمه را داریم. توان علمی و دانـش رایانـه را در کشـور داریم. اگر کمی به آن توجه کنیم، جهش وار این مسیر و فاصله را طی می کنیم.

دوم اینکه آیا این مدل جنگ سایبری و دفاع سایبری متمرکز است یا غیر متمرکز؟ من یک صفحه آن را برای شما اینجا نمایش دادم. این یک نظام یکپارچه اسـت کـه لایه به لایه می باشد.

یک لایه در سطح عالی که دفاعی است، متمرکز و در سطوح پائین تر، سـطح ملـی و سطح فنی و پائین تر سطوح غیر متمرکز می باشد. مفهومش این است که بعضـی از کارها باید در سطح ملی انجام گیرد.

مثلاً ما نیاز به سیستم عامل داریم . سیستم عامل جایگزین ویندوز که ملی و ایرانـی باشد می خواهیم که Gap یا به قول دوستان بک دور و حفره های امنیتی[۳۶] باشد.

---

[۳۶] بک دور اصطلاحاً درگاه و محل ورودی می باشد که یک هکر هنگام ورود به یک سیستم یا سرور از آن استفاده می کند. در واقع بک دور یک ورودی مطمئن برای مواقعی می باشد که حتی رخنه و نفوذ به سایت کشف شده باشد و در آن موارد نیز کاربرد داشته و به نفوذگر یا هکر اجازه نفوذ را می دهد. بک دور هنگامی توسط هکر به وجود می آید که برای اولین بار به سیستم نفوذ کرده باشد، بعد از نفوذ، چون احتمال کشف شدن نفوذ و هک می رود، هکر یک بک دور در سرور ایجاد می کند تا اگر هم مدیر سرور حفره یا باگ را که هکر از طریق آن نفوذ کرده است پیدا کرده و آن را بر طرف کند باز نفوذ و رخنه از طریق این بک دور یا در پشتی امکان پذیر باشد.

((وبلاگ گروه کامپیوتر)) (www.comgroup.mihanblog.com)

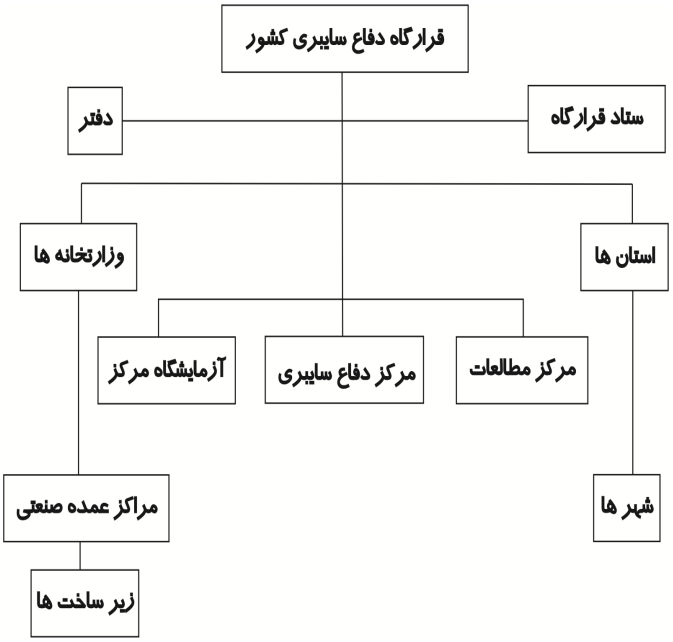

مدل کلی دفاع سایبری کشور

دوم IDC[۳۷] در سطح ملی می خواهیم. یعنی مرکز اطلاعات (دیتا سنتر) ملی، که ما

[۳۷]دیتاسنتر : IDC ،Data Center به مجموعه ای از سرویس دهنده ها، زیرساختارهای ارتباطی و تجهیزات دسترسی که به منظور ارائه ، نگه داری و پشتیبانی از میزبانی سرویس های اینترنتی بکارگرفته شده اند گفته میشود. سازمانها، شرکتها و اشخاص عادی میتوانند با اجاره کردن فضا و تجهیزات در این مراکز صفحات وب، اطلاعات و سرویس های مبتنی بر وب خود را بر روی بستر اینترنت (یا اینترانت) راه اندازی کنند. دیتاسنتر داخلی چه فایده ای دارد!؟

- حذف ترافیک بی مورد و کاهش ارزبری: ده ها سرویس پیشتاز مبتنی بر وب مانند سرویس های وبلاگ نویسی،اتاق های گفتگو، انجمنهای تبادل نظر، بانکهای اطلاعاتی سازمانها و ادارات و نهادهای دولتی و خصوصی و بانکها و دهها وب سرویس پیشتاز دیگر ایرانی بعلت نبود دیتاسنتر و هاستینگ ایرانی در سرورهای خارجی و اکثر آمریکایی هاست شده اند که موجب پیدایش ترافیک داخلی و بی موردی در دروازه نقاط تماس بین المللی شده است. بیش از ۸۰درصد بازدیدکنندگان و کاربران وبسایت ها و وبسرویس های ایرانی (و فارسی) مقیم داخل کشورند و با نصب و راه اندازی و هاست کردن این سایت ها در داخل کشور میتوان به مقدار قابل توجهی از ترافیک لوپ شده تقاضاهای بازدید و استفاده از این سایتها کاست و به این ترتیب ترافیک و دروازه نقطه تماس بین الملل کشور را برای دیگر درخواستها خالی کرد. ضمن اینکه با کاهش ترافیک خروجی از نقاط تماس بین الملل ارز بری کمتری صورت خواهد گرفت.

- بالا رفتن ضریب ایمنی : با راه اندازی دیتاسنترهای ایمن داخلی بانکها ، نهادها و موسسات دولتی که نیاز به امنیت بالایی در ارتباطات خود دارند میتوانند با استفاده از سرورهای داخلی و قابلیت سفارشی کردن سیستم های حفاظتی سرورها با اطمینان بیشتری اقدام به نگهداری ، تبادل و ارائه سرویس در بستر ICT بکنند.

- کاهش هزینه ها و جلوگیری از ارزبری: با استفاده از دیتا سنتر داخلی جز کاهش هزینه ها و جلوگیری از ارزبری بی مورد در هزینه های نقاط تماس بین الملل به سبب ارائه هاستیگ داخلی دیگر نیازی به خرید هاست از شرکتهای خارجی و خروج ارز از کشور نخواهد بود. مضاف بر اینکه در صورت مدیریت درست این مراکز و استفاده از دانش و نیروی ارزان متخصصان داخلی و کاهش هزینه های نگهداری میتوان به رقابتی شدن قیمت های هاستهای داخلی با خارجی اندیشید. بازار هاستیگ در کشورهای درحال توسعه بازار بکر و پراستعدادی است که در صورت هدایت و مدیریت درست میتواند سود کلانی را نصیب صاحبان مراکز داده بکند.

- توسعه فناوری اطلاعات: راه اندازی و استفاده از دیتا سنتر داخلی موجب افزایش توان و تخصص نیروهای داخلی، جلوگیری از فرار مغزها و استفاده از توانشان در داخل کشور و توسعه IT از جهت توسعه زیرساختهای آن میشود.

- تبدیل ایران به هاب مخابراتی منطقه : با توجه به موقعیت سیاسی و جغرافیایی ایران از طرفی و وضعیت کشورهای همسایه از طرف دیگر میتواند ایران را به هاب مخابراتی منطقه تبدیل کند و دیتاسنتر ایرانی مجموعه زیرساختهای مخابراتی لازم برای یک هاب منطقه ای را کامل میکند.

اطلاعاتمان را در آنجا داشته باشیم، اینها در سطح ملی است. حـالا بعـد هـا مـا بایـد برویم و دیتا سنتر استانی درست کنیم. سمینار اداری استانی داشته باشیم کـه ایـن موارد را باید بعداً دنبال کنـیم، زیـر سـاخت هـای ارتبـاطی اسـتانی، کـه اینهـا ملـی می باشند. ولی این کـه مـثلاً مـا در اینجـا یـک سـد در حـال بهـره بـرداری داریـم، دیسپاچینگ گاز یا برق هست، و یا تله متریـنگ آب است که اینها بـر اسـاس نـرم افزار کنترل می شود. دسترسی هایشـان را کنتـرل کنـیم، ورودی هـایش را کنتـرل کنیم. حفاظت پرسنل اش را حل کنیم، امنیت پرسنل را حل بکنیم، نگذاریم کسی به آن دسترسی پیدا کند.

مراکز امداد در آن بگذاریم که مرکز امداد رایانه ای به نام «گوهر» در سطح دستگاه و به نام سطح ملی در وزارت ICT راه اندازی شده را داشته باشیم، رخداد را پیگیری کنیم و این کارهایی است که همه باید در آموزش کاهش آسیب پـذیری هـا انجـام دهند.

یکسری اقدامات هم باید در سطح ملی انجام گیرد، اگر اراده بشود، و مصمم در این حوزه حرکت کنیم به نظر من ۹۰ الی ۹۵ درصد امکانـات آن را در بـرای دفـاع در داخل کشور داریم و به خارج هم محتاج نیستیم.

سؤال – موضوع برگشت به جلسات عادی و طبیعی بعد از بحران کـه هـر کشـوری زودتر به حالت عادی پس از بحران برسد موفق است، به نظر کمتر به این موضـوع پرداخته شده است. بومی سازی نیاز ها و به قولی مدل اسلامی مانند آب و نان مورد نیاز است.

-تحقق دولت الکترونیک : بعد از زیرساختهای مخابراتی اولین و مهمترین چیزی که برای راه اندازی و ارائه خدمات دولت الکترونیک به مردم مورد نیاز است مراکز داده و سرورهای استانی و ASP هاست.

((پایگاه اینترنتی Persia learn)) (www.persialearn.com)

پاسخ – من در صحبت هایم گفتم که مدل دفاع از هر کشور خاص خودش می باشد. چون تهدیدش خاص به خودش است، یک تهدیداتی ما داریم و کشـور هـای دیگـر ندارند، لذا ما باید مدل بومی دفاعی برای خودمان داشته باشیم. می توانیم از بقیه هم استفاده کنیم.

نمی گوئیم نه ما باید همه چیز را خودمان اختراع کنیم. نه، ولـی اینطـور نیسـت کـه مدل دیگران به درد ما بخورد، آمریکائیها مدل پدافند غیر عامـل زیـاد دارنـد، ولـی چون تهدیدی که دارند فقط تروریسم هست، به درد ما نمی خورد، یک بخشی از ما را در برابر تهدید امنیتی پوشش می دهد ولی در برابر سایر تهدید ها ما را پوشـش نمی دهد. لذا مدل ما باید حتماً برای خودمان باشد وگرنه به درد مـا نمـی خـورد. از این نظر مدل می تواند دارای ویژگی باشد و مفید واقع شود.

سؤال – در مورد جنگ های نوین ش.م.ه. (N.B.C)[۳۸] چه کـاربردی در پدافنـد غیـر عامل دارد؟ فقط در خصوص بمب های گرافیتی توضیح بیشتری بدهید. چه تـأثیری بر منابع حیاتی کشور دارد؟

---

[۳۸] اصطلاح سلاح‌های کشتار جمعی که معادل‌های دیگر آن انهدام جمعی و امحای جمعی است، نخستین بار در سال ۱۹٤۸، در یکی از اسناد کمیسیون تسلیحات نوع کلاسیک به کار رفت .این کمیسیون را شورای امنیت در ۱۳ فوریه ۱۹٤۷، تأسیس کرد. سلاح‌های کشتار جمعی شامل سلاح‌های اتمی، باکتریولوژیک و شیمیایی است که با علائم اختصاری A.B.C یا N.B.C یا R.B.C به کار می‌روند و در زبان فارسی علامت مخفف این سلاح‌ها «ش.م.ه»، مخفف شیمیایی، میکروبی و هسته‌ای و گاهی نیز «ش.م.ر» می‌باشد که حرف «ر» مخفف کلمه «رادیو اکتیو» است. معیار تشخیص این سلاح‌ها، یکی قدرت تخریبی آنها و دیگری اهداف آنها می‌باشد. بر اساس معیار دوم، ماهیتاً جز به منظور انهدام وسیع بکار نمی‌روند و نمی‌توانند به اهداف معینی محدود شوند. سلاح‌های کشتار جمعی باید به نحوی تعریف شوند که در بردارنده سلاح‌های انفجاراتمی، سلاح‌هایی که با مواد رادیو اکتیو عمل می‌کنند،

تعریف سلاح‌های هسته ای

از آنجه که در تنها سند عهدنامه‌ای با ابعاد تقریباً جهانی یعنی معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای ۱۹۶۸، تعریفی از سلاح اتمی نشده است، برای تعریف این سلاح عموماً به ضمیمه پروتکل توافقات پاریس استناد می‌شود.

مطابق تعریف این سند، سلاح اتمی عبارت است از:

پاسخ – ببینید در مورد جنگ هـای N.B.C، حـرف N مخفـف nuclear بـه معنـی هسته ای می باشد، B مخفف کلمه bacterial می باشد، و حرف C هم بـه معنـی chemical یعنی شیمیایی می باشد.

در مقوله هسته ای و بیولوژیـک (باکتریـال) کـه امـروزه در همـه جـای دنیـا اتفـاق می افتد، ما باید کار های لازم را انجام دهیم، در مـورد شـیمیایی یـک مقـدار کمتـر است، در واقع به عنوان حمله، ولی ممکن است حوادث داشته باشیم.

سلاحی که در ساخت آن از مواد منفجره هسته‌ای یا ایزوتوپ‌های رادیواکتیو استفاده شده و در اثر انفجار یا دیگر تغییرات هسته‌ای، قادر به انهدام یا مسمومیت در سطح بسیار گسترده باشد.

تعریف سلاح‌های بیولوژیک

از سلاح بیولوژیک در کنوانسیون ۱۹۷۲ راجع به منع گسترش، تولید و انباشت سلاح‌های باکتریولوژیک (بیولوژیک) و سمی و انهدام آنها تعریفی نشده لیکن تعریفی که متخصصین نیز با آن موافقند عبارت است از:

هر ماده بیولوژیک که تأثیر آن وابسته به تکثیر در داخل ارگانیزم هدف بوده و برای آن‌که باعث بیماری یا مرگ در انسان، حیوان و گیاه شود، در جنگ مورد استفاده قرار می‌گیرد.

سلاح‌های بیولوژیک و شیمیایی خصوبت مشترکی دارند. عوارض آنها قابل پیش‌بینی نیست و غیرنظامیان در مقابل آنها، بسیار آسیب‌پذیرتر از نظامیان هستند.

((وبلاگ ولایت عشق)) (www.tebyan.net/weblog/valayat۸)

ما هفته قبل انفجاری در یک کارخانه شیمیایی سم سازی (حشره کـش سـازی) در یکی از شهر ها داشتیم، که حدود ۵۰۰ الی ۶۰۰ نفر مردم آنجـا دچـار مصـدومیت شدند. اگر در آنجا آمادگی نیرو های سپاه نبود، آسیب پذیری و تلفات خیلی بیشتر می شد که زود و به موقع رفتند و عملیات خنثی سازی را انجام دادند و حادثـه حـل شد که حتماً باید در این زمینه آمادگی باشد، یا حداقل، آنجاهایی که دسـتگاه هـای پر خطر وجود دارد یکی از الزامات ما برای دستگاه های پرخطر که در سیاست های کلی هم هست این است که در ساختار استان دستگاه های پـر خطـر بایـد در جـای خاص باشند. یعنی ما یک شهرک داشته باشیم، و شهرک های صنعتی باید از لحـاظ ریسک دسته بندی شوند. زیر سـاخت هـای High Risk (پـر خطـر) ، و آنهـایی کـه ریسکشان پائین است و یا متوسط. آنهایی که ریسک بالایی دارند، باید بـا الزامـات خاص ساخته شوند.

با تشکر از همه عزیزان – والسلام

کتابنامه

http://afshar۲۱.blogfa.com

http://afshar۲۱.blogfa.com/

http://www.globalpolitician.com

http://shadow.foreignpolicy.com

http://maknews.com

http://dailyprogress.com

https://industrialsafety.wordpress.com/

http://eshraf.ir/index.php

http://www.noandishaan.com

http://www.aftabir.com

http://www.dolat.ir

www.hamshahrionline.ir

http://www.seemorgh.com

http://paydaryemeli.parsiblog.com

http://rc.majlis.i

http://www.ammarha.com

http://www.dsrc.ir

http://www.fasleagahi.com

http://www.gerdab.ir

http://www.gerdab.ir/fa/news/۴۶۰۸

http://hrvizheh.blogfa.com/

http://www.mahdi۳۱۳.org

http://borhan۱۳۹۰.blogfa.com

http://mellatonline.ir

http://www.psyop.ir

http://rastak.com

http://www.fatehnet.net/

http://www.ketabkhar.ir

http://eshteghagh.blogfa.com

http://www.aftabir.com

پایان

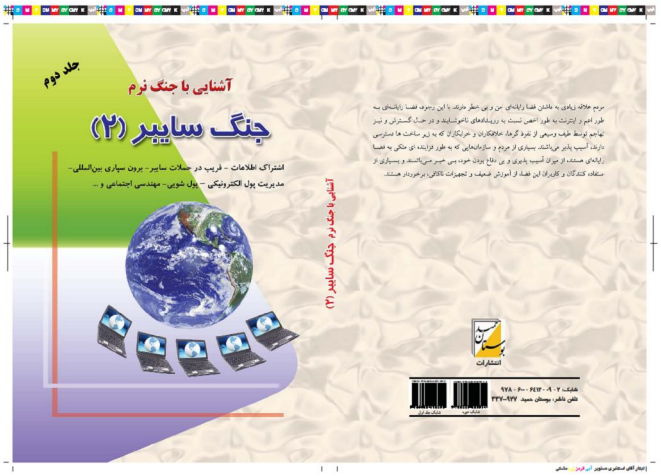
جلد دوم
آشنایی با جنگ نرم
جنگ سایبر (۲)
اشتراک اطلاعات - فریب در حملات سایبر - برون سپاری بین‌المللی -
مدیریت پول الکترونیکی - پول شویی - مهندسی اجتماعی و ...
آشنایی با جنگ نرم جنگ سایبر (۲)
استشارات


دفاع سایبری و امنیت رایانه(۱)
کلیات
امنیت در فناوری اطلاعات
آسیب پذیری ها، تحولات اینترنت در آینده
تحلیل بد افزار های سال ۲۰۱۱ و راه کارها
جاسوس افزار استاکس نت
امنیت سایبری و راهکارها